

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۲

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۲، بخش اول (فروردین تا شهریور)
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
ISBN : 978-600-8378-04-4
۱۳۴ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م۹ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۴۶۱

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

حسن افراسیابی، عمار امیری آرانی، محمدحسن باقری، محمدبرزگر خسروی، عباس حسن خانی، سعید رحمانیان، علی زمانیان
جهرمی، حمیدرضا صادقیان، سید محسن طاهری، حسین فاتحی زاده، کاظم کوهی اصفهانی و فهیم مصطفی زاده
پیاده سازی و تنظیم: سید حامد چاوشی، محمدحسن سامع، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همّت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۴-۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۲/۳/۱۱

مشتمل بر موضوع زیر:

- لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور

تلاوت آیاتی از کلام الله مجید

لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور

منشی جلسه - بسم الله الرحمن الرحيم

«لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور»

ماده واحده- بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور از حیث منابع بالغ بر هفت میلیون و دو بیست و هفتاد و هفت هزار و سی و چهار میلیارد و پانصد و ده میلیون (۷,۲۷۷,۰۳۴,۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و از حیث

۱. لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۲/۳/۷* به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۴۹/۱۵۱۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. در مرحله‌ی اول بررسی شورای نگهبان، مواد این مصوبه از ابتدا تا بند (۲-۳-۱۳) در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۱ و از تبصره‌ی بند (۲-۳-۱۳) تا بند (۷۲) آن در جلسه‌ی صبح مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ و از بند (۷۳) تا بند انتهایی این مصوبه در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ بحث و بررسی شد. اعضای شورای نگهبان در این مرحله، برخی از مفاد این مصوبه را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص دادند و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۹۲/۳/۱۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ اصلاحات لازم را در مصوبه‌ی خویش اعمال و آن را برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۴۹ مورخ ۹۲/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

* گفتنی است هیئت وزیران لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور را در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. مجلس با توجه به عدم فرصت کافی برای بررسی آن در بازه‌ی زمانی پیش از سال ۱۳۹۱، بررسی این لایحه و تصویب آن را به سال ۱۳۹۲ موکول کرد. دولت نیز برای جبران خلأ تقنینی ناشی از عدم تصویب قانون بودجه برای هزینه‌کرد دولت و دستگاه‌های اجرایی در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۲، لایحه‌ای با عنوان «لایحه بودجه سه‌ماهه ابتدای سال ۱۳۹۲ کل کشور» به مجلس تقدیم کرد که این لایحه، با عنوان «قانون سه‌دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور» در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

مصارف بالغ بر هفت میلیون و دو بیست و هفتاد و هفت هزار و سی و چهار میلیارد و پانصد و ده میلیون (۷,۲۷۷,۰۳۴,۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰)

ریال به شرح زیر است:

اول- منابع و مصارف:

۱-

۱-۱- منابع بودجه عمومی دولت از لحاظ درآمدها و واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی و مصارف بودجه عمومی دولت از حیث هزینه‌ها و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی بالغ بر دو میلیون و سیصد و شصت هزار و چهارصد و هشتاد و پنج میلیارد و پانصد و هفت میلیون (۲,۳۶۰,۴۸۵,۵۰۷,۰۰۰,۰۰۰) ریال شامل:

۱-۱-۱- منابع عمومی بالغ بر دو میلیون و یکصد و چهار هزار و سیصد و هشتاد و یک میلیارد و هفتصد و سی و پنج میلیون (۲,۱۰۴,۳۸۱,۷۳۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال

۱-۱-۲- درآمدهای اختصاصی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی بالغ بر دو بیست و پنجاه و شش هزار و یکصد و سه میلیارد و هفتصد و هفتاد و دو میلیون (۲۵۶,۱۰۳,۷۷۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال

۱-۲- بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت از لحاظ درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار بالغ بر پنج میلیون و سیصد و شصت و هشت هزار و ششصد و چهارده میلیارد و نود و پنج میلیون (۵,۳۶۸,۶۱۴,۰۹۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال و از حیث هزینه‌ها و سایر پرداخت‌ها بالغ بر پنج میلیون و سیصد و شصت و هشت هزار و ششصد و چهارده میلیارد و نود و پنج میلیون (۵,۳۶۸,۶۱۴,۰۹۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال.

آقای ره‌پیک - تکلیف آن چهل هزار میلیارد [که دولت مدعی است به منابع بودجه‌ی عمومی اضافه شده است]، چه شد؟
آقای مدرسی‌یزدی - هیچ مشکلی ندارد؛ از نظر ما هیچ مشکلی ندارد.

آقای عزیزاده - آقای دکتر، [از نظر ما] مجلس هیچ چیزی [را به منابع بودجه‌ی عمومی دولت] اضافه نکرده است.

آقای مدرسی‌یزدی - خود دولت همین اعتبارات را آورده بود، [ولی آن اعتبارات و منابع را در سرجمع اعتبارات و منابع به] حساب نیاورده بودند.

آقای عزیزاده - دولت [چهل هزار میلیارد تومان را در لایحه] آورده بود، ولی در سرجمع منابع حساب نکرده بود که مجلس این منابع را در سرجمع آورده و حساب کرده است.

۲. برای آگاهی از جزئیات این موضوع، به مشروح مذاکرات جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ شورای نگهبان مراجعه کنید.

منشی جلسه - «۲» -

۲-۱- این قانون با الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی قابل اجرا می‌باشد و وصول منابع و تعهد و پرداخت از محل مصارف این قانون (در حدود وصولی منابع) صرفاً با رعایت مفاد بند (و) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ امکان‌پذیر است.»

آقای مؤمن - بند (و) ماده (۲۲۴) در مورد چیست؟

منشی جلسه - بند (و) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه این است: «و- کلیه اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی و کمک‌ها و سایر اعتبارات و ردیف‌های مندرج در جداول قوانین بودجه سنواتی به شرح عناوین و ارقام جداول مذکور فقط در حدود وصولی درآمدها و سایر منابع عمومی به شرح عناوین و ارقام مندرج در جداول مربوط قوانین یادشده، بر اساس مفاد موافقتنامه‌های متبادله دستگاه با معاونت و در حدود ابلاغ و تخصیص اعتبار از سوی معاونت، قابل تعهد، پرداخت و هزینه است.»

آقای علیزاده - این، یکی از مواردی است که دولت به آن ایراد داشت. مجلس رفع این ایراد را با آوردن همین بند (۱-۲) چهار میخه کرده است تا دولت نگوید که چرا مجلس برای درآمدهایی که محقق و حاصل نمی‌شود، تعهد ایجاد می‌کند. برویم بند بعدی.

منشی جلسه - «۲-۲» - استفاده از ذخایر ارزی بانک مرکزی و منابع صندوق توسعه ملی به استثنای مجوزهای صادره این قانون برای تأمین نیازهای بودجه کل کشور به هر شکل ممنوع است.»

آقای مؤمن - این بند، ایراد ندارد؛ چون همین امسال را می‌گوید.

آقای علیزاده - بله، این بند، دائمی نیست.

آقای مؤمن - بله، برای امسال است.

آقای علیزاده - مرکز تحقیقات شورای نگهبان این بند (۲-۲) را نگفته است که دائمی است، ولی بند (۲-۳) را گفته‌اند که دائمی [و خلاف اصل ۵۲ قانون اساسی] است.^۱

آقای جنتی - اول این موضوع را معین کنید که آیا واقعاً بنا داریم که هر حکمی را که دائمی است - ولو اینکه تعدادش زیاد باشد - رد کنیم؟

آقای علیزاده - چه چیز را مشخص کنیم؟

آقای جنتی - اول معین کنیم که هر کدام از این حکم‌ها را که دائمی است - ولو تعدادش هر چه هم بالا باشد - می‌خواهید رد کنید یا نه؟

آقای علیزاده - بله، رد می‌کنیم.

آقای مدرس‌یزدی - بله. چرا رد نکنیم؟

آقای امیری - من دلیلش را می‌گویم.

آقای مؤمن - حالا اجازه بدهید به چنین بندهایی برسیم؛ وقتی رسیدیم یا رد می‌کنیم یا [تصمیم دیگری می‌گیریم]. حالا که هنوز به چنین بندهایی نرسیده‌ایم.

آقای جنتی - نه، ببینید باید در مورد چنین موضوعی، یک‌جا تصمیم گرفته بشود؛ چون تعداد چنین بندهایی که جنبه دائمی دارند، زیاد است. در آن نامه‌ای هم که دولت فرستاده بود، به این ایراد اشاره کرده بود.

آقای علیزاده - [رویه‌ی شورای نگهبان در بررسی لوایح بودجه این بود که] بندهایی را که دائمی هستند، معمولاً رد می‌کردیم.

آقای مؤمن - حالا اجازه بدهید این بند را به نتیجه برسانیم.

آقای امیری - رد کردن بندهای دائمی دلیل دارد. حاج‌آقا من معتقدم باید از همین حالا بندهایی را که ماهیت دائمی دارند، کنترل بکنیم و جلوی آنها را بگیریم. دلیل این ایراد هم این است که برای بعضی از احکامی که دولت در لایحه‌ی بودجه آورده است، یک سری قوانین و مقررات بالادستی وجود دارد؛ مثل قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه، یا بعضی از این احکام بودجه با قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس شورای اسلامی که برای تصویب به رأی دو سوم نمایندگان نیاز دارد، در تنافی است.^۲ اگر بخواهیم چنین بندهایی را ایراد نگیریم، به نوعی آن مقررات مربوطه‌ی فراتر را نقض کرده‌ایم.

آقای مدرس‌یزدی - بله، درست است.

آقای مؤمن - این کار، نقض کردن نیست؛ بلکه تخصیص زدن است. حالا اجازه بدهید به چنین بندهایی برسیم؛ [این بحث‌ها را در آنجا مطرح کنید].

آقای مدرس‌یزدی - حاج‌آقای مؤمن، اجازه بدهید؛ توجه بفرمایید. [حاج‌آقای جنتی] درست می‌فرمایند؛ ما باید تکلیفمان

۲. ماده (۱۸۵) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۱۸۵- اصلاح قانون برنامه توسعه در ضمن لایحه بودجه مبتنی بر آن برنامه و نیز دیگر طرح‌ها و لوایح با رأی دو سوم نمایندگان حاضر پذیرفته می‌شود و هر گونه اصلاح نیز با رأی دو سوم نمایندگان معتبر خواهد بود.»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۳۰۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۷ و شماره ۹۲۰۳۰۰۷ مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ و نیز شماره ۹۲۰۳۰۰۸ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲، ص ۱، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/QbUx>

اعضای شورا بیایند. فعلاً آن جاهایی را که حکم دائمی دارد، یادداشت می‌کنیم.

آقای مؤمن - بله، حالا جلوتر برویم تا به این بندها برسیم.

آقای علیزاده - اینکه احکام دائمی بودجه ایراد دارند یا خیر را، یک‌جا رأی می‌گیریم. تا الآن، حکم دائمی نداشته‌ایم. بند (۳-۲)، دائمی نیست.

منشی جلسه - «۲-۳-۲- اعطای هر گونه تسهیلات بانکی به بخش دولتی مشروط به عدم افزایش خالص بدهی بخش دولتی به نظام بانکی است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مسئول نظارت بر اجرای این حکم است.»

آقای مؤمن - مرکز تحقیقات به همین بند ایراد دائمی بودن دارد. **آقای علیزاده -** ما آخر سر به مجلس می‌گوییم، احکامی را که به کلی مشکل آنها با یکساله شدن، رفع نمی‌شود، باید حذف کنند. احکامی که مشکل آنها با یکساله شدن، حل می‌شود، باید مجلس ماده‌ای را در آخر مصوبه‌ی بودجه بیاورد که تمامی احکام این مصوبه در امسال قابل اجرا است. همه ساله در مصوبات بودجه به همین نحو عمل شده است. در شورای نگهبان هم قبلاً همین این کار را می‌کردیم.

آقای مدرسی‌یزدی - به هر حال، آقایانی که نسبت به این موضوع، رأی مغایرت دارید بگویید. من، نسبت به این موضوع، رأی مغایر ندارم.

آقای مؤمن - حالا این بند که ایراد ندارد.

آقای علیزاده - این بند ایراد ندارد؛ نه، این بند، دائمی نیست.

آقای جنتی - این مواردی که ایراد دائمی بودن دارد، در همین صفحه‌ی اول [نظر مرکز تحقیقات] آورده‌اند.

آقای علیزاده - بله، اینجا در نظر مرکز تحقیقات، همین مورد را به عنوان یکی از موارد نوشته‌اند؛ ولی این مورد، دائمی نیست. **آقای مؤمن -** اشتباه کرده‌اند.

آقای علیزاده - این مورد، دائمی نیست؛ می‌گوید اگر خواستی امسال از بانک تسهیلات بگیری، باید چه کار بکنی؟ به مجلس هم می‌گوییم در آخر این مصوبه، قید محدود بودن این احکام به یک سال را بیاورند؛ [بنابراین، با آن قید هم ایراد این بند حل می‌شود]. برویم به بند بعدی.

منشی جلسه - «۲-۴- هر گونه استفاده از تسهیلات ارزی در سال ۱۳۹۲، مشروط به عدم افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی است.»

آقای علیزاده - این بند برای سال ۱۳۹۲ است. کجای این بند، دائمی است؟!

روشن بشود. ببینید یک وقت هست که مجلس مصوبه‌ای دائمی تصویب می‌کند که خلاف قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس است، بله، چنین موردی اشکال دارد؛ ولی اگر یک یا چند حکم، دائمی باشد و خلاف قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس هم نباشد و مجلس آن حکم یا احکام را در ضمن بودجه تصویب کرده باشد، چنین کاری خلاف کدام اصل قانون اساسی است؟

آقای امیری - تصویب بعضی از موضوعات، تشریفات ویژه دارد. **آقای مدرسی‌یزدی -** خب، حالا شما به آن بعضی، اشکال وارد کنید.

آقای امیری - باید مواردی را هم که مصوبه‌ی بودجه، آن تشریفات ویژه را نادیده می‌گیرد، ایراد بگیریم.

آقای مدرسی‌یزدی - آن بعضی موضوعات [که تصویب آنها چنین تشریفات خاصی دارد] را ایراد بگیرید، نه هر حکم دائمی ذکر شده در مصوبه‌ی بودجه را. به آن بعضی، اشکال وارد بکنید؛ مثلاً اگر حکمی به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته و در آنجا تصویب شده و در احکام بودجه، دارند آن را اصلاح می‌کنند، به آن اشکال وارد کنید؛ یا اگر احکامی در بودجه‌ی مصوب، بر خلاف قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس تصویب شده است - مثلاً نیاز به رأی سه چهارم یا دو سوم نمایندگان داشته است - ایراد بگیرد.

آقای امیری - عرض بنده، همین است.

آقای مدرسی‌یزدی - چنین بندهایی را تعیین کنید و ایراد بگیرید. **آقای علیزاده -** ما اصلاً می‌گوییم در قانون بودجه، احکام دائمی نمی‌تواند گنجانده شود.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا؟

آقای امیری - خود اصل (۵۲) قانون اساسی می‌گوید که بودجه، باید یک‌ساله باشد.

آقای مؤمن - بگذارید به چنین احکامی برسیم.

آقای مدرسی‌یزدی - هر کس قبول ندارد، بگوید تا وضعیت این موضوع روشن شود.

آقای مؤمن - من هم قبول ندارم.

آقای امیری - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، ما قبول نداریم.

آقای مؤمن - من هم قبول ندارم. از قدیم هم قبول نداشتیم. آقای دکتر مهرپور هم قبول نداشتند.

آقای علیزاده - بله، ولی اکثریت ما قبول داریم [که باید احکام بودجه، یک‌ساله باشد]. این ایراد را باید بگذاریم تا همه‌ی آقایان

ایجاد نکند؛ یعنی این بند کار بدی را نمی‌گوید. به بانک مرکزی می‌گوید امسال خط اعتباری ایجاد نکن.

آقای مدرس‌یزدی - قضاوت در مورد بد یا خوب بودن حکم این بند، آسان نیست.

آقای علیزاده - این بند، خلاف قانون اساسی نیست. اصلاً [ماهیت] قانون به نحوی است که دست انسان را می‌بندد.

آقای مؤمن - قاعده‌اش این است [که قانون محدودیت ایجاد می‌کند].

آقای علیزاده - بله. عیب قانون در این است که ممکن است دست آدم را ببندد. همیشه این‌طور نیست که قانون دست آدم را نبندد.

آقای مؤمن - قانون جلوی کار خلاف را می‌گیرد.

آقای مدرس‌یزدی - دولت باید [برای استفاده از خط اعتباری بانک مرکزی جهت پرداخت تسهیلات ارزی به غیر از مجوزهای قانونی] لایحه‌ی متمم بودجه را به مجلس ببرد و تصویب کند.

آقای علیزاده - بله. [به سراغ بند بعدی] برویم.

منشی جلسه - «۷-۲- در راستای اجرای بند (د) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۳ کاهش

۳. بند (د) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ل-

۱- اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در قوانین بودجه سنواتی حداکثر ده درصد (۱۰٪) از محل کاهش اعتبارات سایر طرح‌های مندرج در قوانین مذکور با تأیید معاونت و در قالب سقف اعتبار کل طرح قابل افزایش است و عوامل اجرایی طرح‌های مذکور با رعایت ماده (۲۲) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ انتخاب می‌شوند.

۲- اعتبارات هر یک از ردیف‌های متفرقه، تملک دارایی‌های مالی و هزینه‌ای مندرج در قوانین بودجه سنواتی حداکثر ده درصد (۱۰٪) از محل کاهش اعتبارات سایر ردیف‌های متفرقه، اعتبار تملک دارایی‌های مالی و هزینه‌ای توسط معاونت در سقف بودجه سنواتی کل کشور قابل افزایش است.

۳- حداکثر نیم درصد (۰/۵٪) از اعتبارات هزینه‌ای و اختصاصی بودجه عمومی دولت، حداکثر یک درصد (۱٪) از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بودجه عمومی دولت، حداکثر بیست و پنج صدم درصد (۰/۲۵٪) از مجموع هزینه‌های شرکت‌های دولتی، حداکثر نیم درصد (۰/۵٪) از مجموع هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی و پنجاه درصد (۵۰٪) از اعتبارات هزینه‌ای و اختصاصی توسعه علوم و فناوری و پژوهش‌های کاربردی، با تأیید معاونت و بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین و مقررات عمومی کشور و با رعایت «قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱۹» هزینه می‌شود.»

آقای مؤمن - برای سال ۱۳۹۲ است.

آقای مدرس‌یزدی - بله، این بند، برای سال ۱۳۹۲ است؛ به بند بعدی ایراد دائمی بودن دارند.

آقای مؤمن - نه، مرکز تحقیقات گفته است که این بند دائمی است.

آقای علیزاده - نه، بند قبلی را داریم می‌گوییم.

آقای مدرس‌یزدی - مجلس در بند (۴-۲) گفته است: «در سال ۱۳۹۲».

آقای مؤمن - آخر مرکز تحقیقاتی‌ها گفته‌اند که این بند، ایراد دارد؛ در این گزارش، این‌طور نوشته شده است.^۱

آقای علیزاده - ما چنین مواردی را در اعلام نظر خود تذکر می‌دهیم تا مجلس یک قیدی را در آخر مصوبه بیاورد و این ایراد حل شود.

منشی جلسه - «۵-۲- استفاده از خط اعتباری بانک مرکزی برای پرداخت تسهیلات ریالی منوط به عدم افزایش مطالبات بانک مرکزی از سیستم بانکی است.»

آقای مؤمن - این بند هم ظاهراً مال امسال است.

آقای علیزاده - این ایراد [مرکز تحقیقات]، مربوط به ماهیت بودجه‌ای نداشتن این احکام است که این ایراد، وارد نیست. ایراد یکساله نبودن احکام، یک حرف است و نداشتن ماهیت بودجه‌ای احکام، یک حرف دیگری است. دو تا مطلب است. به هر حال، این بند هم اشکال ندارد.

منشی جلسه - «۶-۲- استفاده از خط اعتباری بانک مرکزی برای پرداخت تسهیلات ارزی به غیر از مجوزهای این قانون به هر شکل ممنوع است.»

آقای علیزاده - این بند که یکساله است دیگر؛ کجای آن دائمی است!؟

آقای مدرس‌یزدی - اجازه بدهید. در نامه‌ای که بانک مرکزی فرستاده است،^۲ هر چند از بند (۶-۲) اسم نبرده و در خصوص ایراد بندهای دیگر از جمله [تبصره الحاقی] بند (۲-۳) است، با این وجود اشکالی که گفته است مبنی بر اینکه بودجه‌ی مصوب موجب بسته شدن دست بانک مرکزی می‌شود و...، از این بند (۶-۲) هم ناشی می‌شود. لذا به این مسئله هم توجه کنید.

آقای مؤمن - باشد.

آقای علیزاده - این بند می‌گوید بانک مرکزی امسال خط اعتباری

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۳۰۰۶، مورخ ۱۳۹۲/۳/۷، (بررسی بندهای ۱ تا ۱۲)، ص ۱.

۲. نامه‌ی شماره ۹۲/۶۰۱۱۴ م مورخ ۱۳۹۲/۳/۲ رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به مقام معظم رهبری.

تصویب شده است تا ده درصد کاهش داد و اگر این کاهش اعتبار بیش از ده درصد باشد، به منزله‌ی تصرف غیرقانونی در اموال عمومی است.

آقای مدرس‌یزدی - نه، بند (۷-۲)، این را نمی‌گوید.

آقای مؤمن - بند (۷-۲) در مورد انتقال اعتبار یک ردیف به جای دیگر است.

آقای ره‌پیک - ببینید در صدر بند (۷-۲) می‌گوید که «کاهش تخصیص اعتبار هر یک از ردیف‌های طرح‌های تملک دارایی‌های ... حداکثر تا ده درصد»؛ این کاهش برای چیست؟ «برای افزایش به سقف تخصیص اعتبار» طرح‌های فلان و فلان.

آقای مدرس‌یزدی - یعنی بعد از تخصیص اعتبار، اعتبار را کاهش بدهند.

آقای ره‌پیک - نه؛ خب، اعتبار یعنی چه؟ منظور از اعتبار، یک نوع اعتبار مصوب است که در بودجه آورده‌اند.

آقای مدرس‌یزدی - یعنی بعد از اینکه آن اعتبار، تخصیص پیدا کرد، شما پولی را که تخصیص یافته است، ده درصد کاهش بدهید تا به طرح‌های دیگر اضافه کنید.

آقای علیزاده - نه، بگذارید من یک مثالی بزنم.

آقای ره‌پیک - بند (۷-۲) گفته است که تفاوت بیش از ده درصد در تخصیص ...

آقای مدرس‌یزدی - نه، آن بخش از حکم بند (۷-۲) که معلوم است.

آقای ره‌پیک - ایراد به همین بخش از بند (۷-۲) است دیگر.

آقای علیزاده - آقای دکتر [ره‌پیک]، آقایان نماینده‌ی دولت دو تا اشکال داشتند که نمایندگان مجلس گفتند این اشکالات وارد نیست. اشکال اولشان این بود که بعضی از طرح‌های ما از طریق تسهیلات مالی توسعه‌ای بلندمدت بانک جهانی است که باید طبق بند الحاقی (۵۱) مصوبه، صد درصد تخصیص پیدا کنند و با این حکم بند (۷-۲)، باید مابقی طرح‌ها حداقل نود درصد تخصیص پیدا کنند که این نشدنی است.^۲ ما در جواب گفتیم که این بند الحاقی (۵۱) مصوبه شامل بند (۷-۲) نمی‌شود. بنابراین، اشکال اول آنها وارد نیست.

مطلب و اشکال دوم این بود که اگر مثلاً برای سدسازی در وزارت نیرو، طرح ساخت بیست تا سد را داریم و اعتبار مشخصی هم برای آن در نظر گرفته شده است، نمی‌توانیم بگوییم سدی که در اردکان یزد ساخته می‌شود و هفتاد درصد از

تخصیص اعتبار هر یک از ردیف‌های طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در پیوست شماره (۱) این قانون، حداکثر تا ده درصد (۱۰٪) صرفاً برای افزایش به سقف تخصیص اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با خاتمه سال ۱۳۹۲ این قانون در هر دستگاه اجرایی و در داخل هر فصل و هر استان مجاز است. تفاوت بیش از ده درصد (۱۰٪) در تخصیص و پرداخت ردیف‌های مصوب سایر طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای توسط کمیته‌های تخصیص اعتبار و پرداخت توسط خزانه ممنوع و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی است.»

آقای مؤمن - معلوم است که قاعداً این بندها مربوط به امسال است.

آقای مدرس‌یزدی - این بند نیز از آن بندهایی است که یکی از این آقایان [= نمایندگان دولت در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ شورای نگهبان] ایراد می‌گرفتند.

آقای مؤمن - خیلی خب. بله، بی‌خود ایراد می‌گرفتند؛ ایرادشان وارد نیست. خب، حالا بند (ل) را بیاورید.

آقای علیزاده - «ل»

۱- اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در قوانین بودجه‌ی سنواری حداکثر ده درصد (۱۰٪) از محل کاهش اعتبارات سایر طرح‌های مندرج در قوانین مذکور با تأیید معاونت و در قالب سقف اعتبار کل طرح قابل افزایش است و عوامل اجرایی طرح‌های مذکور با رعایت ماده (۲۲) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱^۱ انتخاب می‌شوند.»

آقای مؤمن - همین است که!

آقای مدرس‌یزدی - بله، بند (ل) همین مطلب بند (۷-۲) است. **آقای علیزاده -** بله، همین مطلب است. آقای دکتر [ره‌پیک]، شما مطلبتان را بفرمایید.

آقای ره‌پیک - آن چیزی که یکی از نمایندگان دولت [در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۹] می‌گفت این بود که طبق بند (۷-۲) در مقام تخصیص اعتبار، می‌توان اعتباراتی را که در بودجه

۱. ماده (۲۲) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰: «ماده ۲۲ - تشخیص صلاحیت و طبقه‌بندی مهندسیین مشاور و پیمانکاران توسط سازمان بر اساس آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران صورت خواهد گرفت. ارجاع کار به مهندسیین مشاور و پیمانکاران و روش تعیین برنده مناقصه بر اساس آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران توسط دستگاه اجرایی انجام می‌گیرد. تبصره - ارجاع کار از طرف دستگاه اجرایی به مؤسسات علمی و یا تخصصی جهت اجرای طرح‌های مطالعاتی، همچنین انعقاد قرارداد مربوط با تأیید سازمان خواهد بود.»

۲. بنگرید به: مشروح مذاکرات جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ شورای نگهبان.

که تغییراتی که مجلس در لایحه بودجه ایجاد کرده است، شاکله را به هم نمی‌زند، برای همین اشکال دولت بود.

آقای ره‌پیک - نه، این اشکال که ارتباطی با ایراد بر هم خوردن شاکله‌ی لایحه بودجه ندارد.

آقای مؤمن - خب، پس این بند چه عیبی دارد؟

آقای ره‌پیک - ببینید که اشکال این بند چیست. این بند حکمی کرده است. موضوع این حکم چیست؟ این بند می‌گوید این‌طور تصور کنید که اگر اعتبار یک پروژه یا یک طرح، صد تومان است، می‌توان در تخصیص اعتبار حداکثر ده درصد از اعتبار آن را کاهش داد و نود تومان به آن طرح تخصیص داد.

آقای مؤمن - نه، حکم بند (۷-۲) این نیست.

آقای علیزاده - نه، این بند گفته است که در مقام تخصیص نمی‌تواند اعتبارات را بیش از ده درصد جابه‌جا کند.

آقای جنتی - حکم بند (۷-۲) به این صورت است که مثلاً اگر اعتبار مصوب یک طرح صد میلیون بوده است که هشتاد میلیون آن تخصیص یافته است، بعد از تخصیص، اگر بخواهید آن تخصیص را کم و زیاد کنید حداکثر تا سقف ده درصد می‌توانید.

آقای مؤمن - ضمن اینکه محل هزینه کردن آن ده درصد را هم خود بند (۷-۲) مشخص کرده است و دولت نمی‌تواند هرطوری که خواست مصرف کند.

آقای ره‌پیک - اما بند (۷-۲) این را نگفته است؛ گفته است که «کاهش تخصیص اعتبار ...»

آقای کدخدائی - یکی از خواسته‌هایی که دولت همیشه دارد، این است که اعتباراتی را که تخصیص داده می‌شود، طبق میل خودش کم و زیاد می‌کند. مجلس با این بند، جلوی این کار را گرفته است و برای این کار، سقف تعیین کرده است.

آقای مؤمن - مجلس می‌خواهد جلوی دولت برای جابه‌جایی غیرقانونی اعتبارات را بگیرد. مجلس کار حساسی کرده است.

آقای علیزاده - یعنی مثلاً ممکن است دولت از اعتبارات پیش‌بینی شده برای یک استان کم کند و در عوض، به اعتبارات یک استان دیگر اضافه کند. مجلس با تصویب این بند، جلوی این کار را گرفته است.

آقای مؤمن - بله، جلوی این کارها گرفته شده است.

آقای علیزاده - ببینید حضرت آیت‌الله، آنچه که شما می‌فرمایید، درست است. دولت مثلاً می‌خواهد امسال از کل اعتبارات تصویبی برای سدها، هفتاد درصد مبلغ تصویب‌شده را تخصیص بدهد. حال به موجب حکم بند (۷-۲)، دولت نه می‌تواند بیش

این اعتبار به آن تخصیص یافته، اعتبار آن را به نود درصد برسانیم، بلکه اعتبارات سد ارکان را می‌توان ده درصد بالا برد و در عوض مثلاً از اعتبار سد شهید رجایی ساری کم کرد. طبق بند (۷-۲)، اجازه‌ی افزایش بیش از ده درصد اعتبار را نداریم.

آقای مؤمن - در هیچ ردیفی نمی‌توانند بیش از ده درصد کاهش یا افزایش دهند. یعنی ده درصد از ردیف کم شود و به ذیل ردیف دیگر اضافه شود.

آقای ره‌پیک - خب، ده درصد از چی؟

آقای علیزاده - ببینید، مثلاً کل اعتبار یک ردیف، تکافوی هفتاد درصد فلان طرح (پروژه) را دارد، که در صورت نیاز به اعتبار بیشتر می‌توان از سایر ردیف‌ها ده درصد کم کرد و به این قسمت اضافه کرد.

آقای مدرس‌یزدی - منظور بند (۷-۲) این نیست.

آقای علیزاده - چرا؛ منظور همین است. حرف مجلس این است که اگر دولت هفتاد درصد از درآمدها را محقق و وصول کرد، از بین حدود بیست تا پنجاه طرحی که مجلس تعریف و تصویب کرده است، دولت نباید یک طرح را اجرا کند و پنج طرح دیگر را تعطیل کند؛ دولت چنین حقی را ندارد.

آقای ره‌پیک - آنها درست.

آقای مؤمن - یعنی طبق بند (۷-۲) دولت حق دارد برخی اعتبارات را به استان دیگری ببرد؟

آقای علیزاده - بله، نمی‌تواند اعتبار یک استان را به استان دیگر ببرد. تمام شد.

آقای مؤمن - بند (۷-۲) گفته است که «... برای افزایش به سقف تخصیص اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با خاتمه سال ۱۳۹۲ این قانون در هر دستگاه اجرایی و در داخل هر فصل و هر استان مجاز است».

آقای علیزاده - بله، این بند که اشکالی ندارد؛ چه اشکالی دارد؟ مجلس می‌تواند بگوید که دولت باید دقیقاً بر اساس مصوبه‌ی مجلس در خصوص ارقام بودجه‌ای هزینه کند و یک درصد هم نمی‌تواند کاهش اعتبار داشته باشد؛ نه اینکه بگوید دولت نمی‌تواند بیش از ده درصد اعتبارات را کاهش دهد.

آقای ره‌پیک - نه، حالا این موارد که اشکالی ندارد. اشکالی که آنها مطرح می‌کردند، ...

آقای مؤمن - خب، اشتباه کردند چنین اشکالی را طرح کردند.

آقای علیزاده - بله، آن اشکال را اشتباهی طرح کردند.

آقای مؤمن - خب، اینکه [در جلسه‌ی ۱۳۹۲/۳/۹] رأی گرفتیم

که از مجلس آمدیم و با نمایندگان دولت جلسه داشتیم، آنها هم همین را می‌گفتند. حاج‌آقای مدرسی، دولتی‌ها مقصودشان این است که بند (۷-۲) دست دولت را می‌بندد.

آقای مدرسی یزدی - بند (۷-۲) می‌گوید که کاهش تخصیص اعتبار حداکثر تا ده درصد مجاز است. گاهی سقف اعتبار مصوب اولیه‌ای که در بودجه در نظر گرفته شده است، بسیار بالا است. در نتیجه، دولت باید برای تخصیص اعتبارات بودجه‌ی مصوب، سی درصد از آن اعتبار کم کند. اصلاً منابع به اندازه‌ی تخصیص هفتاد درصدی هم نیست.

آقای مؤمن - دولت نمی‌تواند از یک ردیف اعتباری، سی درصد کم کند؛ فقط می‌تواند تا ده درصد از اعتبارات را کم کند.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خوب، وقتی اعتباری نیست، دولت باید چه کار کند؟

آقای مؤمن - وقتی اعتباری نیست که هیچ.

آقای مدرسی یزدی - پس بنابراین، حداقل این است که در بند (۷-۲) باید بگویند «در حد وصولی» یا «در حد تخصیص».

آقای مؤمن - نیازی به ذکر عبارت «در حد وصولی» نیست.

آقای علیزاده - در حد منابع وصولی را که در بند (۱-۲) مصوبه گفته است.

آقای مدرسی یزدی - ببینید ما که از اول، به قرینه همین صحبتی که الان آقای علیزاده مطرح کردند، این بند را همین جور [که آقای علیزاده می‌فرمایند] معنا می‌کردیم و می‌گفتیم که مرادشان از کاهش تخصیص یعنی اینکه اگر چیزی تخصیص داده شد و بعد خواسته باشند آن را کم بکنند، تا ده درصد می‌تواند کم کنند و بیشتر نمی‌توانند. این معقول است.

آقای ره‌پیک - [این چیزی که شما می‌گویید] می‌شود تخصیص، [نه کاهش تخصیص اعتبار].

آقای مدرسی یزدی - می‌شود کاهش در تخصیص.

آقای علیزاده - ببینید گاهی دولت می‌آمد یک طرح را به کلی تعطیل می‌کرد، برای اینکه طرح دیگری را پیش ببرد. بند (۷-۲) می‌گوید این کار را نکنید.

آقای کدخدائی - دولت وقتی که می‌خواهد اعتبارات را تخصیص بدهد، از اعتبارات دستگاه‌ها کم می‌کند. مثلاً سال گذشته اعتبارات بیست میلیاردی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شورای نگهبان را صفر کردند. این بند (۷-۲) می‌گوید این کار را نمی‌توانید بکنید؛ این بند الان چنین کاری را منع کرده است.

از ده درصد از سایر اعتبارات کم کند و به طرح سدسازی اضافه کند و نه می‌تواند از اعتبارات یک استان برداشته و در استان دیگر هزینه کند. این دو محدودیتی است که این بند قرار داده است.

آقای مدرسی یزدی - شاید مراد از بند (۷-۲) همان حرفی که آقای دکتر می‌گویند هم باشد. این بند می‌گوید که «کاهش تخصیص اعتبار هر یک از ردیف‌های طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در پیوست شماره (۱) این قانون». مثلاً در یک ردیف اعتباری، صد میلیون اعتبار در نظر گرفته شده است. طبق این بند، کاهش تخصیص این اعتبار، حداکثر باید ده درصد باشد. خب، الان این ایراد نماینده‌ی دولت وارد است که ممکن است اصلاً در برخی موارد امکان تخصیص اعتبار به صورتی که همه‌ی اعتبارات حداقل نود درصد تخصیص پیدا کند، وجود نداشته باشد.

آقای ره‌پیک - ممکن است که دولت حتی ده درصد اعتبار مصوب را هم نداشته باشد تا تخصیص بدهد.

آقای مؤمن - نه، [این موضوع] به این [بند] ربطی ندارد.

آقای علیزاده - نه، این بند، این موضوع را نمی‌خواهد بگوید.

آقای کدخدائی - این بند گفته است «تا ده درصد».

آقای مؤمن - بله، گفته است تا ده درصد.

آقای کدخدائی - یعنی جابه‌جایی اعتبارات بیشتر از ده درصد نباشد.

آقای مؤمن - دولت نمی‌تواند اعتبارات را بیشتر از ده درصد جابه‌جا کند و هم اینکه نمی‌تواند اعتبارات یک استان را به استان دیگر بدهد.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله مدرسی، بند (۷-۲) آن فرض شما را نمی‌خواهد بگوید. منظور این بند، [ایجاد محدودیت برای] آن کسی است که می‌خواهد تخصیص بدهد؛ می‌گوید آن کسی که تخصیص می‌دهد، نمی‌تواند بگوید مثلاً من اعتبارات استان سیستان و بلوچستان را به ۱۲۰ درصد می‌رسانم و فلان استان را به ۸۰ درصد.

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، این برداشت شما از این بند است، اما نماینده‌ی دولت می‌گفت که عبارت مصوبه‌ی مجلس این را نمی‌رساند.

آقای مؤمن - خب، بند (۷-۲) را خوب بخوانند تا معنای آن را بفهمند.

آقای علیزاده - منظور بند (۷-۲) همین است که گفتم. آن روزی

آقای ره‌پیک - در خصوص منع [تغییر بیش از ده درصد در میزان اعتبارات]، اشکالی وجود ندارد. اشکال این است که بند (۷-۲) گفته است اگر تفاوت در تخصیص بیش از ده درصد باشد، جرم است.

آقای علیزاده - دولت طبق بند (۷-۲) دو کار را نمی‌تواند بکند: یکی اینکه اگر اعتباری پیش‌بینی شده است، آن را نمی‌تواند صفر بکند و دوم اینکه فقط تا ده درصد اعتبارات را می‌تواند کم بکند و به جای دیگر اختصاص دهد.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، حالا اگر دولت اصلاً منابعی برای تخصیص نداشت، چه کار بکند؟ دولت می‌گوید چون منابع ندارم، نمی‌توانم اعتباری تخصیص دهم و مثلاً اعتبار برخی طرح‌ها را صفر کرده است.

آقای مؤمن - اگر دولت منابعی نداشته باشد، مبلغی هم تخصیص داده نمی‌شود.

آقای علیزاده - اگر دولت منابع ندارد، به هیچ‌کس اعتبار نمی‌دهد. این بند می‌گوید که در این حالت، اعتبار همه را صفر کن؛ همه‌ی اعتبارات باید صفر شوند.

آقای کدخدائی - بله، برای همه باید یکسان عمل کرد. خب، نماینده‌ی دولت می‌گفت که برخی اوقات، یک اعتباراتی، ضروری و اورژانسی است و نمی‌توان اعتبار آنها را صفر کرد. دولت می‌خواهد تشخیص همه‌ی این موارد با خودش باشد.

آقای مؤمن - اعتبار هیچ طرحی را نباید بیش از ده درصد کم کنند.

آقای مدرسی‌یزدی - نمی‌شود [که مثلاً با کسری چهل درصدی بودجه، به همه‌ی اعتبارات تخصیص نود درصدی داد].

آقای علیزاده - چه طرح اورژانسی‌ای وجود دارد؟ پیش‌بینی منابع برای طرح‌های اورژانسی، در جای دیگری [غیر از ردیف طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای] آمده است.

آقای سلیمی - جای طرح‌های اورژانسی در آنجا [= ردیف طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای] نیست.

آقای علیزاده - اینجا [= ردیف طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای] مورد اورژانسی وجود ندارد.

آقای سلیمی - بله، درست است.

آقای علیزاده - اینجا بحث در خصوص طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است؛ به این دستگاه می‌گوید تو این ساختمان را بساز، به دستگاه دیگری هم می‌گوید تو آن ساختمان را بساز.

آقای مؤمن - خب، برای این بند خب، خب، خیلی ممنون.

آقای ره‌پیک - به هر حال، حکم این بند خیلی روشن نیست.

آقای مؤمن - خیلی خب. برای آنهایی که در اجرا هستند، روشن است.

مثنی جلسه - «دوم - تولید، سرمایه و نیروی انسانی نفت و گاز

۳-۱- در راستای اعمال حق مالکیت و حاکمیت بر منابع نفت و گاز کشور و نیز به منظور اجرای احکام قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، رابطه مالی و نحوه تسویه حساب بین دولت (خزانه‌داری کل کشور) و وزارت نفت از طریق شرکت

منشی جلسه - حاج آقا، ماده (۲۲۹) روی صفحه‌ی نمایشگر است. **آقای مؤمن -** بله، «وزارت نفت موظف است ...» **آقای علیزاده -** «ماده ۲۲۹ - وزارت نفت موظف است نسبت به تولید صیانتی میدان‌های نفتی و گازی در طی سال‌های برنامه به توالی با حداقل ده درصد (۱۰٪)، بیست درصد (۲۰٪)، پنجاه درصد (۵۰٪)، هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) و صد درصد (۱۰۰٪) از میداین اقدام نماید. به این منظور سالانه ده درصد (۱۰٪) از ارزش نفت خام و میعانات و مایعات گازی تولیدی پس از واریز به خزانه برای عملیات زیر به شرکت‌های تابعه وزارت نفت تخصیص می‌یابد: ...»

آقای مؤمن - اینجا در بند (۱-۳) گفته است که هفت میلیارد دلار به منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز با اولویت میداین مشترک هزینه شود. این بند، ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - آن جمله‌ی اول این بند مصوبه گفته است (۱۴/۵٪) سهم شرکت ملی نفت است [که دولت در لایحه‌اش گفته بود که این سهم شامل (۱۰٪) منظور در ماده (۲۲۹) قانون برنامه‌ی پنجم هم می‌شود].

آقای مؤمن - نه آن موضوع سهم (۱۴/۵٪) تمام شد. ببینید همین که اینجا این عبارت دوم را سرخط نوشته است، این بساط را درست کرده است.

آقای علیزاده - بله، سهم منظور در ماده (۲۲۹) قانون برنامه‌ی پنجم را بعداً [بعد از (۱۴/۵٪) سهم شرکت ملی نفت] تعیین کرده‌اند.

آقای مؤمن - عبارت «همچنین به منظور تحقق مفاد ماده (۲۲۹) قانون برنامه ... قرار می‌گیرد»، باید سرخط باشد. این قسمت که هفت میلیارد دلار به عنوان درآمد محسوب نمی‌شود و بابت تجهیز منابع سرمایه‌ای شرکت‌های تابعه‌ی وزارت نفت است، ایرادی ندارد.

آقای ره‌پیک - اینکه گفته شده که «درآمد شرکت محسوب نمی‌شود»، یعنی به خزانه واریز نمی‌شود؟

آقای علیزاده - همه‌ی این مبالغ، به خزانه واریز می‌شود.

آقای مدرسی‌یزدی - نه.

آقای کدخدائی - نه، این همان تهاثر است؛ بنابراین به خزانه نمی‌رود.

آقای مدرسی‌یزدی - آقا! مشکل همین است که اینجا [تصریح بر واریز به خزانه نمی‌شود].

آقای کدخدائی - یکی از دعوای دولت و مجلس همین بود.

آقای علیزاده - چرا، مبالغ این بند، به خزانه واریز می‌شود.

دولتی تابعه ذی‌ربط بابت کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت یادشده و شرکت‌های تابعه از جمله بازپرداخت تسهیلات بیع متقابل، بازپرداخت تسهیلات، تولید، حفظ سطح تولید و برداشت صیانتی و افزایش تولید نفت و گاز طبیعی، سرمایه‌گذاری و نیز هزینه صادرات با احتساب هزینه‌های حمل و بیمه (سیف) چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) از ارزش نفت (نفت خام و میعانات گازی) صادراتی و میعانات گازی تحویلی به مجتمع‌های پتروشیمی و سایر شرکت‌ها و مبالغ واریزی بابت خوراک پالایشگاه‌های داخلی بر اساس قیمت فرآورده‌های نفتی به قیمت فروش داخلی سال ۱۳۹۲ پس از کسر هزینه‌ها معاف از مالیات و تقسیم سود سهام به عنوان سهم آن شرکت تعیین می‌شود.»

آقای مؤمن - این بند می‌گوید (۱۴/۵٪) به عنوان سهم شرکت‌های تابعه‌ی وزارت نفت از صادرات نفت تعیین می‌شود به شرط اینکه بابت مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای این شرکت‌ها منظور شود.

منشی جلسه - «همچنین به منظور تحقق مفاد ماده (۲۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مزاد منابع ارزی ناشی از افزایش قیمت و مقدار صادرات نفت خام و میعانات گازی نسبت به مبانی محاسباتی موضوع این بند پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی در سقف هفت میلیارد (۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از ابتدای سال ۱۳۹۲ و در مقاطع سه ماهه صرفاً به منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز با اولویت میداین مشترک در اختیار این شرکت قرار می‌گیرد. مبلغ مذکور به عنوان درآمد شرکت محسوب نمی‌شود و بابت تجهیز منابع سرمایه‌ای شرکت می‌باشد.»

آقای مؤمن - لازم نیست بدانیم مفاد ماده (۲۲۹) قانون برنامه پنجم چیست؟

منشی جلسه - حاج آقا، بعد از این بند، ماده (۲۲۹) را [روی صفحه‌ی نمایشگر رایانه] می‌آورم.

آقای مؤمن - این بند تمام شد.

منشی جلسه - نه حاج آقا، هنوز ادامه دارد.

آقای مؤمن - نه، این بند تمام شد. عبارت بعدی یعنی «وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط مکلف است ...»، مطلب دیگری است که آن را بی‌جهت این وسط نوشته‌اند؛ باید سرخط آورده شود. عبارت قبلی مربوط به ۷ میلیارد دلاری است که از افزایش قیمت و مقدار صادرات به دست می‌آید؛ می‌گوید این ۷ میلیارد دلار را باید برای سرمایه‌گذاری در طرح نفت و گاز منظور کنند، نه اینکه جزء درآمدهای نفتی حساب شود.

واریز کنند! مثلاً گفته شده است که یکی از مصارف آن (۱۴/۵٪)، بازپرداخت تسهیلات بیع متقابل است؛ یعنی منابع بابت بیع متقابل به خزانه می‌رود و بعد از آن مثلاً به شرکت ژاپنی داده می‌شود.

آقای علیزاده - در بیع متقابل که پرداخت، بعداً انجام می‌شود. بخشی از درآمدهای نفتی را بابت بیع متقابل به شرکت ملی نفت ایران می‌دهند تا این شرکت در بیع متقابل شرکت کند.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، بیع متقابل قبلاً انجام شده است. الآن ...
آقای علیزاده - بازپرداخت تسهیلات بیع متقابل را می‌گوید؛ این منابع را به اینها می‌دهند.

آقای مدرسی‌یزدی - آن شرکت [طرف قرارداد] سهم خودش از نفت را برمی‌دارد و اصلاً کاری به خزانه ندارد؛ چون در بیع متقابل ابتدا آن شرکت بابت بیع متقابل پول می‌دهد، فاینانس می‌دهد و بعد از عملیات استخراج نفت، بنا است که سهم خودشان را از نفت بردارند. در بیع متقابل^۱ معین می‌کنند که هر سال فلان مقدار از نفت را ببرند.

آقای علیزاده - ارزش نفت آن زمان ...

آقای مؤمن - نه، الآن بابت فروش نفت مازاد بر مقدار و قیمت پیش‌بینی شده در بودجه پول می‌گیرند؛ این پولی است که الآن و با توجه به قیمت فعلی نفت گرفته می‌شود.

آقای علیزاده - این بند صراحتاً گفته است که «از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط»؛ نگفته است که خود نفت یا میعانات را می‌دهند؛ بلکه گفته است که چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) از ارزش [نفت خام و میعانات گازی به عنوان سهم شرکت تعیین می‌شود]. کجای این بند گفته است که خود نفت را بدهند؟

آقای مؤمن - نه، این جمله‌ی دوم بند (۳-۱)، موارد مصرف را تعیین کرده است. ببینید باز دارید «همچنین» را [مرتبط با جمله‌ی اول این بند] می‌خوانید؛ در حالی که این هفت میلیارد دلار از این «همچنین» شروع می‌شود. آن (۱۴/۵٪) مربوط به چیز

آقای کدخدائی - کجای بند (۳-۱) گفته است که درآمد این بند به خزانه واریز شود؟

آقای جنتی - ما نسبت به این موضوع قبلاً توافق کردیم [که سهم شرکت ملی نفت از ارزش نفت صادراتی و میعانات گازی، درآمد دولت نیست و لازم نیست که به خزانه واریز شود]؛ دیگر ما الآن دوباره به آن ایراد نگیریم؛ قرار نبوده که این درآمد به خزانه برود.

آقای علیزاده - نه، پایین بند (۳-۱) گفته است که با خزانه‌داری کل تسویه حساب نماید.

آقای مؤمن - کجا؟

آقای علیزاده - «به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و ... تسویه حساب نماید.»

آقای کدخدائی - این منظور کردن به حساب خزانه در مورد «بقیه ارزش مواد مذکور» است.

آقای مؤمن - آن واریز به خزانه در مورد جمله‌ی بعدی‌اش است. آن سهم (۱۴/۵٪) شرکت ملی نفت چیز دیگری است.

آقای رهپیک - این یک مورد یعنی «بقیه ارزش مواد مذکور» را گفته است که به خزانه واریز شود.

آقای مؤمن - حاج‌آقا، آن واریز به خزانه در مورد «بقیه ارزش مواد مذکور» است. این ۷ میلیارد دلار را برای این کار [= تجهیز منابع سرمایه‌ای شرکت ملی نفت] گذاشته‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - ظاهراً خود صندوق توسعه‌ی ملی هم یک خزانه است دیگر.

آقای جنتی - ظاهراً این پذیرفته شده است [که سهم صندوق توسعه‌ی ملی به خزانه نرود]. این حکم در قانون برنامه‌ی پنجم بود که ما هم قبول کردیم و ایراد نگرفتیم.

آقای علیزاده - نه، درآمدهای بند (۳-۱) به خزانه می‌رود. من این را از دولتی‌ها پرسیدم. اختلافی که آقایان نمایندگان مجلس و دولت با هم داشتند، چیز دیگری بود. ایراد این بود که دولت می‌گفت این سهم ۱۴/۵٪ شرکت ملی نفت را در اوایل سال ندهیم که مجلس این را قبول نکرد. در خصوص سهم صندوق توسعه‌ی ملی هم نظر دولت این بود که بعداً این سهم را حساب کنند و الآن سهم صندوق را ندهند. من در مورد این دو موضوع پرسیدم که آیا این منابع به خزانه نمی‌رود؛ گفتند چرا به خزانه می‌رود و از خزانه به آنها پرداخت می‌شود. یعنی در واقع باید مستقیماً از خزانه به آنها بدهند.

آقای مدرسی‌یزدی - آقا، بعید است که این درآمدها را به خزانه

۱. بر اساس ماده (۲) آیین‌نامه چگونگی قراردادهای بیع متقابل غیرنفتی مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۹ هیئت وزیران، «بیع متقابل یا معاملات دوجانبه به مجموعه‌ای از روش‌های معاملاتی اطلاق می‌شود که به موجب آن سرمایه‌گذار تعهد می‌نماید تمام یا بخشی از تسهیلات مالی (نقدی و غیرنقدی) را برای تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز، شامل کالاهای سرمایه‌ای یا واسطه‌ای یا مواد اولیه یا خدمات، جهت ایجاد، توسعه، بازسازی و اصلاح واحد تولیدی یا خدماتی در اختیار سرمایه‌پذیر قرار دهد و بازپرداخت تسهیلات، شامل اصل و هزینه‌های تبعی آن را از محل صدور کالا و خدمات تولیدی سرمایه‌پذیر دریافت کند.»

آقای مدرس‌یزدی - پارسال هم همین‌جا [بر سر این موضوع] اختلاف بود که آیا [سهام شرکت ملی نفت ایران] باید به خزانه برود یا نه؟ شاید شما هم می‌فرمودید که باید به خزانه برود؛ اما ما می‌گفتیم که چون شرکت‌های تابعه‌ی وزارت نفت مستقل هستند، دریافت‌های آنها جزء دریافت‌های دولت محسوب نمی‌شود.

آقای علیزاده - نه، ما قبول نکردیم که شرکت طرف حکم این بند است.

آقای مدرس‌یزدی - حالا نظر ما این بود که اگر شرکت دولتی مستقل از دولت باشد، جدای از دولت است.

آقای اسماعیلی - مشکلی ندارد؛ حتی اگر اصلاً قبول هم نکنیم که شرکت ملی نفت مستقل از دولت است.

آقای علیزاده - بله، شرکت [از وزارت نفت، مستقل نیست؛] برای همین هم در صدر این بند گفته‌اند که «وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط». خوب، این بند را علامت می‌زنیم تا در مورد آن از اینها [مجلس] سؤال کنیم.

آقای مؤمن - نه، الان ایراد بگیرید که بند (۳-۱) خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی^۲ است.

آقای کدخدائی - حاج‌آقای علیزاده، ذیل این بند اشاره شده که مفاد این بند جایگزین مفاد تبصره (۳۸) دائمی لایحه‌ی قانونی

→

نفت، مذکور در فوق افزوده و به عنوان منابع سرمایه‌ای تنها برای اجرای طرح‌های بالادستی نفت و گاز در میادین مشترک به مصرف می‌رسد. شرکت ذی‌ربط تابعه وزارت نفت می‌تواند از محل سهم خود، قراردادهای لازم را با شرکت‌های عملیاتی تولید نفت و گاز بر اساس قیمت تمام‌شده و در چهارچوب بودجه عملیاتی منعقد نماید.

مفاد این بند جایگزین مفاد تبصره (۳۸) دائمی لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ شورای انقلاب اسلامی می‌شود.

قیمت نفت صادراتی از مبادی اولیه و یا عرضه‌شده در بورس، به ترتیب، قیمت معاملاتی یک بشکه نفت صادراتی از مبادی اولیه در هر محموله و یا متوسط قیمت صادراتی در یک ماه شمسی از مبادی اولیه و همچنین برای نفت تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی و مجتمع‌های پتروشیمی و سایر شرکت‌ها اعم از دولتی و خصوصی نود و پنج درصد (۹۵٪) متوسط بهای محموله‌های صادراتی نفت مشابه در هر ماه شمسی است.

وزارت نفت موظف است در مقاطع سه ماهه عملکرد مالی این جزء را به سازمان حسابرسی ارائه دهد. پس از حسابرسی سازمان یادشده و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی قابل تسویه است و تسویه نهایی فیزیکی و مالی نیز تا پایان تیرماه سال بعد با همین سازوکار انجام شود.^۱

۲. اصل پنجاه و سوم قانون اساسی: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.»

دیگری بود و این هفت میلیارد دلار مربوط به چیز دیگری است. عبارت این بند را بد نوشته‌اند؛ از این «همچنین» باید سرخط باشد. آن حکم (۱۴/۵٪) سهم شرکت ملی نفت گذشت؛ حالا همچنین باید به آن شرکت هفت میلیارد دلار بابت مصرف معینی داده بشود.

آقای علیزاده - [در جمله‌ی اول بند (۳-۱) گفته شده است که] «بر اساس قیمت فرآورده‌های نفتی به قیمت فروش داخلی سال ۱۳۹۲ پس از کسر هزینه‌ها معاف از مالیات ...»

آقای مدرس‌یزدی - «معاف از مالیات و تقسیم سود ...»

آقای مؤمن - باز دو مرتبه جمله‌ی بالا را می‌خوانید! «همچنین به منظور تحقق ...» مطلب دیگری است. آن (۱۴/۵٪) مربوط به سهم شرکت ملی نفت بود که تمام شد. از این قسمت «همچنین» به بعد، حکم دیگری را بیان می‌کند: «همچنین به منظور تحقق مفاد ماده (۲۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مازاد منابع ارزی ناشی از افزایش قیمت و مقدار صادرات نفت خام و میعانات گازی نسبت به مبانی ...»

آقای علیزاده - این حکم، پارسال چه‌جوری بوده است؟^۱

۱. بند (۳-۱) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «۱-»

۳- در راستای اعمال حق مالکیت و حاکمیت بر منابع نفت و گاز کشور و نیز به منظور اجرای احکام قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، رابطه مالی و نحوه تسویه حساب بین دولت (خزانه‌داری کل کشور) و وزارت نفت از طریق شرکت‌های تابعه ذی‌ربط بابت کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت‌های یادشده از جمله بازپرداخت تسهیلات بیع متقابل، بازپرداخت تسهیلات، تولید، حفظ سطح تولید و برداشت صیانتی و افزایش تولید نفت و گاز طبیعی، سرمایه‌گذاری و نیز هزینه صادرات با احتساب هزینه‌های حمل و بیمه (سیف)، به میزان چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) (شامل ده درصد منظور در ماده (۲۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران) از ارزش نفت (نفت خام و میعانات گازی) صادراتی و مبالغ واریزی نقدی بابت خوراک پالایشگاه‌های داخلی و میعانات گازی تحویلی به مجتمع‌های پتروشیمی و سایر شرکت‌ها بر اساس قیمت فرآورده‌های نفتی در نیمه اول سال ۱۳۸۹ به عنوان سهم آن شرکت به منظور مصارف سرمایه‌ای و بازپرداخت قراردادهای بیع متقابل شرکت پس از کسر هزینه‌ها، معاف از مالیات و تقسیم سود سهام تعیین می‌شود. وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط مکلف است معادل هشتاد و پنج و نیم درصد (۸۵/۵٪) بقیه ارزش مواد مذکور را به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و به شرح مقررات این بند با دولت (خزانه‌داری کل کشور) تسویه حساب نماید. در صورت وصول درآمد حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی بیش از احکام و ارقام مصوب در این قانون (موضوع ردیف‌های ۲۱۰۱۰۱ و ۲۱۰۱۰۹)، بیست و پنج درصد (۲۵٪) از مازاد حاصله به سهم شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت

←

حساب بین دولت (خزانه‌داری کل کشور) و وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط بابت کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت یادشده و شرکت‌های تابعه از جمله بازپرداخت تسهیلات بیع متقابل، بازپرداخت تسهیلات، تولید، حفظ سطح تولید و برداشت صیانتی و افزایش تولید نفت و گاز طبیعی، سرمایه‌گذاری و نیز هزینه صادرات با احتساب هزینه‌های حمل و بیمه (سیف) چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) ...»

آقای مؤمن - تا اینجا که مربوط به جمله‌ی اول بند (۳-۱) مصوبه‌ی امسال است.

آقای علیزاده - «... (شامل ده درصد منظور در ماده (۲۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران) از ارزش نفت (نفت خام و میعانات گازی) صادراتی و مبالغ واریزی نقدی بابت خوراک پالایشگاه‌های داخلی و میعانات گازی تحویلی به مجتمع‌های پتروشیمی و سایر شرکت‌ها بر اساس قیمت فرآورده‌های نفتی در نیمه اول سال ۱۳۸۹ به عنوان سهم آن شرکت به منظور مصارف سرمایه‌ای و بازپرداخت قراردادهای بیع متقابل شرکت پس از کسر هزینه‌ها، معاف از مالیات و تقسیم سود سهام تعیین می‌شود.»

آقای کدخدائی - عبارت‌های قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ و بودجه‌ی مصوب امسال با هم فرق می‌کند، ولی مثلاً ...

آقای علیزاده - قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ در مورد نحوه‌ی تسویه حساب بین دولت و وزارت نفت هم چیزی گفته است؟

آقای کدخدائی - بله، در این قانون هم هست.

آقای علیزاده - عبارات این بند و قانون سال قبل عین هم است. در زمان تصویب قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ گفتند که ما منابع این بند را به خزانه می‌ریزیم و به همین دلیل، ما ایراد نگرفتیم. عبارت این بند، همان عبارت قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ است.

منشی جلسه - بله.

آقای علیزاده - عباراتش کمی متفاوت است، ولی مضمونش همان است.

آقای اسماعیلی - حالا سؤال کنید [که درآمدهای این بند به خزانه می‌رود یا نه؟]

آقای مؤمن - سؤال نه، باید ایراد بگیرید.

آقای اسماعیلی - ایراد بگیرید.

آقای مؤمن - باید ایراد گرفت که اگر درآمدهای موضوع بند (۳-۱) به خزانه واریز نمی‌شود، ...

آقای علیزاده - درآمدهای بند (۳-۱) به خزانه واریز می‌شود.

بودجه‌ی سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ شورای انقلاب اسلامی می‌شود.^۱ احتمال دارد که این عبارت در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ به این شکل نیامده باشد. صدر صفحه‌ی (۴) را ملاحظه بفرمایید که می‌گوید مفاد این بند جایگزین ...

آقای علیزاده - خب، اگر مفاد بند (۳-۱)، جایگزین تبصره (۳۸) دائمی لایحه‌ی قانونی بودجه‌ی سال ۱۳۵۸ کل کشور شده باشد که این بند دائمی شده و بدتر است؛ یعنی یک اشکال این جور هم دارد.

آقای کدخدائی - قانون بودجه‌ی سال گذشته، سهم (۱۴/۵٪) شرکت ملی نفت و اینها را داشت، ولی اینکه عبارت آن هم به همین شکل بند (۳-۱) بوده یا به شکل دیگر، ...

آقای مؤمن - آقای کدخدائی، این هفت میلیارد دلار اضافه بر آن سهم (۱۴/۵٪) است.

آقای علیزاده - پس اگر این مبالغ به خزانه واریز نشود، ما به این بند اشکال داریم. آقایان قبول دارید؟

آقای مؤمن - بله، خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی است.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند اگر این بند به خزانه واریز نشود، ...

منشی جلسه - حاج آقا، می‌خواهید بند (۳-۱) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ را هم ببینید؟

آقای علیزاده - قانون پارسال، رابطه‌ی نحوه‌ی تسویه حساب بین دولت (خزانه‌داری کل) و وزارت نفت را نوشته است؛ اما امسال این جور نوشته است.

آقای کدخدائی - بله، درست است.

آقای علیزاده - بند (۳-۱) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ گفته است که «در راستای اعمال حق مالکیت و حاکمیت بر منابع نفت و گاز کشور و نیز به منظور اجرای احکام قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران رابطه مالی و نحوه تسویه

۱. تبصره (۳۸) دائمی لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ شورای انقلاب اسلامی: «تبصره ۳۸- قراردادهای فروش نفت وسیله شرکت ملی نفت ایران از طرف دولت امضاء و وجوه حاصل از فروش نفت خام به هر صورت و فرآورده‌های نفتی صادراتی مستقیماً به حساب خزانه‌داری کل نزد بانک مرکزی ایران منظور می‌گردد. هر مبلغ که طبق بودجه مصوب شرکت مذکور از محل درآمد عمومی باید در اختیار شرکت ملی نفت ایران گذاشته شود به ترتیبی که نیازهای شرکت اقتضا کند از طرف خزانه‌داری کل در اختیار شرکت قرار داده می‌شود. بانک مرکزی ایران مکلف است ارزشهای مورد نیاز شرکت ملی نفت ایران را به میزانی که شرکت تغییر خواهد کرد به شرکت مذکور بفروشد.»

و میعانان گازی را می‌فروشد و سپس این مبلغ هفت میلیارد دلار در اختیار این شرکت قرار می‌گیرد، یعنی اینکه به خزانه می‌رود و سپس از خزانه به این شرکت داده می‌شود. هفت میلیارد دلار را هم به عنوان سقف تعیین کرده‌اند. همه چیز را معلوم کرده‌اند. این بند نگفته است که منابع حاصله، به خزانه واریز نشود.

آقای مدرسی‌یزدی - آقا، این هفت میلیارد دلار، سهم صندوق توسعه‌ی ملی است؟

آقای علیزاده - این هفت میلیارد دلار حتماً به خزانه واریز می‌شود و پس از کسر سهم صندوق توسعه‌ی ملی است.

منشی جلسه - بقیه‌ی بند (۳-۱) مصوبه هم که مثل قانون بودجه‌ی پارسی است.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، مشخص نیست که این هفت میلیارد دلار، سهم صندوق توسعه‌ی ملی است یا سهم شرکت تابعه‌ی ذی‌ربط وزارت نفت برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز است.

آقای مؤمن - این هفت میلیارد دلار برای شرکت دولتی تابعه‌ی ذی‌ربط وزارت نفت است؛ موضوع ماده (۲۲۹) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه است.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، ببینید سهم صندوق توسعه‌ی ملی در این بند چقدر می‌شود؟

آقای مؤمن - در این بند اصلاً سهم صندوق توسعه‌ی ملی مطرح نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - در این قسمت از بند (۳-۱) می‌گوید که «پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی ...»

آقای مؤمن - بله، گفته شده که «پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی».

آقای مدرسی‌یزدی - خب، مقدار این کسر که سهم صندوق توسعه‌ی ملی است، چقدر می‌شود؟

آقای مؤمن - این قسمت از بند (۳-۱) را بخوانید.

آقای مدرسی‌یزدی - «پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی در سقف هفت میلیارد (۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار».

آقای مؤمن - این سقف هفت میلیارد دلار را دوباره به شرکت ملی نفت می‌دهند.

آقای علیزاده - این بند نگفته است که این هفت میلیارد دلار را از صندوق توسعه‌ی ملی به شرکت ملی نفت می‌دهند.

آقای مؤمن - نه، این هفت میلیارد دلار را از سهم صندوق

آقای کدخدائی - بله، چون گفته است که «نحوه تسویه حساب بین دولت (خزانه‌داری کل) و وزارت نفت ...»

آقای علیزاده - قانون بودجه‌ی پارسی هم به همین صورت بوده است.

آقای مؤمن - کجای قانون بودجه‌ی پارسی چنین چیزی گفته است؟

آقای علیزاده - این قسمت از بند (۳-۱) قانون بودجه‌ی پارسی که گفته بود رابطه‌ی مالی و نحوه تسویه حساب بین دولت یعنی خزانه‌داری و وزارت نفت ...

آقای مؤمن - این عبارت در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ بود، ولی در این مصوبه‌ی امسال که نیست.

آقای علیزاده - چرا؛ در قانون بودجه‌ی امسال هم هست.

آقای مؤمن - کجای مصوبه‌ی بودجه‌ی امسال آمده است؟

آقای علیزاده - در همین بند (۳-۱). آن را بخوانید.

آقای مؤمن - کجای این بند را بخوانم؟

آقای علیزاده - گفته: «... برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران رابطه مالی و نحوه تسویه حساب بین دولت (خزانه‌داری کل) و وزارت نفت ...»

آقای مؤمن - این قسمت که مربوط به سهم (۱۴/۵٪) شرکت ملی نفت است و این ۷ میلیارد دلار غیر از آن (۱۴/۵٪) است.

آقای علیزاده - این هفت میلیارد دلار که در جمله‌ی پایینی آمده است، اصلاً ...

آقای مؤمن - این هفت میلیارد دلار، غیر از آن (۱۴/۵٪) است.

آقای علیزاده - ما به این جمله‌ی بالا که ایرادی نداریم.

آقای مؤمن - نه، [جمله‌ی اول منظورم نیست؛ منظورم جمله‌ی دوم این بند (۳-۱) است که گفته] «همچنین به منظور تحقق مفاد ماده (۲۲۹) قانون برنامه ... هفت میلیارد (۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) میلیارد دلار از ابتدای سال ۱۳۹۲ و در مقاطع سه ماهه صرفاً به منظور سرمایه‌گذاری ... در اختیار این شرکت قرار می‌گیرد.»

منشی جلسه - بله.

آقای علیزاده - در اختیار چه کسی؟

آقای مؤمن - در اختیار این شرکت قرار می‌گیرد.

آقای علیزاده - نه، اگر این هفت میلیارد دلار را به خزانه نمی‌دادند که عبارت «در اختیار این شرکت قرار می‌گیرد» معنا ندارد.

آقای مؤمن - نه.

آقای علیزاده - اگر شرکت دولتی تابعه‌ی وزارت نفت، نفت خام

آقای مدرسی یزدی - سؤال من این است که این عبارت در سقف ۷ میلیارد دلاری که در بند (۳-۱) نوشته شده است، برای تولید صیانتی است یا برای سهم صندوق توسعه ملی است؟

آقای علیزاده - نه، سهم صندوق توسعه ملی نیست.

آقای مؤمن - نه، سهم صندوق توسعه ملی نیست.

آقای کدخدائی - نه، این رقم برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز با اولویت میادین مشترک است.

آقای علیزاده - اول باید سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی را کم کنند، بعد این هفت میلیارد دلار را به شرکت ملی نفت بدهند.

آقای مدرسی یزدی - این عبارت همین‌جور می‌گوید پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی در سقف هفت میلیارد دلار.

آقای مؤمن - این هفت میلیارد دلار هم در ذیل همان [عبارت «پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی»] است؛ بنابراین، اشکالی ندارد.

آقای کدخدائی - یعنی سهم صندوق توسعه ملی را جدا می‌کنند و به صندوق می‌دهند و مابقی درآمدها تا آن سقف برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز هزینه می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - خب، سهم صندوق از این درآمد چقدر است؟

آقای کدخدائی - سهم صندوق را باید جدا ببینیم که چقدر است.

آقای علیزاده - برویم آقا. این بخش از بند (۳-۱) اشکال ندارد. آقا، بخوان.

منشی جلسه - «وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط مکلف است معادل هشتاد و پنج و نیم درصد (۸۵/۵٪) بقیه ارزش مواد مذکور را به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و به شرح مقررات این بند با دولت (خزانه‌داری کل کشور) تسویه حساب نماید. وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط می‌تواند از محل سهم خود، قراردادهای لازم را با شرکت‌های عملیاتی تولید نفت و گاز بر اساس قیمت تمام‌شده و در چهارچوب بودجه عملیاتی منعقد نماید.

مفاد این بند جایگزین مفاد تبصره (۳۸) دائمی لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ شورای انقلاب اسلامی می‌شود.»

آقای علیزاده - این قسمت از بند (۳-۱) اشکال دارد.

آقای مؤمن - اگر این حکم، همه‌ساله و دائمی باشد، اشکال دارد.

آقای علیزاده - بله، این حکم [اگر همه ساله باشد]، اشکال دارد.

البته اگر منظورش این باشد که فقط برای امسال مفاد این بند

توسعه ملی به شرکت ملی نفت می‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - می‌دانم. می‌خواهد بگوید این هفت میلیارد دلار...

آقای مؤمن - آقای مدرسی، اجازه بدهید.

آقای مدرسی یزدی - بفرمایید.

آقای مؤمن - ببینید جمله‌ی دوم بند (۳-۱) می‌گوید که «همچنین به منظور تحقق مفاد ماده (۲۲۹) قانون برنامه؛ مفاد ماده (۲۲۹) این است که «وزارت نفت موظف است نسبت به تولید صیانتی میدان‌های نفتی ...»

آقای علیزاده - پس شما به این قسمت از بند (۳-۱) ایراد دارید؟ **آقای مؤمن -** بله.

آقای کدخدائی - به هفت میلیارد دلاری که در این بند آمده است، ایراد واریز نشدن به خزانه را دارند.

آقای مؤمن - بله، ایراد بنده راجع به هفت میلیارد دلار است [که به خزانه واریز نمی‌شود].

آقای کدخدائی - حاج‌آقا، هفت میلیارد دلار هم در ماده (۲۲۹) ...

آقای مؤمن - من هم می‌دانم؛ می‌گویم که این هفت میلیارد دلاری که در بند (۳-۱) آمده است غیر از آن سهم (۱۴/۵٪) شرکت ملی نفت است.

آقای کدخدائی - ببینید در ماده (۲۲۹) قانون برنامه گفته شده است که «به این منظور سالانه ده درصد (۱۰٪) از ارزش نفت خام و میعانات و مایعات گازی تولیدی پس از واریز به خزانه برای عملیات زیر به شرکت‌های تابعه وزارت نفت تخصیص می‌یابد».

آقای علیزاده - بله، ماده (۲۲۹) قانون برنامه اشاره کرده است [که مبالغ مذکور باید به خزانه واریز شود].

آقای کدخدائی - این بند (۳-۱) هم گفته است که در اجرای ماده (۲۲۹) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم.

آقای مدرسی یزدی - این که خیلی روشن است؛ در ماده (۲۲۹) قانون برنامه «پس از واریز به خزانه» را نوشته است.

آقای مؤمن - بله، نوشته است. پس، این بند ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - پس بند (۳-۱) از این نظر اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - بله، چون در ماده (۲۲۹) قانون برنامه، موضوع «واریز به خزانه» آمده است، ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - بند (۳-۱) هم گفته است: «به منظور تحقق مفاد ماده (۲۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم ...».

آقای مؤمن - بله.

جایگزین تبصره (۳۸) دائمی لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۵۸ باشد، اشکالی ندارد؛ اما اگر منظور این باشد که تبصره (۳۸)، به صورت دائمی نسخ می‌شود و این بند، جایگزین آن می‌شود، اشکال دارد.

آقای مؤمن - خب، این ایراد را یادداشت کنید. البته شما می‌گویید ایراد دارد، ما این ایراد را قبول نداریم.

آقای مدرسی یزدی - نه، ما هم این ایراد را قبول نداریم.

آقای علیزاده - خب ما که اکثریت هستیم، این ایراد را قبول داریم.

آقای مؤمن - اکثریت فایده ندارد؛ باید هفت نفر باشید.

آقای علیزاده - خب، فعلاً که هفت نفریم.

آقای مدرسی یزدی - این قسمت از بند (۱-۳) چه ایرادی دارد؟!

آقای کدخدائی - بودجه یکساله است.

آقای اسماعیلی - چون بودجه، به کمیسیون نمی‌رود و [به صورت مفصل] بررسی نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - خب، مگر این امر خلاف قانون اساسی است؟!

آقای مؤمن - نه.

آقای مدرسی یزدی - مخالف کدام اصل از قانون اساسی است؟

آقای اسماعیلی - قوانین مصوب باید یا به صورت طرح و یا به صورت لایحه باشند.

آقای علیزاده - بودجه یک چیز جداگانه‌ای است که در اصل (۵۲) قانون اساسی^۱ آمده است.

آقای اسماعیلی - برای بودجه یک اصل جداگانه در قانون اساسی آمده است.

آقای علیزاده - بودجه یک فصل جداگانه و مستقلی در قانون اساسی دارد.^۲

آقای مؤمن - در بودجه نباید قید سالانه بودنش آورده شود؟

آقای علیزاده - نه، ما می‌گوییم این قسمت از این بند، سالانه نیست.

آقای سلیمی - احکام بودجه باید سالانه باشد.

آقای اسماعیلی - احکام بودجه نباید ناظر بر بیش از یک سال

باشد.

آقای مؤمن - این از کجا می‌گویید که احکام بودجه باید سالانه باشد؟

آقای اسماعیلی - چون تعریف خود قانون بودجه، این است.^۳

آقای علیزاده - قانون بودجه، جدا است [و با بقیه قوانین فرق می‌کند].

آقای مدرسی یزدی - آقا، اگر دولت بودجه را به مجلس داده باشد که «لایحه» است.

آقای علیزاده - چون بودجه را دولت به مجلس داده است، لایحه‌ی بودجه است.

آقای مدرسی یزدی - باشد؛ درست است.

آقای مؤمن - تا حالا در لایحه‌ی بودجه، بحث زمان مطرح نبوده است.

آقای علیزاده - ما با هم اختلاف مبنایی داریم.

آقای مؤمن - در رژیم سابق و در زمان فعلی، تاکنون، احکام لایحه‌ی بودجه همه‌جور (سالانه و دائمی) می‌آمده است.

آقای علیزاده - بله ما با همدیگر اختلاف نظر داریم. الآن شش تا رأی داریم که این قسمت اخیر بند (۱-۳) ایراد دارد.

آقای مؤمن - اگر شش رأی دارید، یک رأی دیگر هم پیدا کنید! ما از اول مخالف این ایراد بودیم.

آقای علیزاده - حالا حاج آقای یزدی و برخی دیگر از آقایان فقها هم [که در جلسه حاضر نیستند] به این ایراد رأی می‌دهند.

آقای اسماعیلی - با این ایراد، تبصره‌های دائمی را از بودجه جدا کردیم.

آقای علیزاده - آقای شاهرودی هم به این ایراد رأی می‌دهد. پس فعلاً شش رأی داریم که این قسمت از این بند، خلاف اصل (۵۲) قانون اساسی است.

آقای اسماعیلی - دائمی بودن این قسمت از بند (۱-۳) محل ایراد است.

آقای علیزاده - اگر دائمی باشد، ایراد دارد؛ این قسمت از این بند، ایهام دائمی بودن دارد.

آقای مؤمن - مفاد بند (۱-۳).

۱. اصل پنجاه و دوم قانون اساسی: «بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هر گونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.»

۲. فصل چهارم قانون اساسی (از اصل ۴۳ تا اصل ۵۵) اختصاص به اقتصاد و امور مالی دارد.

۳. ماده (۱) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۱- بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل سیاست‌ها و هدف‌های قانونی می‌شود، بوده و از سه قسمت به شرح زیر تشکیل می‌شود: ...»

پالایشگاه‌های داخلی و مجتمع‌های پتروشیمی اعم از دولتی و خصوصی، نود و پنج درصد (۹۵٪) متوسط بهای محموله‌های صادراتی نفت مشابه در هر ماه شمسی است.»

آقای مؤمن - این جمله را هم باید بگویند که دائمی نباید بشود.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای مؤمن - برای اینکه اگر دائمی باشد، مثل جمله‌ی قبلی این بند، ایراد پیدا می‌کند. البته ما این جمله را [به همین نحو] قبول داریم؛ [چون به نظر ما] احکام بودجه، سالانه هم نباشد، ایرادی ندارد. اما شما باید بر اساس نظر خودتان بگویید که این جمله هم نباید دائمی باشد. منظور این است که حکم این جمله هم باید تصریح شود که مربوط به امسال است.

آقای علیزاده - این قسمت، مربوط به امسال است.

آقای مؤمن - بله.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که حکم این قسمت، دائمی نیست؛ واضح است.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - بسیار خوب، الحمدلله!

آقای علیزاده - در عبارت قبلی این بند، چون دارد یک چیزی که قبلاً دائمی بوده را با حکمش جایگزین می‌کند، گفتیم ایراد دارد.

آقای مؤمن - باشد.

آقای علیزاده - عبارت قبلی این بند نگفته است که بند (۳-۱)، امسال جایگزین تبصره (۳۸) دائمی می‌شود.

آقای مؤمن - در این بند هم نگفته است که این قسمت مربوط به امسال است.

منشی جلسه - «پالایشگاه‌هایی که خوراک نفت خام و میعانات گازی را به نسبت سهم صادرات فرآورده‌های خود به قیمت مذکور در قانون هدفمندکردن یارانه‌ها (۹۵٪ قیمت فوب خلیج فارس) خریداری و بهای آن را به صورت ارز و از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به حساب‌های مورد تأیید خزانه‌داری کل کشور واریز می‌کنند، مشمول مفاد جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشند.»

آقای مؤمن - عبارت اخیر یعنی این قبیل پالایشگاه‌ها لازم نیست درآمدهای خود را به خزانه‌داری کل واریز کنند؟

آقای مدرسی یزدی - نه، چنین مفهومی از این عبارت بعید است.

آقای علیزاده - جزء (۱) [بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم] را بخوانید؛ ببینیم که چیست.

منشی جلسه - حاج‌آقا، ماده (۸۴) قانون برنامه در مورد

آقای علیزاده - بله، مفاد این قسمت از بند (۳-۱)، ابهام دائمی بودن دارد. خیلی خوب، برویم.

منشی جلسه - به بند الحاقی (۷۱) این مصوبه در صفحه (۷۰) توجه کنید.

آقای مدرسی یزدی - این قسمت اخیر از این بند، الحاق نیست؛ معلوم است که این قسمت دائمی است.

آقای علیزاده - نه، این قسمت اخیر بند (۳-۱) که می‌گوید این بند جای تبصره (۳۸) دائمی لایحه‌ی قانونی بودجه‌ی سال ۱۳۵۸ را می‌گیرد، ابهام دائمی بودن دارد.

آقای کدخدائی - حاج‌آقای علیزاده، بند الحاقی (۷۱) این مصوبه گفته است که احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا هستند.

آقای علیزاده - می‌دانم، این قسمت آخر بند (۳-۱) یک‌طوری گفته است این بند جایگزین تبصره (۳۸) دائمی می‌شود که ابهام ایجاد کرده است.

آقای اسماعیلی - بله، این قسمت از این بند (۳-۱) ابهام دائمی بودن دارد.

آقای علیزاده - باید اینجا تصریح کنند [که حکم این قسمت از بند (۳-۱)، برای سال ۱۳۹۲ است].

آقای اسماعیلی - بله.

آقای علیزاده - این قسمت، نیاز به تصریح دارد که سالانه است.

آقای اسماعیلی - بله، [بند الحاقی (۷۱) این مصوبه هم] فایده ندارد.

آقای مؤمن - بند الحاقی (۷۱) این مصوبه، خواسته‌ی شما در خصوص تصریح به یک‌ساله بودن را گفته است.

آقای علیزاده - نگفته است. این بند الحاقی (۷۱) آن ابهام [= ابهام دائمی بودن حکم قسمت آخر بند (۳-۱)] را برطرف نمی‌کند.^۱

آقای جنتی - ادامه‌ی بند (۳-۱) را بخوانید: «قیمت نفت صادراتی ...»

منشی جلسه - «قیمت نفت صادراتی از مبادی اولیه، قیمت معاملاتی یک بشکه نفت صادراتی از مبادی اولیه در هر محموله و قیمت نفت عرضه‌شده در بورس، متوسط قیمت نفت صادراتی در یک‌ماه شمسی از مبادی اولیه و همچنین برای نفت تحویلی به

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱- از آنجا که در بند (۳-۱) آمده مفاد این بند جایگزین مفاد تبصره (۳۸) دائمی لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ شورای انقلاب اسلامی می‌شود، عبارت مذکور ابهام دائمی بودن آن را می‌نماید؛ بنابراین مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است.»

داده می‌شود در سقف هفت میلیارد (۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار مازاد درآمد ارزی ناشی از افزایش قیمت و مقدار صادرات نفت خام و میعانات گازی موضوع جزء (۱-۳) نسبت به تهاثر نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی با پیمانکاران داخلی و خارجی، سازندگان کالا و تأمین‌کنندگان تجهیزات و کالا بابت مطالبات آنها اقدام نماید. مقدار و ارزش ارزی و ریالی هر محموله توسط وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط جهت اعمال حساب به خزانه‌داری کل کشور اعلام می‌شود.

۲-۳- وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط مکلف است کلیه دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی اعم از صادرات سال جاری و سال‌های قبل را به هر صورت، پس از کسر بازپرداخت‌های بیع متقابل به عنوان علی‌الحساب پرداخت‌های موضوع این بند و تسویه بندهای متناظر در قوانین بودجه سال‌های قبل، بلافاصله از طریق حساب‌های مورد نظر و مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به حساب‌های مربوط در خزانه‌داری کل کشور واریز نماید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سهم وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط را به حساب‌های آن شرکت مورد تأیید خزانه‌داری کل کشور در داخل و مورد تأیید آن بانک در خارج از کشور برای پرداخت به پیمانکاران و سازندگان و عرضه‌کنندگان مواد و تجهیزات مربوط طرف قرارداد و هزینه‌های جاری ارزی شرکت واریز و برای قراردادهای تسهیلات مالی خارجی توثیق نماید.»

آقای مدرس‌یزدی - عبارت این بند دلیل بر این است که [دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی] به خزانه ریخته می‌شود؛ چون این بند می‌گوید که سهم وزارت نفت بعد از واریز به خزانه پرداخت می‌شود.

منشی جلسه - «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است از وجوه حاصله هر ماهه به‌طور متناسب، چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) سهم وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط (با احتساب بازپرداخت‌های بیع متقابل)، بیست و شش درصد (۲۶٪) سهم صندوق توسعه ملی و دو درصد (۲٪) سهم بازپرداخت برداشت از این صندوق (بابت پرداخت عیدانه سال ۱۳۹۱) را به حساب مربوط واریز و پنجاه و هفت و نیم (۵۷/۵٪) درصد را با اعلام خزانه‌داری کل کشور و با فروش مبالغ ارزی به نرخ واحد برای کلیه مصارف و با رعایت قوانین حاکم بر بانک مرکزی و بند (ج) ماده (۸۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۱ اعلامی به وسیله این بانک حداکثر معادل مبالغ مندرج در

اساسنامه‌ی صندوق توسعه‌ی ملی است.

آقای مؤمن - نه، آن جزء را بخوانید. این عبارت بند (۱-۳) می‌گوید که مشمول مفاد جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه نیست.

آقای کدخدائی - این عبارت گفته است که «بهای آن را ... به حساب‌های مورد تأیید خزانه‌داری کل کشور واریز می‌کنند.»

آقای مؤمن - نه، عبارت «مشمول مفاد جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشند»، یعنی چه؟

آقای علیزاده - مفاد جزء (۱) بند (ح) را بیاورید، ببینیم که چیست؟

منشی جلسه - چشم.

آقای علیزاده - [جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه می‌گوید: «حداقل معادل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) در سال‌های برنامه و تعیین مبلغ آن در قوانین بودجه سنواتی» از منابع صندوق توسعه‌ی ملی است.

آقای مؤمن - بله.

آقای کدخدائی - منظور این است که درآمد این پالایشگاه‌ها، دیگر جزء منابع صندوق توسعه‌ی ملی نیست.

آقای علیزاده - خیلی خب، اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - مشمول مفاد جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه نیست، یعنی خودش منبعی مستقل است.

آقای علیزاده - یعنی جزئی از منابع صندوق توسعه‌ی ملی محسوب نمی‌شود.

آقای مؤمن - بله.

آقای کدخدائی - یعنی آن (۲۰٪) [منابع جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم] جدا است، این منابع حاصل از پالایشگاه‌ها هم جدا است.

آقای علیزاده - آقا، سراغ جمله‌ی بعدی این بند برویم.

منشی جلسه - «وزارت نفت مکلف است از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط در مقاطع سه ماهه عملکرد مالی این جزء را پس از تأیید سازمان حسابرسی و تصویب کارگروهی مرکب از معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزیران امور اقتصادی و دارایی و نفت تسویه نماید. تسویه نهایی فیزیکی و مالی باید بر اساس گزارش حسابرسی تا پایان تیرماه سال بعد انجام شود.

تبصره - به وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط اجازه

۱. بند (ج) ماده (۸۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی

تسویه حساب می‌شود.

آقای مؤمن - یعنی بعداً آن گروهی که باید بررسی کند، بررسی می‌کند و...

آقای علیزاده - به این تبصره که نمی‌توانیم ایراد بگیریم. ادامه دهید.

آقای جنتی - آقای علیزاده، این تبصره را علامت بگذارید تا از آنها [نمایندگان مجلس] سؤال کنید.

آقای علیزاده - حاج‌آقا، برداشت من از این تبصره این است که واریزها به صندوق توسعه ملی تا این تاریخ (ماه یازدهم)، علی‌الحساب است و در ماه یازدهم سال، محاسبه و تسویه حساب را قطعی می‌کنند؛ یعنی می‌گویند الآن سهم صندوق از صادرات گاز طبیعی چقدر شده است.

آقای مؤمن - بله، ماه یازدهم محاسبه و تسویه حساب می‌کنند.

آقای امیری - ولی حاج‌آقای علیزاده، واقعاً نمی‌دانیم منظور از این تبصره (۲) چیست.

منشی جلسه - حاج‌آقا، انتهای جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه گفته است که «و تعیین مبلغ آن در قوانین بودجه سنواتی»؛ حالا در قانون بودجه گفته است که این مبلغ از ماه یازدهم تعیین می‌شود.

آقای مؤمن - محاسبه و تسویه، آن وقت انجام می‌شود.

آقای علیزاده - بله، برویم.

منشی جلسه - «تبصره ۳ - وزارت نفت موظف است هر ماه گزارش عملکرد این جزء شامل میزان و مبلغ تولید، فروش و وصول درآمد بیع متقابل نفتی و گازی، صادرات نفت خام، میعانات گازی و گاز طبیعی را به کمیسیون‌های اقتصادی، انرژی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دیوان محاسبات کشور ارسال نماید.

تبصره الحاقی - شورای پول و اعتبار مکلف است در طول دوره اجرای این قانون وظایف زیر را اجرا نموده و گزارش اقدامات انجام‌شده را به صورت ماهانه از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

آقای مؤمن - آقای دکتر کدخدائی، اعضای شورای پول و اعتبار چه کسانی هستند؟

آقای کدخدائی - شورای پول و اعتبار؟ باید قانون مربوط به آن را بیاوریم و ببینیم که اعضایش چه کسانی هستند.

ردیف‌های درآمدی ۲۱۰۱۰۱ و ۲۱۰۱۰۹ جدول شماره (۵) این قانون لحاظ و مازاد وجوه حاصله نسبت به سقف ردیف‌های یادشده را با در نظر گرفتن جزء (۱-۳) این بند مبنی بر اختصاص معادل هفت میلیارد (۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار به وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط جهت تحقق مفاد ماده (۲۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به حساب ذخیره ارزی واریز نماید.

تبصره ۱ - سهم وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط از محل منابع موضوع اجزای (۱-۳) و (۳-۶) این بند فقط جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز قابل هزینه است.

تبصره ۲ - در راستای اجرای قسمت اخیر جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بیست و شش درصد (۲۶٪) صادرات گاز طبیعی، پس از کسر ارزش گاز طبیعی وارداتی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز نماید. مبلغ واریزی از ماه یازدهم سال، محاسبه و تسویه می‌شود.»

آقای مؤمن - عبارت «از ماه یازدهم سال»، یعنی بهمن‌ماه سال آینده؟

آقای کدخدائی - محاسباتش را می‌گوید؛ «از ماه یازدهم سال، محاسبه و تسویه می‌شود.

آقای مدرسی‌یزدی - نخیر؛ مقصود، تسویه‌ی نهایی است.

آقای جنتی - معلوم نیست چه می‌خواهد بگوید.

آقای کدخدائی - می‌خواهد ببیند آخر کار، [میزان ارزش سهم صندوق توسعه ملی از صادرات گاز طبیعی پس از کسر ارزش گاز طبیعی وارداتی] چقدر است.

آقای علیزاده - ظاهراً الآن مبالغ واریزی به صندوق توسعه ملی به صورت علی‌الحساب است؛ بعداً معلوم می‌شود که سهم صندوق چقدر می‌شود. باید این تبصره را این‌طور معنا کنیم.

آقای امیری - یعنی سال مالی بانک مرکزی، ۱۱ ماهه است؟!

آقای علیزاده - نه.

آقای ره‌پیک - ماه یازدهم، [مبنای تسویه‌ی حساب است].

آقای جنتی - چرا ماه یازدهم؟

آقای کدخدائی - از ماه یازدهم سال [که پایان سال است]،

→

ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ح - نظام ارزی کشور، «شناور مدیریت شده» است. نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی تعیین خواهد شد.»

حضرت آقا [مقام معظم رهبری] نامه نوشته‌اند و هم وزیر امور اقتصادی و دارایی^۲ و هم رئیس بانک مرکزی^۳ در خصوص این تبصره‌ی الحاقی، نامه نوشته‌اند.

آقای مؤمن - در مورد این نامه‌ای که بانک مرکزی به حضرت آقا فرستاده است، معلوم است که این تبصره‌ی الحاقی می‌خواهد [وظایف شورای پول و اعتبار و وظایف رئیس کل بانک مرکزی را] تغییر بدهد؛ اما من می‌گویم [باید ببینیم] اعضای این شورا چه کسانی هستند؛ چون همه‌ی این حرف‌ها و دعوها بر سر همین است.

آقای عزیزاده - [اعضای این شورا عبارتند از:] وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور یا معاون وی، دوتن از وزرا به انتخاب هیئت وزیران، وزیر صنعت معدن و تجارت، دو نفر کارشناس متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید ریاست جمهوری، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، رئیس اتاق تعاون.

آقای امیری - مصوبات شورای پول و اعتبار باید به تأیید رئیس جمهور هم برسد.

منشی جلسه - حاج آقا، ریاست شورای پول و اعتبار با رئیس بانک مرکزی است. اعضایش هم همین‌هایی هستند که گفتید.

آقای جنتی - رئیس اتاق تعاون و رئیس اتاق بازرگانی [در شورای پول و اعتبار] چه نقشی دارند؟

آقای عزیزاده - این جور که در ذهن من است، [در زمان تصویب قانون برنامه‌ی پنجم توسعه] این موضوع [= ترکیب شورای پول و اعتبار] و حدود وظایف آن، مورد ایراد ما بود که [با اصرار مجلس بر مصوبه‌ی خود]، برای تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته است.^۴ حالا با وجود اینکه ما به

منشی جلسه - در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، اعضای شورای پول و اعتبار مشخص شده‌اند.^۱

آقای امیری - هم گروهی از دولت، هم دادستان کل و هم رئیس اتاق بازرگانی عضو این شورا هستند. حاج آقا، این تبصره‌ی الحاقی، همان تبصره‌ای است که هم بانک مرکزی و هم آقای دکتر حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی در رابطه با آن بحث دارند.

آقای عزیزاده - واقعاً این تبصره‌ی الحاقی بسیار عجیب است. وظایفی که در تبصره‌ی الحاقی برای شورای پول و اعتبار تعریف شده است، برای این شورا نیست. می‌خواهند امسال با این تبصره، این ساختار را به صورت یک‌ساله تشکیل بدهند که این کار، اشکال دارد.

آقای مؤمن - بله، همین است؛ نامه‌ای که وزیر نوشته در مورد همین مسئله است. حالا اینکه این تبصره‌ی الحاقی ایراد دارد یا ندارد، [بحث دیگری است].

آقای امیری - حاج آقا، آقای حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی راجع به این مسئله تماس گرفت. می‌گفت که با تصویب این تبصره‌ی الحاقی، کاری به عهده‌ی من گذاشته می‌شود که خارج از اختیار من است. معاون بانک مرکزی هم به این تبصره‌ی الحاقی ایراد داشت.

آقای عزیزاده - هم آقای دکتر احمدی‌نژاد در این مورد به

۱. ماده (۸۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ با اصلاحات بعدی آن: «ماده ۸۹- ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

- وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی
- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور یا معاون وی
- دو تن از وزراء به انتخاب هیئت وزیران
- وزیر صنعت، معدن و تجارت
- دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید ریاست جمهوری
- دادستان کل کشور یا معاون وی
- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن
- رئیس اتاق تعاون
- نمایندگان کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی (هر کدام یک نفر) به عنوان ناظر با انتخاب مجلس.
تبصره ۱- ریاست شورا بر عهده رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

تبصره ۲- هر یک از اعضای خبره شورای پول و اعتبار هر دو سال یک بار تغییر می‌یابند. انتخاب مجدد آنها بلامانع است.»

۲. نامه‌ی شماره ۳۷۷۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ وزیر امور اقتصادی و دارایی

خطاب به حضرت آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان.

۳. نامه‌ی شماره ۹۲/۶۰۱۱۴ م مورخ ۱۳۹۲/۳/۲ رئیس کل بانک مرکزی خطاب به مقام معظم رهبری.

۴. بند (۲۱) نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۷۳۳ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۳ شورای نگهبان در خصوص مصوبه‌ی غیررسمی مجلس شورای اسلامی ناظر به لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه: «۲۱- در ماده (۸۱)، ترکیب این شورا با توجه به وظایفی که در قانون از جمله مواد (۸۵)، (۸۷)، (۸۹ مکرر ۲)، (۸۹ مکرر ۳) و بند (ه) ماده (۹۰) این قانون، به آن محول گردیده است، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.»

که در این تبصره‌ی الحاقی همه‌ی مسئولیت‌های شورای پول و اعتبار را بر عهده‌ی من گذاشته‌اند و می‌گویند که من باید در مقابل مجلس مسئول و جوابگو باشم! من چه مسئولیتی می‌توانم داشته باشم در حالی که من یا معاون من در شورای پول و اعتبار، فقط یک رأی داریم!

آقای مدرسی‌یزدی - البته جواب این ایراد وزیر امور اقتصادی و دارایی روشن است؛ یعنی وزیر در اجرایش مسئول است.
آقای علیزاده - نه.

آقای امیری - نه، تبصره‌ی الحاقی مسئولیت در اجرا را هم مشترکاً بر عهده‌ی وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی گذاشته است.

آقای جنتی - همان اشکالی را که در بررسی قانون برنامه‌ی پنجم مطرح کردیم، می‌توانیم دوباره اینجا هم تکرار کنیم و بگوییم که چرا افرادی که جزئی از قوه مجریه نیستند، مازاد بر مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، در یک امر اجرایی حق رأی و تصمیم‌گیری دارند.

آقای علیزاده - باید بگوییم وظایفی که در این تبصره‌ی الحاقی مصوب مجلس بر عهده‌ی شورای پول و اعتبار گذاشته شده است، جزء کارهای اجرایی است و مجلس نمی‌تواند آن را به عهده‌ی شورای پول و اعتبار بگذارد [که برخی از اعضای آن را افراد غیر مسئول در قوه‌ی مجریه تشکیل داده‌اند].

آقای مدرسی‌یزدی - اگر وظایفی که در تبصره‌ی الحاقی به بند (۲-۳) آمده است، در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب نشده است، اضافی است و ایراد دارد.

آقای علیزاده - بله، وظایفی که در تبصره‌ی الحاقی آمده است، در مصوبه‌ی مجمع نبوده است. در واقع، الآن در این تبصره‌ی الحاقی دارند شورای پول و اعتبار را به جای دستگاهی که تا الآن این وظایف را انجام می‌داده است، می‌آورند.

آقای مدرسی‌یزدی - وظایف شورای پول و اعتبار در مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را بخوانید. اگر وظایف مذکور در تبصره‌ی الحاقی، در وظایف شورای پول و اعتبار نباشد، اشکال به آن وارد است.

آقای جنتی - هر چه در وظایف شورای پول و اعتبار هست، اجرایی است.

آقای امیری - همه‌ی اعضای شورای پول و اعتبار، صاحب حق رأی هستند؟

آقای علیزاده - بله، همه صاحب رأی هستند.

ماده (۸۹) قانون برنامه ایراد قانون اساسی داریم، مجدداً آمده‌اند در این تبصره‌ی الحاقی، وظایف جدیدی را به وظایف شورای پول و اعتبار اضافه می‌کنند؛ از این جهت، این تبصره‌ی الحاقی دارای یک ایراد بزرگی است. ما آن زمان [= در زمان تصویب قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه]، به ترکیب شورای پول و اعتبار با همان مقدار وظیفه‌ای که داشت، ایراد داشتیم. الآن نمایندگان مجلس به آن وظایف فعلی شورای پول و اعتبار که [اصالتاً] خلاف قانون اساسی است و با مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام به این شورا داده شده است، وظایف دیگری را هم که تا الآن برای این شورا نبوده است، اضافه کرده‌اند. نمایندگان که نمی‌توانند بر آن وظایف، چیز دیگری اضافه کنند.

آقای جنتی - الآن مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را [در اختیار] دارید؟

آقای علیزاده - همین است دیگر؛ همین ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار [که در ماده (۸۹) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه آمده است]. آن زمان [= در زمان بررسی مصوبه‌ی مربوط به برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه در شورای نگهبان] ما گفتیم که شرکت افراد غیراجرایی در ترکیب شورای پول و اعتبار، خلاف اصل ۶۰ قانون اساسی^۱ است.

آقای مدرسی‌یزدی - همین ایراد در خصوص حضور و عضویت دادستان کل در شورای پول و اعتبار هم وجود دارد.

آقای علیزاده - بله، ما هم می‌گوییم که غیر از اعضای قوه‌ی مجریه نباید در این شورای پول و اعتبار، عضویت با حق رأی داشته باشند. آقایان ماده (۸۹) قانون برنامه‌ی پنجم یکی از مواردی بود که به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و مجمع آن را به این صورت فعلی تصویب کرد. در این تبصره‌ی الحاقی مصوب مجلس، وظایف جدیدی هم به وظایف قبلی شورای پول و اعتبار که آن وظایف را تا به حال نداشته، اضافه کرده‌اند. من نامه‌ی وزیر امور اقتصادی و دارایی به شورای نگهبان را خوانده‌ام. در این نامه علاوه بر ایرادی که گفتم، وزیر می‌گوید

→

گفتنی است در مصوبه‌ی ابتدایی مجلس در خصوص قانون برنامه پنجم توسعه، ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار در ماده (۸۱) آمده بود که در متن نهایی این قانون، ترکیب اعضا در ماده (۸۹) آمده است.

۱. اصل شصتم قانون اساسی: «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است.»

تبصره‌ی الحاقی ایراد دارد.

آقای مؤمن - حالا ببینید که در چارچوب آن وظایف هست یا نه.

آقای علیزاده - ایراد دوم به تبصره‌ی الحاقی این است که این تبصره، واقعاً دائمی هم هست.

آقای مؤمن - دائمی نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه، دائمی نیست؛ چون در این تبصره‌ی الحاقی گفته است که «شورای پول و اعتبار مکلف است در طول دوره اجرای این قانون ...»

آقای کدخدائی - بله، «در طول اجرای این قانون» گفته است.

آقای مؤمن - یک موقع می‌گویید که چرا احکام بودجه تنها برای امسال نیست؛ خب، [مجلس برای رفع این ایراد، به تمام احکام بودجه قید] در سال جاری [را اضافه] می‌کند.

آقای کدخدائی - در ذیل مصوبه‌ی مجلس یعنی در بند الحاقی (۷۱) هم گفته شده است که کلیه‌ی احکام این قانون، فقط برای سال ۱۳۹۲ است.

آقای مؤمن - [صدر این تبصره‌ی الحاقی هم گفته است: «شورای پول و اعتبار مکلف است در طول دوره اجرای این قانون»؛ منظور از طول دوره‌ی اجرای این قانون، همین زمان اجرای قانون بودجه‌ی امسال است؛ همه‌ساله نیست. این تبصره، از این جهت اشکال ندارد. اگر می‌خواهید ایراد بگیرید، بگردید؛ اما این را نگویید که چون قید امسال را ندارد، ایراد دارد.

آقای علیزاده - «طول اجرای این قانون» ...

آقای مؤمن - «طول اجرای این قانون»؛ یعنی این تبصره‌ی الحاقی مال امسال است؛ پس [از این جهت، این بند] ایراد ندارد. البته حالا این قسمت از حرفشان [در بند (۱)] که گفته‌اند «پایش مستمر منابع ارزی» را می‌توان گفت که بودجه‌ای نیست، هر چند که محدود به امسال است. این بند یعنی شورای پول و اعتبار منابع ارزی را پیش کنند تا بی‌مورد چیزهایی را برای خودشان جعل نکنند. [در بند (۲)]، «پایش و اولویت‌بندی مصارف ارزی کشور»، که این مربوط به بودجه است. [در بند (۳)]، «تعیین میزان و نحوه‌ی مداخله بانک مرکزی در بازار آزاد ارز و نظارت بر حسن اجرای آن»؛ این کار بسیار خوبی است که بر عهده‌ی شورای پول و اعتبار گذاشته‌اند؛ منتها همان‌طور که آقای دکتر کدخدائی می‌فرمایند باید دید که این وظایف جزء وظایف عام شورا در قانون برنامه‌ی پنجم است یا نه؟

آقای جنتی - گرفتن این کارها از دست دولت، کار درستی نیست.

آقای امیری - بله حاج‌آقا، همه صاحب رأی هستند؛ و این اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - نماینده‌های مجلس، عضو هستند؛ اما حق رأی ندارند.

آقای علیزاده - فقط دو نماینده‌ی مجلس که به عنوان عضو ناظر هستند، حق رأی ندارند.

آقای امیری - بقیه‌ی اعضا از جمله دادستان کل کشور و دو نفر رؤسای اتاق‌های بخش خصوصی، صاحب رأی هستند.

آقای مدرسی یزدی - این ماده (۸۹) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه که معلوم است مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. فقط می‌خواهیم ببینیم وظایف شورای پول و اعتبار در قانون برنامه به نحوی عمومیت دارد که حتی شامل موارد و وظایف عامی که در تبصره‌ی الحاقی آمده است بشود؟

آقای علیزاده - نه، تا الآن وظایفی که در تبصره‌ی الحاقی برای شورای پول و اعتبار آمده است، جزء وظایف این شورا نبوده است. مجلس الآن می‌خواهد با تبصره‌ی الحاقی این وظایف را اضافه کند؛ این که مسلم است.

آقای مدرسی یزدی - نمی‌دانم. شاید یک وظیفه‌ی کلی‌ای در قانون برنامه برای شورای پول و اعتبار آمده باشد [که وظایفی را که در تبصره‌ی الحاقی آمده است، شامل شود].

آقای امیری - اصلاً این تغییر در ترکیب و وظایف شورای پول و اعتبار، اساساً ماهیت بودجه‌ای دارد؟

آقای علیزاده - نه.

آقای مؤمن - این وظیفه‌ی «پایش مستمر منابع ارزی کشور» که در تبصره‌ی الحاقی آمده است، عیبی ندارد. این وظیفه، عیب دارد؟

آقای علیزاده - خب، این وظایف گفته‌شده در تبصره‌ی الحاقی، وظایف کلی است.

آقای مؤمن - اینها وظایف بودجه‌ای است.

آقای علیزاده - شورای پول و اعتبار، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. نظر ما در زمان تصویب قانون برنامه این بود که وظایفی که به شورای پول و اعتبار داده شده است، اجرایی است و نمی‌توان این وظایف را به این شورا داد. الآن دوباره این تبصره‌ی الحاقی یک وظایف اجرایی دیگری را به این شورا داده است.

آقای کدخدائی - اگر [وظایفی که در این تبصره‌ی الحاقی آمده است]، در چارچوب آن وظایف قانون برنامه نباشد، بله، این

آقای مؤمن - چرا.

آقای کدخدائی - حاج آقا، ماده (۹۷) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه را ملاحظه بفرمایید؛ می‌گوید: «با توجه به بند (۲۳) سیاست‌های کلی برنامه پنجم ابلاغی مقام معظم رهبری شورای پول و اعتبار موظف است طی سال‌های برنامه موارد زیر را انجام دهد:

الف- اصلاح رویه‌های اجرایی، حسابداری و مالی در سامانه بانکی مطابق اهداف و احکام بانکداری بدون ربا؛

ب- ترویج استفاده از ابزارهای تأمین مالی اسلامی جدید نظیر صکوک جهت کمک به تأمین مالی اسلامی بانک‌های کشور؛

ج- اصلاح ساختار بانک مرکزی در جهت تقویت نظارت بر

نهادهای پولی و مالی به منظور تحقق اهداف کلان اقتصادی کشور؛
د- افزایش شفافیت و رقابت سالم در ارائه خدمات بانکی در جهت کاهش هزینه خدمات بانکی از طرق ذیل:

۱- الزام بانک‌ها به رعایت استانداردهای تعیین شده توسط بانک مرکزی در ارائه گزارش‌های مالی و بهبود نسبت شاخص کفایت سرمایه و اطلاع‌رسانی مبادلات مشکوک به بانک مرکزی؛

۲- راه‌اندازی سامانه نظارتی قوی جهت شناسایی فعالیت‌های غیرمستعارف بانک‌ها هنگام دست‌کاری نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات به روش‌های خاص.

ه- تقویت نظام‌های پرداخت، یعنی همه‌ی وظایف شورای پول و اعتبار در ماده (۹۷) قانون برنامه، نظارتی است؛ وظایفی هم که در تبصره‌ی الحاقی بند (۲-۳) برای شورای پول و اعتبار تعریف شده، در همین چارچوب است.

آقای علیزاده - نه، نه، این‌جور نیست. وظایف مذکور در تبصره‌ی الحاقی ربطی به ماده (۹۷) قانون برنامه‌ی پنجم ندارد.

آقای مؤمن - چرا؟ چرا ارتباط ندارد؟ وظایفی که در تبصره‌ی الحاقی برای شورای پول و اعتبار گفته شده است، خیلی کار خوبی است.

آقای علیزاده - می‌دانم. وظایفی که در تبصره‌ی الحاقی آمده است، پایش است و اصلاً هیچ ارتباطی به وظایف شورای پول و اعتبار در ماده (۹۷) قانون برنامه ندارد.

آقای مدرسی‌بزدی - [در بند (۴) تبصره‌ی الحاقی] «مدیریت نرخ ارز» را به عنوان وظایف شورای پول و اعتبار نوشته است؛ در حالی که در ماده (۹۷) قانون برنامه چیزهای دیگری مثل بانکداری بدون ربا و کارهای دیگر را به عنوان وظایف آن شورا داریم.

آقای مؤمن - این بند (۳) تبصره‌ی الحاقی «تعیین میزان ...»

آقای رهپیک - وظایفی که در تبصره‌ی الحاقی آمده است،

کارهای اجرایی است؛ در حالی که ماده (۹۷) قانون برنامه از جنس سیاست‌گذاری و نظارت است.

آقای کدخدائی - راه‌اندازی سامانه‌ی نظارتی [که در جزء (۲) بند (د) ماده (۹۷) قانون برنامه آمده است]، سیاست‌گذاری است؟!]

آقای رهپیک - راه‌اندازی این سامانه را «جهت شناسایی فعالیت‌های غیرمستعارف بانک‌ها» گفته است.

آقای کدخدائی - خیلی خوب، ولی راه‌اندازی سامانه را به عنوان وظیفه‌ی شورای پول و اعتبار گفته است.

آقای علیزاده - تبصره‌ی الحاقی «پایش مستمر منابع ارزی کشور» را می‌گوید.

آقای رهپیک - [جزء (۲) بند (د) ماده (۹۷) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه] «سود سپرده‌ها» را می‌گوید.

آقای علیزاده - کدامیک از موارد تبصره‌ی الحاقی، با «راه‌اندازی سامانه نظارتی قوی جهت شناسایی فعالیت‌های غیرمستعارف بانک‌ها» مرتبط است؟

آقای کدخدائی - حاج آقا، یکی از وظایف شورای پول و اعتبار در ماده (۹۷) قانون برنامه، «راه‌اندازی سامانه نظارتی قوی جهت شناسایی فعالیت‌های غیرمستعارف بانک‌ها» است. سایر وظایف را هم در آن ماده (۹۷) ببینید.

آقای رهپیک - «پایش مستمر منابع ارزی کشور» که در بند (۱) تبصره‌ی الحاقی آمده است، یک کار اجرایی است؛ یک مرکزی باید دائماً منابع ارزی کشور را رصد کند، پایش کند، [در حالی که] شورای پول و اعتبار مثلاً هر دو ماه یک‌بار می‌خواهد تشکیل بشود.

آقای کدخدائی - ماده (۹۷) قانون برنامه در وظایف شورای پول و اعتبار گفته است که این شورا سامانه‌ی نظارتی بزند.

آقای رهپیک - این ماده گفته است که شورای پول و اعتبار این سامانه‌ی نظارتی را برای نرخ سود سپرده‌ها بزند [نه برای منابع ارزی کشور].

آقای کدخدائی - اگر بگویید که این [وظیفه‌ی «راه‌اندازی سامانه نظارتی قوی جهت شناسایی فعالیت‌های غیرمستعارف بانک‌ها هنگام دست‌کاری نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات به روش‌های خاص» (جزء (۲) بند (د) ماده (۹۷) قانون برنامه)]، اجرایی است، آن [«پایش مستمر منابع ارزی کشور» (بند (۱) تبصره‌ی الحاقی)] هم اجرایی است.

آقای رهپیک - نه، [در ماده (۹۷) قانون برنامه] گفته است که [این شورا] اصلاح ساختار کند، نظارت کند.

آقای مؤمن - اصلاح رویه‌های اجرایی [را هم گفته است].
منشی جلسه - حاج‌آقا، ظاهراً این ماده (۹۷) قانون برنامه، مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام هم نیست.
آقای علیزاده - بله، فقط اعضای شورای پول و اعتبار [موضوع ماده (۸۹) قانون برنامه]، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

آقای مدرسی‌یزدی - بند (الف) ماده (۹۷) قانون برنامه که می‌گوید «اصلاح رویه‌های اجرایی، حسابداری و مالی در سامانه بانکی مطابق اهداف و احکام بانکداری بدون ربا»، مربوط به خود [بانک‌ها است].

آقای مؤمن - نه، باید شورای پول و اعتبار، رویه‌های اجرایی، حسابداری و مالی در سامانه‌ی بانکی را اصلاح کند.

آقای مدرسی‌یزدی - ماده (۹۷) قانون برنامه می‌گوید که شورای پول و اعتبار رویه را اصلاح کند، نه اینکه خودش متصدی شود.

آقای مؤمن - آن ماده گفته است که شورای پول و اعتبار رویه حسابداری و مالی را در سامانه‌ی بانکی اصلاح کند. اصلاح رویه هم این است که منابع ارزی کشور را پایش مستمر کنند یا مسائل ارزی کشور را اولویت‌بندی کنند؛ اینها اصلاح نیست؟! [پس، وظایف این شورا در تبصره‌ی الحاقی همان وظایفی است که در ماده (۷۹) قانون برنامه گفته شده بود].

آقای مدرسی‌یزدی - در واقع مجلس با این تبصره‌ی الحاقی نمی‌خواهد مدیریت نرخ ارز را از بانک مرکزی بگیرد. فقط می‌خواهد...

آقای مؤمن - بله، نمی‌گیرند. میزان [و نحوه‌ی مداخله‌ی بانک مرکزی در بازار آزاد ارز] را تعیین می‌کنند.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا، تبصره‌ی الحاقی، شورای پول و اعتبار را مکلف کرده است که مدیریت نرخ ارز را انجام دهد و اجرا کند؛ نگفته است که شورا طرح بدهد، بلکه می‌گوید که شورا اجرا کند؛ مکلف است وظایف زیر را اجرا نماید.

آقای مؤمن - [شورای پول و اعتبار به مدیریت نرخ ارز] کمک می‌کند.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، [وظایف شورای پول و اعتبار، از جنس امور] اجرایی است.

آقای علیزاده - [این تبصره‌ی الحاقی به صراحت گفته است که] اجرا کند.

آقای مؤمن - یعنی [با این تبصره‌ی الحاقی می‌خواهند این وظایف را] از آنها [بانک مرکزی] بگیرند؟!]

آقای مدرسی‌یزدی - این [تبصره‌ی الحاقی]، اشکال دارد.

آقای علیزاده - بله، واقعاً اشکال دارد.

آقای کدخدائی - ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم هم همین است؛ گفته است شورای پول و اعتبار «طی سال‌های برنامه موارد زیر را انجام دهد».

آقای علیزاده - این عبارت «انجام دهد»، کلی است!

آقای مؤمن - فرقی نمی‌کند.

آقای کدخدائی - مگر می‌خواهیم با الفاظ بازی کنیم! «انجام دهد» باشد یا «اجرا کند» [چه فرقی می‌کند؟!]

آقای مؤمن - یک کار حسابی می‌خواهند انجام بدهند، باید جلوی‌ش را بگیریم؟!]

آقای مدرسی‌یزدی - واقعاً دقت بفرمایید. متعلقش [= متعلق وظایف شورای پول و اعتبار در تبصره‌ی الحاقی و در ماده (۹۷) قانون برنامه] فرق می‌کند. الآن اینجا می‌گوید شورای پول و اعتبار، نرخ ارز را مدیریت کند. مدیریت نرخ ارز یک عمل خارجی است؛ یک امر اجرایی است که نباید در حیطه‌ی وظایف شورای پول و اعتبار باشد.

آقای علیزاده - واقعیت این است که خود شورای پول و اعتبار - تا آنجایی که من به یاد دارم - مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

منشی جلسه - نه، این [ماده مربوط به ترکیب و وظایف شورای پول و اعتبار] در آن مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست. صندوق توسعه‌ی ملی هم که شما گفته بودید، جزء مواد مصوب مجمع هست، ولی شورای پول و اعتبار نیست.

آقای علیزاده - من یادم می‌آید که ما وجود آن دو نفر [رئیس اتاق تعاون و رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در شورای پول و اعتبار] را قبول نکردیم و مصوبه‌ی مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و در آنجا تصویب شد. علاوه بر این، این [تبصره‌ی الحاقی] یک ایراد دیگری هم دارد؛ همان‌طور که حضرت آیت‌الله مدرسی فرمودند، این کار، یک کار اجرایی است. در کار اجرایی، دیگران [افراد خارج از قوه‌ی مجریه] را دارند مداخله می‌دهند، [در حالی‌که] کار اجرایی را باید به عهده‌ی وزارتخانه بگذارند.

آقای مؤمن - [طبق بند (ج) ماده (۹۷) قانون برنامه]، اصلاح ساختار بانک مرکزی با شورای پول و اعتبار است.

آقای مدرسی‌یزدی - [طبق این تبصره‌ی الحاقی، شورای پول و اعتبار، ساختار بانک مرکزی را] اصلاح نمی‌کند، بلکه خودش

متصدی امور است.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله مؤمن، این را بارها عرض کرده‌ایم؛ گفته‌ایم این موضوعات [از جمله موضوع گفته‌شده در تبصره‌ی الحاقی به عنوان وظایف شورای پول و اعتبار]، یا تقنین است یا اجرا است. اگر تقنین است، مجلس نمی‌تواند آن را به شورای پول و اعتبار واگذار کند و اگر کار اجرایی است، باید به عهده‌ی قوه‌ی مجریه باشد.

آقای مؤمن - [بند (ج) ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم توسعه]، اصلاح ساختار بانک مرکزی را بر عهده‌ی شورای پول و اعتبار گذاشته است؛ پس الآن طبق قانون، شورای پول و اعتبار چنین حقی را دارد که بگوید برای «اصلاح ساختار بانک مرکزی در جهت تقویت نظارت بر نهادهای پولی و مالی به منظور تحقق اهداف کلان اقتصادی کشور»، [وظایف گفته‌شده در تبصره‌ی الحاقی را انجام می‌دهم].

آقای مدرسی‌یزدی - یعنی اصلاح ساختار اجرایی مقصود است؟! **آقای مؤمن -** بله.

آقای مدرسی‌یزدی - نخیر، یعنی رئیس بانک مرکزی هم نمی‌تواند عوض کند؟!

آقای مؤمن - [بند (ج) ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم توسعه]، یعنی همین وظایفی که اینجا در تبصره‌ی الحاقی آمده است؛ مثل تعیین قیمت محاسباتی ارز جهت تسویه‌ی حساب وزارت نفت و بانک مرکزی.

آقای مدرسی‌یزدی - شورای پول و اعتبار نمی‌تواند این کار را بکند. **آقای مؤمن -** چرا، قهراً [این موارد از جمله «تعیین قیمت محاسباتی ارز»] از مصادیق اصلاح ساختار محسوب می‌شود.

آقای مدرسی‌یزدی - [در ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم توسعه]، اصلاح ساختار خود بانک مرکزی مدنظر است؛ یعنی مثلاً اگر بانک مرکزی دو معاونت دارد، یک معاونت به آن اضافه کند.

آقای مؤمن - [ماده (۹۷) قانون برنامه گفته است که اصلاح ساختار] «در جهت تقویت نظارت بر نهادهای پولی و مالی به منظور تحقق اهداف کلان اقتصادی کشور» است.

آقای علیزاده - این وظایفی که در تبصره‌ی الحاقی برای شورای پول و اعتبار گفته شده است، اجرا است یا تقنین است؟

آقای مؤمن - اجرا است.

آقای علیزاده - اگر این وظایف، اجرایی است، ما می‌گوییم نمی‌توانیم آن را به غیر قوه‌ی مجریه بدهیم.

آقای مؤمن - [در ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم توسعه] این

وظایف را به شورای پول و اعتبار داده‌اند.

آقای علیزاده - خب بیخود داده‌اند!

آقای مؤمن - خب بیخود قبلاً [در زمان بررسی مصوبه‌ی مربوط به برنامه‌ی پنجم توسعه]، آن را تأیید کردید. حالا دیگر نمی‌توانید [به آن قانون تأییدشده] ایراد بگیرید.

آقای علیزاده - این [ماده (۹۷) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه] را ما تأیید نکردیم؛ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

آقای مؤمن - به هر حال، این [وظایف برای شورای پول و اعتبار]، قانون مصوب است؛ هر که آن را تصویب کرده باشد، [فرقی نمی‌کند].

آقای علیزاده - خب، مجمع تشخیص مصلحت نظام [این وظایف را برای شورای پول و اعتبار] تصویب کرده است؛ ولی به هر حال آن ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم، این وظایف مذکور در تبصره‌ی الحاقی را شامل نمی‌شود.

آقای مؤمن - [بند (ج) ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم] می‌گوید: «اصلاح ساختار بانک مرکزی در جهت تقویت نظارت بر نهادهای پولی و مالی به منظور تحقق اهداف کلان اقتصادی کشور».

آقای علیزاده - تبصره‌ی الحاقی وظایفی را اضافه‌تر از موارد ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم می‌گوید.

آقای مؤمن - چرا اضافه می‌گوید؟! تبصره‌ی الحاقی، دارد برای وظایف شورای پول و اعتبار [مصرح در بند (ج) ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم] تعیین مصداق می‌کند.

آقای علیزاده - سابقه‌ی این قانون [ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم] را بیاورید.

آقای مؤمن - در انتهای تبصره‌ی الحاقی آمده است که «وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی در حُسن اجرای این مصوبه مسئولیت مشترک دارند»؛ این، بسیار کار خوبی است.

آقای مدرسی‌یزدی - ببینید الآن عملاً مدیریت نرخ ارز بر عهده‌ی کیست؟ الآن مدیریت نرخ ارز، عملاً در دست چه کسی است؟ بر عهده‌ی بانک مرکزی است؛ پس معلوم می‌شود که مدیریت نرخ ارز با شورای پول و اعتبار نیست.

آقای مؤمن - بله، مدیریت نرخ ارز بر عهده‌ی شورای پول و اعتبار نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، تبصره‌ی الحاقی می‌گوید که مدیریت نرخ ارز را به شورای پول و اعتبار بدهید.

آقای مؤمن - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، این خلاف است.

آقای عزیززاده - اگر دیگران به صورت قانونی اضافه شده‌اند، خوب بیابند؛ اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - قانوناً آمده است؛ در قانون برنامه پنجم افرادی را ذکر کرده و اختیاراتی را به آنها داده است و این [وظایف] گفته شده در تبصره‌ی الحاقی] هم خارج از آن اختیارات نیست. [این اختیار تعیین نرخ ارز را] به دست چه کسی بدهند؟ این اختیاراتی که در این تبصره‌ی الحاقی به شورای پول و اعتبار داده‌اند، از وظایفی که در ماده (۹۷) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه آمده است، خارج نیست.

آقای عزیززاده - ببینید، ما به خاطر یک نفر نظامات را به هم نزیم. همیشه یادمان باشد که ما به خاطر یک نفر یا یک موضوعی که پیش آمده است، نباید نظامات را به هم بزیم. من قصد جسارت ندارم! این را هم در نظر داشته باشید که ممکن است همیشه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و اتاق تعاون دست آدم‌های علیه‌السلامی نباشد. الآن به افرادی از بخش خصوصی در شورای پول و اعتبار عضویت داده شده است. علاوه بر این اشکال، الآن در این تبصره‌ی الحاقی - همان‌طور که من و آقای دکتر معتقدیم - می‌خواهند علاوه بر وظایفی که در قانون برنامه، برای شورای پول و اعتبار در نظر گرفته شده است، وظایف اجرایی دیگری را هم به آن اضافه کنند. اگر به دنبال نظارت هستند که دو نفر از نمایندگان مجلس در شورای پول و اعتبار حضور دارند؛ در این تبصره‌ی الحاقی هم می‌توانند بگویند که وزیر به نمایندگان مجلس گزارش بدهد. مجلس که بهتر می‌تواند وزیر را مهار کند تا یک هیئتی مثل شورای پول و اعتبار را. مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده و رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و رئیس اتاق تعاون و دیگران [که خارج از قوه‌ی مجریه هستند] را عضو شورای پول و اعتبار کرده است؛ وگرنه ما [بر اساس اصول قانون اساسی] قبول نداشتیم که چنین افرادی در تصمیم‌گیری مملکت دخالت داشته باشند. واقعاً به نظر ما این موضوع ایراد دارد. الآن هم که در تبصره‌ی الحاقی آمده‌اند برای یک کار اجرایی، یک تشکیلات غیر اجرایی را تعیین کرده‌اند. ما به این مصوبه، ایراد داریم.

آقای جنتی - به نظر من سوءاستفاده‌هایی در بانک مرکزی می‌شده و می‌شود که مجلس می‌خواهد با تصویب این تبصره‌ی الحاقی [و سپردن این اختیارات به شورای پول و اعتبار]، جلوی آن سوءاستفاده‌ها را بگیرد. مجلس می‌خواهد برخی اختیارات را از بانک مرکزی بگیرد.

آقای مؤمن - خلاف چیست؟

آقای مدرسی‌یزدی - خلاف مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

آقای مؤمن - خلاف مصوبه‌ی مجمع تشخیص نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا.

آقای مؤمن - نه.

منشی جلسه - حاج‌آقا، ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار در ماده (۸۹) و وظایف این شورا در ماده (۹۷) [قانون برنامه‌ی پنجم توسعه] آمده است.

آقای مدرسی‌یزدی - [بند (۴) تبصره‌ی الحاقی] به صورت مطلق گفته است که «مدیریت نرخ ارز» [از وظایف شورای پول و اعتبار است].

آقای مؤمن - کدام مصوبه گفته است که مدیریت نرخ ارز باید دست بانک مرکزی باشد؟! مصوبه‌ی مجمع تشخیص این را گفته است؟

آقای مدرسی‌یزدی - نه، مصوبه‌ی مجمع تشخیص چنین چیزی نگفته است.

آقای مؤمن - پس هیچی؛ [سپردن مدیریت نرخ ارز به شورای پول و اعتبار هیچ اشکالی ندارد].

آقای مدرسی‌یزدی - بنابراین طبق قانون اساسی، [مدیریت نرخ ارز] باید دست بانک مرکزی باشد.

آقای مؤمن - چنین چیزی در قانون اساسی نیست. کجای قانون اساسی آمده است که مدیریت نرخ ارز باید دست بانک مرکزی باشد؟!

آقای مدرسی‌یزدی - چرا؛ چون امور اجرایی کشور باید از طریق قوه‌ی مجریه و زیرمجموعه‌اش باشد، مگر اینکه با دخالت مجمع تشخیص مصلحت نظام و مصوبه‌ی آن، موضوعی از صلاحیت قوه‌ی مجریه خارج شود. مجمع تشخیص مدیریت نرخ ارز را از وظایف قوه‌ی مجریه خارج نکرده است؛ بنابراین مدیریت نرخ ارز تحت فرمان قوه‌ی مجریه است.

آقای مؤمن - چرا، خود مجمع تشخیص مصلحت نظام [در ماده (۹۷) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه] گفته است که مدیریت نرخ ارز، جزء اختیارات شورای پول و اعتبار است.

آقای مدرسی‌یزدی - چنین حکمی در مصوبه‌ی مجمع تشخیص نیست.

آقای مؤمن - فقط اینها [= وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی] دادشان بلند است که چرا دیگران می‌خواهند بیابند [و در این وظایف دخالت کنند].

تبصره‌ی الحاقی مخالفت کنند.

خب سابقه‌ی تصویب قانون برنامه‌ی پنجم توسعه را آوردند که مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. آن موقع در ماده (۸۱) مصوبه‌ی مجلس ترکیب در نظر گرفته شده برای اعضای شورای پول و اعتبار این‌طور آمده بود: «ماده ۸۱- ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار به شرح زیر تعیین می‌شود: ...»^۲. ما گفتیم این ماده اشکال دارد که [با اصرار مجلس بر مصوبه‌ی خود،] به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته است.

منشی جلسه - حاج آقا ایراد شورای نگهبان به آن مصوبه، نسبت به ماده (۸۱) بود که بعد از تصویب قانون، شماره‌ی آن ماده عوض شده [و به (۸۹) تغییر یافته] است.

آقای مدرسی یزدی - ایرادش که واضح است، باید ببینیم که مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت چیست؟

آقای علیزاده - بله، ما در شورای نگهبان [نسبت به ماده (۸۱)] ایراد مربوط به ترکیب اعضا را نداشتیم؛ چون آن موقع [در مصوبه‌ی ابتدایی مجلس]، این دو نفر [رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و رئیس اتاق تعاون ایران، از اعضای شورای پول و اعتبار] نبودند؛ اینها را مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه کرده است. ما به تبصره‌ی ماده (۸۱) ایراد داشتیم.

منشی جلسه - بله، ما به تبصره‌ی ماده (۸۱) ایراد داشتیم که به مجمع تشخیص مصلحت رفت.

آقای علیزاده - ما فقط به تبصره‌ی ماده (۸۱) ایراد داشتیم. ایراد ما به این ماده (۸۱) این بود: «در مورد ماده (۸۱)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، ایراد قبلی این شورا کماکان به قوت خود

آقای علیزاده - حاج آقا، ما در این خصوص بحثی نداریم. مجلس می‌گوید رئیس بانک مرکزی را باید به تصویب مجلس برسانند.^۱ اصل جریان این است که مجلس نمی‌تواند از پس آقای رئیس جمهور و رئیس کل بانک مرکزی برآید و نمی‌تواند آنها را استیضاح کند، می‌خواهد وزیر اقتصاد را درگیر و مسئول این کار کند. خب، بیایند این اختیارات را به وزیر اقتصاد بدهند و بعد از او مسئولیت بخواهند. در این تبصره‌ی الحاقی با اینکه افرادی دیگری را عضو شورای پول و اعتبار کرده‌اند، می‌گویند وزیر اقتصاد باید جوابگو باشد و به مجلس جواب بدهد!

آقای کدخدائی - بانک مرکزی مدعی است که چرا اختیارات بانک مرکزی به وزیر امور اقتصادی و دارایی داده شده است.

آقای علیزاده - بانک مرکزی، زیر نظر وزیر اقتصاد است.

آقای مدرسی یزدی - نه، [ایراد واگذاری اختیارات بانک مرکزی به وزیر اقتصاد] اصلاً وارد نیست؛ چون بانک مرکزی زیر مجموعه‌ی قوه‌ی مجریه است و دادن کار اجرایی به قوه‌ی مجریه خلاف قانون اساسی نیست.

آقای علیزاده - ما به این تبصره‌ی الحاقی اشکال داریم.

آقای مدرسی یزدی - من هم اشکال دارم.

آقای جنتی - رأی بگیرید.

آقای علیزاده - حتی اگر [ترکیب و وظایف شورای پول و اعتبار] مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام هم نباشد، از لحاظ اجرایی به این تبصره‌ی الحاقی اشکال داریم؛ چون وظایف و مواردی که در ماده (۹۷) قانون برنامه پنجم برای شورای پول و اعتبار ذکر شده است، [از جنس امور] اجرایی نیستند. منتها باید سند مصوبه‌ی مجمع تشخیص را ببینیم، شاید عده‌ی بیشتری با

۲. ماده (۸۱) مصوبه‌ی مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۷ مجلس در خصوص لایحه‌ی برنامه پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰): «ماده ۸۱- ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (رئیس شورا)؛ ۲- وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی؛ ۳- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور یا معاون وی؛ ۴- وزیر تعاون؛ ۵- وزیر بازرگانی؛ ۶- یک نفر از وزراء به انتخاب هیئت وزیران؛ ۷- پنج نفر کارشناس صاحب‌نظر و متخصص پولی، بانکی و اقتصادی غیردولتی به استثنای اعضای هیئت علمی به پیشنهاد مشترک رئیس کل بانک مرکزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و با تأیید ریاست جمهوری؛ ۸- دادستان کل کشور یا معاون وی؛ ۹- یک نفر کارشناس متخصص پولی، بانکی و اقتصادی با پیشنهاد مجموعه بانک‌های خصوصی و تأیید رئیس کل بانک مرکزی؛ ۱۰- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران؛ ۱۱- رئیس اتاق تعاون ایران؛ ۱۲- دو نفر از اعضای کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر با انتخاب مجلس شورای اسلامی.»

۱. تبصره (۱) ماده (۸۰) مصوبه‌ی مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ مجلس در خصوص برنامه‌ی پنجم توسعه: «تبصره ۱- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس جمهور و پس از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و رأی اکثریت مطلق مجلس شورای اسلامی با حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود.» شورای نگهبان در بند (۶) نظر شماره ۸۹۳۰/۴۱۱۱۴ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ خود در خصوص این مصوبه اعلام داشت: «۶- در تبصره (۱) ماده (۸۰)، نظر به اینکه مقاماتی که باید توسط مجلس شورای اسلامی انتخاب یا از مجلس رأی اعتماد بگیرند، در قانون اساسی احصاء شده و رئیس کل بانک مرکزی جزء این موارد نیست، بنابراین تبصره مذکور مغایر اصول متعدد قانون اساسی شناخته شد.»

گفتنی است در نامه‌ی شماره ۶۶۶۳۱/۱۰۱ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام شد که «بر اساس نظر مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، تبصره یک ماده (۸۰) در مورد نحوه اداره بانک مرکزی، جداگانه به صورت معضل در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار خواهد گرفت.»

آقای مدرس‌یزدی - [تنها] این [اضافه کردن وظایفی از جنس امور اجرایی به شورای پول و اعتبار]، اشکال دارد.

آقای علیزاده - یک اشکال این است که از اول، شورای پول و اعتبار با این وظایفش خلاف اصل ۶۰ قانون اساسی است.

آقای مدرس‌یزدی - خب، آن وظایف را مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب کرده است. ما دیگر نمی‌توانیم [نسبت به آن ایراد بگیریم].

آقای علیزاده - نه، این وظایف [مقرر برای شورای پول و اعتبار در تبصره‌ی الحاقی بند (۲-۳)] را مجمع تشخیص مصلحت تصویب نکرده است.

آقای مدرس‌یزدی - می‌دانم، ولی این اشکال با آن اشکال یک چیز شد، دو تا اشکال نشد. پس، یک اشکال است.

آقای علیزاده - دو تا اشکال است. یک اشکال این است که خلاف اصل (۶۰) قانون اساسی است. علاوه بر این، اگر خلاف اصل (۶۰) هم نباشد، وظیفه‌ای را که مجمع تشخیص مصلحت به عهده‌ی شورای پول و اعتبار نگذاشته است، مجلس نمی‌تواند به عهده‌ی آن شورا بگذارد.

آقای مدرس‌یزدی - این دوباره یک اشکال است دیگر.

آقای علیزاده - خیلی خب، حالا ایراد اصل (۶۰) قانون اساسی را می‌گیریم. آقایانی که تبصره‌ی الحاقی بند (۲-۳) در مورد اضافه کردن وظایف به شورای پول و اعتبار را خلاف اصل (۶۰) می‌دانند، نظر بدهند.

آقای علیزاده - خیلی خب، تمام شد.

منشی جلسه - حاج‌آقا، ایراد اصل (۱۱۲) چه شد؟

آقای علیزاده - نه، تنها همین ایراد مغایرت با اصل (۶۰) رأی آورد.^۵

آقای کدخدائی - این تبصره‌ی الحاقی هم نهایتاً به مجمع تشخیص مصلحت می‌رود و از طریق مجمع آن ایراد را حل و این تبصره را تصویب می‌کنند.

آقای مدرس‌یزدی - این خیلی ایراد مهمی است. عمده‌ی ایراد در نامه‌ای که بانک مرکزی به آقا [مقام معظم رهبری] فرستاده است، همین است.

منشی جلسه - «۳-۳- وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط موظف است تا پایان هر ماه بهای ماه قبل خوراک نفت خام

باقی است.»^۱ که در اصلاح به عمل آمده، دو تبصره به ماده (۸۱) الحاق شده است.

حاج‌آقا ببینید، قبل از این هم ما به ماده (۸۱) این ایراد را گرفته بودیم: «در ماده (۸۱) ترکیب این شورا با توجه به وظایفی که در قانون از جمله مواد (۸۵)، (۸۷)، (۸۹ مکرر ۲)، (۸۹ مکرر ۳)، و بند (ه) ماده (۹۰) این قانون، به آن محول گردیده است، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.»^۲ این مصوبه‌ی مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت که مجمع نظر مجلس را تأیید کرد.^۳ الآن ما دو اشکال را به تبصره‌ی الحاقی بند (۲-۳) وارد می‌دانیم. یکی اینکه برخی از وظایفی که در این تبصره برای شورای پول و اعتبار در نظر گرفته شده است، جزء وظایفی است که با تصویب مجمع تشخیص در مورد قانون برنامه پنجم برای شورای پول و اعتبار در نظر گرفته شد و همچنان همان ایراد مغایرت با اصل ۶۰ قانون اساسی به آن وارد است. اشکال دوم این است که به وظایفی که مجمع تشخیص در صلاحیت شورای پول و اعتبار قرار داده است، مواردی را اضافه کرده است که این هم اشکال دارد.

منشی جلسه - ایراد مغایرت با اصول (۶۰) و (۱۱۲) قانون اساسی.^۴ **آقای علیزاده -** بله، هم خلاف اصل (۶۰) و هم خلاف اصل (۱۱۲) است. ما حرفمان این است.

آقای مدرس‌یزدی - من آن اشکال دوم شما را نفهمیدم. **آقای علیزاده -** مجمع تشخیص مصلحت یک وظایف محدودی را به عهده‌ی شورای پول و اعتبار گذاشته است و مجلس در این تبصره‌ی الحاقی، مواردی را به آن وظایف شورای پول و اعتبار اضافه کرده است.

۱. نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۱۱۱۴ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ شورای نگهبان در خصوص لایحه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ مجلس شورای اسلامی.

۲. نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۷۳۳ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

۳. نظر شماره ۶۶۶۳۱/۱۰/۲۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص لایحه‌ی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی.

۴. اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.»

۵. بند (۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۲- تبصره الحاقی بند (۲-۳)، با توجه به ترکیب شورای پول و اعتبار، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.»

بر ارزش افزوده^۲، عوارض دریافتی از محل فروش فرآورده‌های نفتی را به قیمت سال ۱۳۹۲ محاسبه و توزیع نمایند.

تبصره ۲- خزانه‌داری کل کشور مکلف است عوارض سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور را بر اساس تکلیف قانون مالیات بر ارزش افزوده به صورت صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته و ماهانه پرداخت نماید. عدم اجرای این بند در حکم تصرف

۲. ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷: «ماده ۳۹- مؤدیان مکلفند عوارض و جرایم متعلق موضوع ماده (۳۸) این قانون را به حساب‌های رابطی که بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی کشور و توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌گردد و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد، واریز نمایند. سازمان امور مالیاتی کشور موظف است عوارض وصولی هر ماه را تا پانزدهم ماه بعد به ترتیب زیر به حساب شهرداری محل و یا تمرکز وجوه حسب مورد واریز نماید:

الف) عوارض وصولی بند (الف) ماده (۳۸) در مورد مؤدیان داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل و در مورد مؤدیان خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور به منظور توزیع بین دهیاری‌های همان شهرستان بر اساس شاخص جمعیت و میزان کمتر توسعه‌یافتگی؛
ب) عوارض وصولی بندهای (ب)، (ج) و (د) ماده (۳۸) به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور.

تبصره ۱- سه درصد (۳٪) از وجوه واریزی که به حساب‌های موضوع این ماده واریز می‌گردد، در حساب مخصوصی نزد خزانه به نام سازمان امور مالیاتی کشور واریز می‌شود و معادل آن از محل اعتبار اختصاصی که در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌گردد در اختیار سازمان مزبور که وظیفه شناسایی، رسیدگی، مطالبه و وصول این عوارض را عهده‌دار می‌باشد، قرار خواهد گرفت تا برای خرید تجهیزات، آموزش و تشویق کارکنان و حسابرسی هزینه نماید. وجوه پرداختی به استناد این بند به عنوان پاداش وصولی از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است.

تبصره ۲- حساب تمرکز وجوه قیدشده در این ماده توسط خزانه‌داری کل کشور به نام وزارت کشور افتتاح می‌شود. وجوه واریزی به حساب مزبور (به استثنای نحوه توزیع مذکور در قسمت‌های اخیر بند (الف) این ماده و تبصره (۱) ماده (۳۸) این قانون) به نسبت بیست درصد (۲۰٪) کلان‌شهرها (شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت) بر اساس شاخص جمعیت، شصت درصد (۶۰٪) سایر شهرها بر اساس شاخص کمتر توسعه‌یافتگی و جمعیت و بیست درصد (۲۰٪) دهیاری‌ها بر اساس شاخص جمعیت تحت نظر کارگروهی متشکل از نمایندگان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور و یک نفر ناظر به انتخاب کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی مطابق آیین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور و شورای عالی استان‌ها به تصویب هیئت وزیران می‌رسد توزیع و توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها هزینه می‌شود. هر گونه برداشت از حساب تمرکز وجوه به جز پرداخت به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و وجوه موضوع ماده (۳۷)، تبصره‌های (۲) و (۳) ماده (۳۸) این قانون و تبصره (۱) این ماده ممنوع می‌باشد. وزارت کشور موظف است، گزارش عملکرد وجوه دریافتی را هر سه ماه یکبار به شورای عالی استان‌ها و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

و میعانات گازی و خوراک معادل اکتان افزا و نفت گاز پتروشیمی تحویلی به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران را بر مبنای احکام اجزای (۳-۱) و (۳-۴) این بند به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید. خزانه‌داری کل کشور در اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، مواد (۱۶) و (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷^۱ و جزء (۳-۱) این بند (سهم وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط) مکلف است سهم طرف‌های ذی‌ربط را تا پایان ماه بعد از محل مبالغ دریافتی به نسبت واریزی ماهانه پرداخت کند و گزارش عملکرد این جزء را در مقاطع سه ماهه به کمیسیون‌های اقتصادی، انرژی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و دیوان محاسبات کشور ارسال نماید.

وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط مکلف است وجوه مربوط به سهم دولت از بهای خوراک پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها را وصول و ماهانه به خزانه‌داری کل واریز نماید. در صورت عدم واریز، در پایان هر ماه خزانه‌داری کل کشور مبالغ مربوط به ماه قبل را از حساب‌های شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت به صورت علی‌الحساب برداشت خواهد نمود. همچنین در صورت عدم واریز بهای فرآورده‌های نفتی و خوراک پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها به حساب خزانه‌داری کل کشور وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است با اعلام وزارت نفت رأساً نسبت به برداشت از حساب شرکت‌های بدهکار و واریز آن به حساب خزانه اقدام نماید.

تبصره ۱- خزانه‌داری کل کشور و سازمان امور مالیاتی و وزارت کشور موظفند در راستای اجرای مواد (۳۸) و (۳۹) قانون مالیات

۱. مواد (۱۶) و (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷: «ماده

۱۶- نرخ مالیات بر ارزش افزوده، یک و نیم درصد (۱/۵٪) می‌باشد.

تبصره- نرخ مالیات بر ارزش افزوده کالاهای خاص به شرح زیر تعیین می‌گردد: ۱- انواع سیگار و محصولات دخانی، دوازده درصد (۱۲٪)؛ ۲- انواع بنزین و سوخت هواپیما، بیست درصد (۲۰٪) ...

ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- کلیه کالاهای و خدمات مشمول نرخ صدر ماده (۱۶) این قانون، یک و نیم درصد (۱/۵٪)؛

ب- انواع سیگار و محصولات دخانی، سه درصد (۳٪)؛

ج- انواع بنزین و سوخت هواپیما، ده درصد (۱۰٪)؛

د- نفت سفید و نفت گاز، ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪).

تبصره ۱- ...»

منشی جلسه - «۴-۳- مابه‌التفاوت قیمت پنج فرآورده اصلی و سوخت هوایی فروخته‌شده به مصرف‌کنندگان داخلی با قیمت صادراتی یا وارداتی این فرآورده‌ها حسب مورد به علاوه هزینه‌های انتقال داخلی فرآورده‌ها و نفت خام معادل آنها و توزیع، فروش، مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده در دفاتر شرکت‌های پالایش نفت به حساب بدهکار وزارت نفت از طریق شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران ثبت می‌گردد و از آن طریق در بدهکار حساب دولت (خزانه‌داری کل کشور) نیز ثبت می‌شود.

وصول معوقات شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه وزارتخانه‌ها مشمول حکم ماده (۴۸) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ می‌شود.

معادل این رقم در خزانه‌داری کل کشور به حساب بستانکار وزارت نفت از طریق شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران منظور و عملکرد مالی این جزء به صورت مستقل توسط شرکت مذکور در مقاطع زمانی ماهانه از پایان تیرماه پس از گزارش سازمان حسابرسی با تأیید کارگروه موضوع بند (۱-۳) به صورت علی‌الحساب با خزانه‌داری کل کشور تسویه می‌گردد و تسویه حساب نهایی فیزیکی و مالی حداکثر تا پایان تیرماه سال بعد انجام می‌شود.»

آقای علیزاده - ماده (۴۸) قانون محاسبات عمومی کشور می‌گوید: «مطالبات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی از اشخاصی که به موجب احکام و اسناد لازم‌الاجرا به مرحله قطعیت رسیده است بر طبق مقررات اجرایی مالیات‌های مستقیم قابل وصول خواهد بود.»

آقای مؤمن - آن کارگروه موضوع بند (۱-۳) چه کسانی هستند؟ آن بند (۱-۳) که کارگروه ندارد.

منشی جلسه - چرا حاج‌آقا، بند (۱-۳) یک کارگروهی را مشخص کرده است.

آقای مؤمن - کجاست؟ بیاورید.

منشی جلسه - انتهای بند (۱-۳) می‌گوید: «وزارت نفت مکلف است از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط در مقاطع سه ماهه عملکرد مالی این جزء را پس از تأیید سازمان حسابرسی و تصویب کارگروهی مرکب از معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی

→

پرداخت به هزینه قطعی منظور می‌گردد. ...

۱۴- کمیته‌های برنامه‌ریزی شهرستان‌ها موظفند حداقل هشت درصد (۸٪) از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شهرستان را به طراحی و اجرای طرح‌های هادی و بهسازی روستاها اختصاص دهند. تخصیص اعتبارات یادشده باید به میزان صد درصد (۱۰۰٪) صورت گیرد.»

غیرقانونی در اموال عمومی است.»

آقای کدخدائی - در اینجا معنای «صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته» چیست؟

آقای علیزاده - معنایش این است که هر میزان از محل این منبع وصول شده باشد، صد درصد تخصیص می‌یابد؛ این که اشکال ندارد. همیشه این را در قوانین بودجه گفته‌اند.

آقای کدخدائی - موارد زیادی داریم که همین جور ذکر کرده‌اند این منبع به صورت صد درصدی تخصیص می‌یابد تا منابع تخصیصی کسر نشود.

آقای مدرسی‌یزدی - می‌گویند از محل منابعی که حاصل شده است، باید سهم اینجا [عوارضی شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور] را حتماً بدهید؛ این، اشکالی ندارد.

آقای کدخدائی - تخصیص صد درصد.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، همین را که فروخته؛ یعنی همین که در دستش است.

آقای علیزاده - یعنی عوارض سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور را از محل مالیات بر ارزش افزوده در سال جاری پیش‌بینی می‌کنند؛ این عوارض به هر میزان که شد، تا سقفی که در ردیف مربوطه در نظر گرفته شده است، باید به‌طور کامل به شهرداری و دهیاری‌های کشور بدهند.

آقای امیری - در سال‌های قبل، احکام مشابه با این تبصره (۲) را در مورد تخصیص صد درصدی داشته‌ایم؟

آقای علیزاده - بله.^۱

۱. به عنوان مثال، بندهای (۶)، (۸) و (۱۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور مصوب ۱۳۹۰/۲/۱۹ مقرر می‌داشت: «۶- اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دادگستری جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص می‌یابد و پرداخت می‌گردد. ...

۸- ده درصد (۱۰٪) اعتبارات پیش‌بینی‌شده در ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ و اعتبارات موضوع ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۲۵ معادل مبلغ دو هزار و پانصد میلیارد (۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به نسبت چهل درصد (۴۰٪) هزینه‌ای و شصت درصد (۶۰٪) تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از جمله نوسازی، بازسازی و احداث پایگاه‌ها و انبارها و ساختمان‌های ستادی و اجرایی شبکه امداد و نجات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و تأمین امکانات، تجهیزات و خودروهای امداد و نجات مورد نیاز به منظور پیشگیری، آمادگی و مقابله با حوادث و سوانح و در راستای اجرای وظایف مذکور در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه به جمعیت اختصاص می‌یابد تا مطابق اساسنامه آن به مصرف برسد. این اعتبار صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی و پس از

←

شرکت‌های فوق‌الذکر را برای مصارف جاری و تملک دارایی به آنها پرداخت نماید.

تبصره - منابع حاصل از فروش انشعابات برق، گاز، آب و فاضلاب توسط شرکت‌های توزیع دولتی به حساب جداگانه‌ای که با مجوز خزانه توسط این دستگاه‌ها افتتاح می‌شود واریز و صد درصد (۱۰۰٪) این منابع برای طرح‌های توسعه‌ای این شرکت‌ها به مصرف می‌رسد.

آقای مؤمن - تبصره‌ی بند (۷-۳) درست است؟ خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی^۱ نیست؟

آقای علیزاده - تبصره گفته است که «... منابع حاصل از فروش انشعابات برق، گاز، آب و فاضلاب توسط شرکت‌های توزیع دولتی به حساب جداگانه‌ای که با مجوز خزانه ...»

آقای مؤمن - این که گفته است «صد درصد (۱۰۰٪) این منابع برای طرح‌های توسعه‌ای این شرکت‌ها به مصرف می‌رسد»، این صد درصد تا چه مقدار است؟ یعنی هر مقدار منابع حاصل شد، می‌تواند مصرف کند؟

آقای مدرسی‌یزدی - چه اشکالی دارد؟

آقای مؤمن - [پرداخت‌های از خزانه] باید در حدود اعتبارات مصوب باشد.

آقای علیزاده - حاج‌آقا، لابد این پرداخت، ردیف دارد.

آقای مدرسی‌یزدی - همین که صد درصد منابع به مصرف برسد، مصوب است دیگر.

آقای مؤمن - نه، [این پرداخت، ردیف اعتباری] ندارد. نه، [چنین ردیفی] نیست.

آقای علیزاده - این تبصره گفته است که «... منابع حاصل از فروش انشعابات برق، گاز، آب و فاضلاب توسط شرکت‌های توزیع دولتی به حساب جداگانه‌ای که با مجوز خزانه توسط این دستگاه‌ها افتتاح می‌شود، واریز و ...»؛ یعنی فقط مجوز حسابداری را که منابع به آن واریز می‌شود، خزانه می‌دهد.

آقای مؤمن - یعنی چقدر به آن حسابداری که با مجوز خزانه افتتاح می‌شود، واریز می‌شود؟

آقای مدرسی‌یزدی - صد درصد منابع واریز می‌شود.

آقای علیزاده - فرضاً حتی اگر مجوز افتتاح حساب را هم خزانه بدهد، آن حساب متعلق به خزانه‌داری نیست.

رئیس جمهور و وزیران امور اقتصادی و دارایی و نفت تسویه نمایند. تسویه نهایی فیزیکی و مالی باید بر اساس گزارش حسابرسی تا پایان تیرماه سال بعد انجام شود.

«۵-۳- بازپرداخت تعهدات سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی تابعه وزارت نفت از جمله طرح‌های بیع متقابل که به موجب قوانین مربوط، قبل و بعد از اجرای این قانون ایجاد شده و یا می‌شوند و همچنین هزینه‌های صدور و فروش نفت با احتساب هزینه‌های حمل و بیمه (سیف) به عهده شرکت‌های یادشده است.

تبصره - وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط می‌تواند از سهم خود نسبت به بازپرداخت تعهدات بیع متقابل نفتی و گازی منعقد شده سال‌های قبل، از محل تولید یا عواید همان میدان و در صورت عدم امکان از محل عواید سایر میادین با تأیید وزیر نفت اقدام نماید.

۶-۳- شرکت‌های تابعه وزارت نفت موظفند در راستای بودجه عملیاتی، طرح‌های سرمایه‌ای از محل سهم خود از درصد پیش‌گفته و یا سایر منابع را مطابق با موافقتنامه‌های متبادله با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور اجرا و گزارش عملکرد تولید نفت و گاز را به تفکیک هر میدان و جداول طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری و منابع تخصیص‌یافته و هزینه‌شده به همراه میزان پیشرفت فیزیکی هر یک از طرح‌ها و پروژه‌ها در مقاطع سه‌ماهه به مراجع یادشده در تبصره (۳) جزء (۲-۳) این بند ارائه نمایند. وزارت نفت موظف است به گونه‌ای عمل نماید که حداقل یکصد هزار میلیارد (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از منابع حاصل سهم وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط، صرف سرمایه‌گذاری در طرح‌های مذکور با اولویت میادین مشترک نفتی و گازی گردد.

تبصره - شرکت‌های دولتی تابعه وزارت نفت می‌توانند پس از کسر کلیه پرداخت‌های قانونی، سود خالص خود را حسب مورد جهت تأمین منابع لازم برای انجام هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های یادشده با اولویت میادین مشترک نفتی و گازی با تصویب مجمع عمومی آن شرکت‌ها و مراجع قانونی ذی‌ربط به حساب‌های اندوخته قانونی و افزایش سرمایه دولت در آن شرکت‌ها منظور نمایند.

۷-۳- شرکت‌های دولتی تابعه وزارتخانه‌های نفت و نیرو مکلفند کلیه درآمدهای ریالی و ارزی خود را به حساب‌های متمرکز وجوه ریالی و ارزی که از طریق خزانه‌داری کل کشور به نام آنها نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح می‌شود، واریز نمایند.

خزانه‌داری کل کشور مکلف است متناسب با وصول، ماهانه و به صورت یک‌دوازدهم بودجه مصوب وجوه مذکور، سهم

۱. اصل پنجاه و سوم قانون اساسی: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.»

آقای علیزاده - اشکال این تبصره این است که این منابع به خزانه واریز نمی‌شود و از طریق خزانه تخصیص داده نمی‌شود.

آقای مؤمن - [طبق اصل (۵۳) قانون اساسی]، تمام دریافت‌های دولت باید در حساب خزانه متمرکز شود.

آقای علیزاده - منابع این تبصره به حساب جداگانه‌ای که با مجوز خزانه افتتاح می‌شود، واریز می‌شود.

آقای جنتی - خزانه [را که گفته است].

آقای امیری - نه حاج‌آقا، این مجوزی که خزانه می‌دهد، فقط مجوز افتتاح حساب است؛ مجوز واریز منابع به خزانه نیست.

آقای علیزاده - این تبصره نگفته است که حسابی نزد خزانه‌داری کل باز کنید. می‌گویند مثلاً در بانک ملی حسابی باز شود و درآمدها را به آنجا بریزند و از همان‌جا برداشت کنند.

آقای مدرس‌یزدی - باید نسبت به این عبارت [تبصره]، ابهام بگیریم؛ بگوییم مراد از «حساب»، حساب خزانه است یا یک حساب دیگری است؟

آقای مؤمن - همین دیگر. خیلی خوب.

آقای امیری - نه، مثل همین حکم را قبلاً هم داشته‌ایم و ایراد گرفته بودیم که آن ایراد را در مجلس درست کردند.

آقای علیزاده - به این تبصره ابهام هم بگیریم [فرقی با ایراد گرفتن نمی‌کند].

آقای مؤمن - نه، این تبصره، خلاف ذیل اصل (۵۳) قانون اساسی است.

آقای امیری - بله، خلاف است.

آقای علیزاده - بله، این مشخص است که خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی است.

آقای مؤمن - مشخص نیست که چه مقدار [از این حساب به مصرف می‌رسد].

آقای مدرس‌یزدی - مشخص نبودن آن، عیبی ندارد.

آقای مؤمن - عیب دارد.

آقای مدرس‌یزدی - این منابع، جزء درآمدهای اختصاصی آن شرکت‌ها است.

آقای علیزاده - این تبصره، اشکال دارد. آقایانی که ایراد اصل (۵۳) قانون اساسی را به قسمت اخیر این تبصره بند (۷-۳) وارد می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - قسمت صدر [بند (۷-۳)] هم دارای این ایراد است.

آقای مدرس‌یزدی - ما ابهام این [تبصره‌ی بند (۷-۳)] را رأی می‌دهیم.

آقای امیری - این، اشکال دارد.

آقای علیزاده - بله، این اشکال دارد.

آقای امیری - قبلاً هم حکمی مثل همین را اشکال گرفته‌ایم.^۱

آقای مدرس‌یزدی - این تبصره گفته است که «... به حساب جداگانه‌ای که با مجوز خزانه ...»

آقای علیزاده - [پس این حساب در] خزانه نیست. این حساب متعلق به خود شرکت‌های توزیع دولتی است که در بیرون از خزانه است.

آقای مدرس‌یزدی - نه.

آقای امیری - چرا حاج‌آقای مدرس، این حساب، حساب خزانه نیست.

آقای علیزاده - بله، معنای این تبصره همین است.

آقای امیری - این تبصره معنایش همین است. فقط خزانه مجوز افتتاح این حساب را می‌دهد، ولی این حساب، حساب خزانه نیست. چنین موردی را قبلاً هم داشتیم که به آن ایراد گرفتیم.

آقای علیزاده - اگر به حساب خزانه‌داری کل واریز می‌شود، به ما نشان بدهند!

آقای مدرس‌یزدی - اینها [خزانه‌داری کل]، حساب باز می‌کنند دیگر.

آقای علیزاده - [اگر این‌طور است]، ردیف مربوط به این حساب را به ما بگویند.

آقای امیری - بله، این حساب، حساب جداگانه‌ای است. قبلاً مثل همین حکم و ایراد را داشته‌ایم.

آقای علیزاده - این حساب جداگانه است؛ پس اشکال دارد.

آقای مؤمن - یعنی [منابع حاصل از فروش انشعابات برق، گاز، آب و فاضلاب توسط شرکت‌های توزیع دولتی]، جزء درآمدهای دولتی است؟

۱. به عنوان نمونه می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۴۳۳۱ مورخ ۱۳۹۰/۸/۴ شورای نگهبان در خصوص لایحه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۷/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «تبصره (۲) ماده (۱۷)، از این جهت که مشخص نیست در نحوه پرداخت هزینه، آیا رعایت اصل ۵۳ قانون اساسی می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

تبصره (۲) ماده (۱۷) اشعار می‌داشت که «به منظور ایجاد زیرساخت لازم و پرداخت حق‌الزحمه اعضای هیئت، برای هر پرونده پنج درصد (۵٪) بر مبنای ارزش منطقه‌ای از متقاضی اخذ و به حساب مخصوص سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که با مجوز خزانه‌داری کل یا نمایندگی خزانه کل استان‌ها افتتاح می‌شود واریز می‌گردد.»

آقای مؤمن - [شرکت دولتی با دولت] فرقی نمی‌کند، دولتی است.
آقای مدرسی‌یزدی - باشد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌گویند در تبصره‌ی بند (۳-۷) ابهام مغایرت با اصل (۵۳) قانون اساسی وجود دارد، باید الآن رأی بدهند.

آقای مؤمن - حالا حداقل ابهام می‌گیریم.

آقای مدرسی‌یزدی - روشن است؛ [ابهامی ندارد].

آقای علیزاده - خیلی خوب، ابهام رأی آورد؛ ابهام دارد که «منابع حاصل» به خزانه واریز می‌شود یا خیر؟ یعنی رعایت اصل (۵۳) قانون اساسی می‌شود یا خیر؟

آقای مدرسی‌یزدی - ولی از این جهت که اعتبار [و سقف پرداخت موضوع تبصره] چقدر است، مشخص نیست؛ مثل درآمدهای اختصاصی است؟

آقای امیری - نه، حاج‌آقا ببینید. مثل همین تبصره را قبلاً هم داشته‌ایم؛ حساب درآمدهای اختصاصی سازمان ثبت هم [در مصوبه‌ی مجلس در مورد تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۷/۲۰] مجوز خزانه داشت، ولی به خزانه واریز نمی‌شد. ما در شورای نگهبان به آن ایراد گرفتیم که به مجلس برگشت و در آنجا این ایراد برطرف شد.^۱

آقای علیزاده - از این جهت که در تبصره‌ی بند (۳-۷)، مشخص نیست که آیا رعایت اصل (۵۳) قانون اساسی می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.^۲

منشی جلسه - «۳-۸-۳- واردات و فروش فرآورده‌های نفتی وارداتی با رعایت کیفیت و استانداردهای عرضه هر فرآورده در کشور در حدود قوانین و مقررات مربوط توسط بخش خصوصی مجاز است. وزارت نفت مکلف است پس از ارزیابی شرکت‌های متقاضی، پروانه

آقای اسماعیلی - ایراد به تبصره‌ی بند (۳-۷) یا به خود بند (۳-۷)؟

آقای علیزاده - ایراد به تبصره‌ی بند (۳-۷) است.

آقای امیری - اینکه در تبصره می‌گوید مجوز افتتاح حساب را از خزانه بگیرد، بر اینکه این منابع به حساب خزانه می‌رود، دلالت نمی‌کند. [از این جهت، این تبصره، اشکال دارد].

آقای اسماعیلی - ایشان [آقای مؤمن] می‌گوید ایراد مربوط به تبصره نیست. «منابع حاصل» را می‌گویید که ایراد دارد؟

آقای کدخدائی - خود بند (۳-۷) گفته است که «خزانه‌داری کل کشور مکلف است متناسب با وصول، ماهانه و به صورت یک‌دوازدهم بودجه مصوب و جوه مذکور، سهم شرکت‌های فوق‌الذکر را برای مصارف جاری و تملک دارایی به آنها پرداخت نماید».

آقای مؤمن - نخیر، [واریز به خزانه را] نگفته است.

آقای کدخدائی - بالای تبصره‌ی بند (۳-۷) را عرض می‌کنم.

آقای علیزاده - نخیر، نگفته است؛ بند (۳-۷) گفته است که آن درآمدها به خزانه واریز شود، ولی تبصره‌ی آن نگفته است که منابع حاصل باید به خزانه واریز شود.

آقای مؤمن - این [منابع حاصل که در تبصره‌ی بند (۳-۷) آمده است] را نگفته است [که به خزانه واریز شود].

آقای علیزاده - [موافقان وارد بودن ایراد اصل (۵۳) قانون اساسی] چند تا شدیم؟

آقای کدخدائی - اگر حاج‌آقای مؤمن هم رأی بدهند، پنج نفر می‌شویم.

آقای مؤمن - یعنی می‌فرمایید این [تبصره‌ی بند (۳-۷)] مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی است؟!

آقای امیری - نه، نیست.

آقای مؤمن - [منابع حاصل مذکور در تبصره‌ی بند (۳-۷)] جزء درآمدهای دولت است یا نیست؟

آقای اسماعیلی - بله، جزء درآمدهای دولت است.

آقای مؤمن - پس، باید به حساب خزانه‌داری کل واریز شود.

آقای علیزاده - ولی تبصره نگفته است که این منابع به خزانه می‌رود.

آقای مؤمن - بله، تبصره چنین حکمی ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - اصلاً صرف‌نظر از [درآمدهای اختصاصی شرکت‌های دولتی]، آن بحث واریز یا عدم واریز درآمدهای شرکت‌های دولتی به خزانه را هم داریم.

آقای علیزاده - نه، [«منابع حاصل» مذکور در تبصره]، دولتی است.

۱. تبصره (۲) ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰: «تبصره ۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به منظور ایجاد زیرساخت لازم و پرداخت حق‌الزحمه اعضای هیئت برای هر پرونده پنج درصد (۵٪) بر مبنای ارزش منطقه‌ای از متقاضی اخذ می‌نماید. درآمد حاصل از اجرای این تبصره به خزانه واریز و صد درصد (۱۰۰٪) آن جهت اجرای این تبصره در اختیار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قرار می‌گیرد. ...»

۲. بند (۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۳- در تبصره بند (۳-۷) و همچنین بند (۳-۱۰)، از این جهت که مشخص نیست آیا اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

بازرگانی فرآورده‌های نفتی برای فعالیت آنها صادر و تمهیدات لازم از جمله امکان بهره‌گیری از تأسیسات و زیربنای موجود با دریافت هزینه‌های مربوط برای اجرای مفاد این جزء را مهیا نماید. در هر صورت مسئولیت تأمین و تنظیم بازار با در نظر گرفتن تولیدات داخلی و زیرساخت‌های موجود، با وزارت نفت است.

۳-۹- وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط موظف است علاوه بر دریافت نرخ گاز، به ازای مصرف هر متر مکعب گاز طبیعی یکصد (۱۰۰) ریال به عنوان عوارض از مشترکین دریافت و پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور، عین وجوه دریافتی را صرفاً برای احداث تأسیسات و خطوط لوله گازرسانی به شهرها و روستاها، با اولویت مناطق سردسیر، نفت‌خیز، گازخیز و استان‌هایی که برخوردار از آنها از گاز کمتر از متوسط کشور است، هزینه نماید. منابع مذکور به عنوان درآمد شرکت ذی‌ربط محسوب نمی‌گردد و مشمول مالیات نمی‌باشد.»

آقای مؤمن - این مبلغ «منابع مذکور» را باید مشخص کنند که نکرده‌اند.

آقای علیزاده - چرا، در ادامه [در تبصره، این مبلغ را] تقسیم‌بندی کرده‌اند.

منشی جلسه - «تبصره - دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از منابع حاصله متناسب با وصولی‌ها، برای تأمین و استانداردسازی سامانه گرمایشی مدارس با اولویت مدارس روستاها به وزارت آموزش و پرورش (سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور) اختصاص می‌یابد.»

آقای علیزاده - [این منابع را] به خزانه می‌ریزند؛ درآمد- هزینه است.

آقای مؤمن - همین دیگر، [پس تخصیص منابع در این بند،] صد درصد شد.

آقای علیزاده - خب، باشد.

آقای مؤمن - منتها در تبصره‌ی این بند می‌گوید که دو هزار میلیارد از این منابع را اینجا [در این مصارف] مصرف کن، بقیه‌اش را فلان جا و...

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله مؤمن، چون وجوه دریافتی را به خزانه می‌ریزند، یک ردیف اعتباری دارد؛ وقتی که ردیف داشته باشد، قطعاً به همان اندازه‌ای است که برای آن سقف تعیین شده است.

آقای مؤمن - شما ببینید، [در بند (۳-۹)] سقفی برای هزینه‌ها تعیین نشده است.

آقای علیزاده - سقف را در ردیف‌ها تعیین می‌کنند، نه در

[احکام]. ما دو تا مطلب می‌گوییم [که با هم فرق دارند].

آقای مؤمن - [در بند (۳-۹)]، سقف تعیین نکرده‌اند، بلکه خود آنها [وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط، عوارض دریافتی را به خزانه] می‌ریزند. این حکم، عین همان [حکم تبصره‌ی بند (۳-۷)] است که به آن ایراد گرفتید.

آقای علیزاده - نه، آنجا [در تبصره‌ی بند (۳-۷)] آن [ایراد عدم تعیین سقف] را نگفتیم؛ آنجا [در تبصره‌ی بند (۳-۷)] گفته‌اند که [برای منابع حاصله] حساب جداگانه باز می‌کنند.

آقای مؤمن - آنجا [در تبصره‌ی بند (۳-۷)] گفته‌اند که برای منابع حساب باز می‌کنند و معلوم نیست که چقدر به آن حساب واریز می‌شود. اینجا [بند (۳-۹)] هم معلوم نیست که چقدر در حساب خزانه ریخته می‌شود.

آقای علیزاده - اگر آنجا [در تبصره‌ی بند (۳-۷)] می‌گفتند که منابع حاصل را به خزانه‌داری کل می‌ریزند و معادل آن منابع واریزی را از خزانه می‌گیرند، ما اشکالی نداشتیم. اما این [بند (۳-۹)]، این ایراد عدم تصریح بر واریز به خزانه را] ندارد.

آقای مؤمن - آن هم اشکال دارد. قبلاً هم این اشکال را می‌گرفتیم. الحمدلله آقای هاشمی شاهرودی نیست که بگوید اشکال ندارد؛ چون ردیف ندارد. قانون اساسی را بیاورید.

آقای علیزاده - این بند (۳-۹) ردیف دارد.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، [حتی با نداشتن ردیف و یا سقف هم] اشکال ندارد؛ مثل عوارض شهرداری و بودجه‌ی شهرداری است که تصویب آن در حیطه‌ی اختیار دولت نیست.

آقای مؤمن - چرا، تصویب موضوع بند (۳-۹) در حیطه‌ی صلاحیت دولت است؛ چون در مورد دریافتی‌های وزارت نفت است؛ عوارض این بند برای دولت است و جزء درآمدهای دولت محسوب می‌شود.

آقای علیزاده - بله، این بند مربوط به وزارت نفت و بودجه‌ی دولت است.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، بند (۳-۹) می‌گوید دولت اصلاً نمی‌تواند کاری بکند [و «منابع مذکور به عنوان درآمد شرکت ذی‌ربط محسوب نمی‌گردد»].

آقای علیزاده - پس [اینکه این بند] همان واریز به خزانه‌داری کل را دارد که ... اگر منابع این بند، جزء درآمدهای شرکت ملی نفت نیست، آن شرکت هم باید این منابع را به خزانه‌داری کل واریز کند.

آقای مؤمن - باید منابع این بند به خزانه واریز شود.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا [باید عوارض دریافتی موضوع این بند

آقای علیزاده - ما می‌گوییم که فقط ردیفش را برای ما معلوم کنند [که درآمد ناشی از عوارض این بند قرار است به خزانه واریز شود]. همین موضوع را توضیح بدهند.

آقای مؤمن - آقای علیزاده اجازه بدهید.

آقای علیزاده - حاج‌آقا، ما می‌خواهیم بگوییم که ردیف این بند را مشخص کنند دیگر.

آقای مؤمن - نه، طبق اصل (۵۳) قانون اساسی «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد»؛ یعنی پرداخت‌ها باید حد اعتباری مصوب داشته باشد، نه اینکه هر چقدر که خواستند، پرداخت کنند.

آقای مدرسی‌یزدی - «پرداخت دولت» باید در حدود اعتبار مصوب باشد.

آقای مؤمن - وزارت نفت، [زیرمجموعه‌ی] دولت است. مگر دولت چیست؟

آقای مدرسی‌یزدی - وزارت نفت، عامل دولت است.

آقای مؤمن - عامل دولت است! یعنی دولت یک چیز دیگری است و این وزارت نفت عامل آن است!

آقای مدرسی‌یزدی - وزارت نفت، عامل دریافت عوارض این بند است، نه اینکه عوارض را به عنوان دولت دریافت کند.

آقای مؤمن - پس وزارت نفت، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو، [جزئی از] دولت نیستند!

آقای علیزاده - مشخص است که این بند (۳-۹) اشکال دارد. ما می‌گوییم که باید ردیف و سقف پرداخت این بند را تعیین کنند؛ چون این بند مقدار ندارد.

آقای مؤمن - بله، مقدارش [= مقدار عوارض دریافتی و میزان پرداخت] را باید مشخص کنند.^۱

منشی جلسه - «... وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط مکلف است به منظور اجرای خطوط لوله گازرسانی به شهرها و روستاهای استان سیستان و بلوچستان و شرق هرمزگان، تا مبلغ پنج هزار میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به ترتیب سه هزار میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل مازاد تراز صادرات و واردات گاز طبیعی در سال ۱۳۹۲ را به پروژه‌های مربوط

را به خزانه بریزند؟ منابع این بند (۳-۹) که جزء درآمدهای دولت نیست.

آقای مؤمن - منابع این بند جزء درآمدهای دولت نیست؟! [گیرنده‌ی این عوارض،] وزارت نفت است.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، [منابع موضوع بند (۳-۹)،] عوارض [است که وزارت نفت از طریق شرکت تابعه‌ی ذی‌ربط در کنار سایر عوارض قانونی] اضافه می‌گیرد.

آقای مؤمن - یعنی جزء درآمدهای دولت نیست؟!

آقای علیزاده - [وزارت نفت از طریق شرکت تابعه‌ی ذی‌ربط، این عوارض را] می‌گیرد که برای احداث تأسیسات و خطوط لوله گازرسانی به شهرها و روستاها، هزینه کند.

آقای مدرسی‌یزدی - [طبق این بند] باید یک عوارضی را به خزانه بریزند؛ مگر الآن شهرداری‌ها عوارض دریافتی خود را به خزانه می‌ریزند؟

آقای علیزاده - ردیف [واریزی منابع این بند به خزانه] باید مشخص شود.

آقای مؤمن - آنها [شهرداری‌ها] هم باید عوارض را به خزانه واریز کنند. چه کسانی عوارض دریافتی را به خزانه نمی‌ریزند؟ **آقای مدرسی‌یزدی -** شهرداری‌ها عوارض دریافتی را به خزانه نمی‌ریزند.

آقای مؤمن - شهرداری‌ها، خارج از دولت هستند.

آقای علیزاده - بند (۳-۹) ابهام دارد؛ من تذکر می‌دهم تا ردیف منابع این بند را مشخص کنند.

آقای مؤمن - اصل (۵۳) قانون اساسی می‌گوید: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.»

آقای مدرسی‌یزدی - در اصل (۵۳) فقط دریافت‌های دولت مد نظر است.

آقای مؤمن - خب، وزارت نفت هم جزئی از دولت است.

آقای مدرسی‌یزدی - وزارت نفت عامل [دریافت عوارض موضوع این بند] است، نه اینکه این دریافت‌ها [متعلق به وزارت نفت و دولت و در نتیجه مشمول اصل (۵۳) قانون اساسی باشد].

آقای مؤمن - پس خود دولت یک شخصیت جداگانه‌ای از وزارتخانه‌ها دارد؟!

آقای کدخدائی - حالا در مورد آن [عامل بودن یا نبودن وزارت نفت] که بحثی نیست. می‌گوییم وزارت نفت [عوارض دریافتی این بند را] به خزانه بریزد.

۱. بند (۴) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۴- در بند (۳-۹)، باید ردیف مشخص یا سقف تعیین شود و الا اشکال دارد.»

خطوط انتقال نفت خام و میعانات گازی به شرکت‌های مذکور به صورت خط اعتباری اختصاص دهد.»

آقای مؤمن - این بند در خصوص استفاده از خط اعتباری بانک مرکزی است.

آقای علیزاده - نه، از این بند برمی‌آید که به خزانه هیچ ارتباطی ندارد؛ بانک مرکزی که خزانه نیست.

آقای مؤمن - این بند در مورد استفاده از خط اعتباری است.

آقای علیزاده - بله، در مورد خط اعتباری است.

منشی جلسه - «۱۲-۳- مالیات بر ارزش افزوده و عوارض آب، برق و گاز با توجه به مالیات و عوارض مندرج در صورت حساب (قبوض) مصرف‌کنندگان و همچنین نفت تولیدی و فرآورده‌های وارداتی، فقط یک‌بار در انتهای زنجیره تولید یا توزیع آنها توسط شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی (شرکت‌های پالایش نفت) و شرکت‌های تابعه ذی‌ربط وزارت نفت و شرکت‌های گاز استانی و شرکت‌های تابعه ذی‌ربط وزارت نیرو و شرکت‌های توزیع آب و برق استانی بر مبنای قیمت فروش داخلی محاسبه و دریافت می‌شود. مالیات مزبور به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و عوارض طبق قوانین موضوعه توزیع می‌شود.

۱۳-۳- (با عنوان ۱۸-۳ منظور شد.)

۱۴-۳- به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده می‌شود با اطلاع و تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در موارد لزوم، مجوز افتتاح حساب در بانک‌های دولتی و غیردولتی مورد تأیید خود در داخل و خارج کشور را برای شرکت‌های متقاضی تابعه وزارت نفت صادر نماید.

۱۵-۳- به شرکت‌های گاز استانی اجازه داده می‌شود با تضمین وزارت نفت تا سقف سی هزار میلیارد (۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تسهیلات جهت اجرای خطوط گازرسانی به روستاها و شهرهای فاقد گاز با اولویت مناطق سردسیر و بازپرداخت پنج‌ساله دریافت نمایند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف به هماهنگی اجرای این بند از طریق بانک‌های عامل می‌باشد.

۱۶-۳- به وزارت نفت اجازه داده می‌شود از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط، درآمد حاصل از مزایده فروش گازهای تولیدی همراه نفت از کلیه میادین نفتی ایران را که در حال حاضر سوزانده می‌شود، بر مبنای قیمت پایه یک‌سوم قیمت گاز طبیعی تصفیه‌شده تحویلی به صنایع، صرف طرح‌های حفاظت محیط زیست وزارت نفت و شرکت‌های تابعه نماید.

۱۷-۳- به وزارتخانه‌های نفت و نیرو اجازه داده می‌شود از طریق

اختصاص دهد و مازاد آن را تا سقف پنجاه هزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال صرف توسعه پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال گاز طبیعی سراسری با اولویت خطوط انتقال صادراتی کند.

۱۰-۳- به وزارت نفت از طریق شرکت‌های تابعه اجازه داده می‌شود برای تأمین مصارف سرمایه‌ای، منوط به تعهد و بازپرداخت اصل و سود از محل منابع داخلی شرکت‌های یادشده، با تشخیص و مسئولیت وزیر و مدیرعامل شرکت مربوط با هماهنگی وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان بورس و اوراق بهادار) و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت قوانین و مقررات تا سقف ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار اوراق مشارکت ارزی و یا صکوک نفتی به فروش برساند.

تبصره - تبدیل وجوه حاصل از اوراق مذکور به ریال ممنوع می‌باشد و این وجوه باید صرفاً به طرح‌های سرمایه‌گذاری اختصاص یابد.»

آقای مؤمن - در بند (۱۰-۳) که گفته است وزارت نفت اوراق مشارکت ارزی و یا صکوک نفتی بفروشد، منابع حاصل از آن، جزء درآمدهای دولت نیست و نیازی به واریز به خزانه‌داری کل نیست؟! مگر اینکه باز تا سقف ده میلیارد خودش ...

آقای علیزاده - باید به خزانه واریز شود. حالا ما از مجلس می‌پرسیم که آیا درآمدهای حاصل از این بند به خزانه می‌رود یا خیر؟

آقای مؤمن - ظاهراً منابع حاصل به خزانه واریز نمی‌شود.

آقای علیزاده - اگر این منابع حاصل به خزانه می‌رود، مجلس بگوید که معادل آن منابع واریزی به خزانه، صد درصد به شرکت‌های تابعه وزارت نفت تخصیص می‌یابد.^۱

منشی جلسه - «۱۱-۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز است تا مبلغ ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از محل منابع ارزی خود در خارج از کشور را منوط به تعهد و بازپرداخت اصل و سود این تسهیلات از محل منابع داخلی شرکت‌های تابعه وزارت نفت جهت تأمین منابع طرح‌های وزارت نفت از جمله طرح‌های بالادستی نفت و گاز در حوزه‌های مشترک و خطوط لوله اصلی انتقال گاز و فرآورده‌های نفتی و

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۳- در تبصره بند (۷-۳) و همچنین بند (۱۰-۳)، از این جهت که مشخص نیست آیا اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای مؤمن - بالای این بند، در مورد تصویب آیین‌نامه است؛ اول بند (۱۸-۳) آیین‌نامه‌ی اجرایی آمده است و بعدش دستورالعمل‌های حسابداری لازم. در این بند هم دستورالعمل آمده است، هم آیین‌نامه. آیین‌نامه را خود هیئت دولت تصویب می‌کند، دستورالعمل را هم کسی که [مربوط به آن است].

منشی جلسه - «جزء الحاقی - وزارت نفت مکلف است در راستای اجرای ماده (۲۴) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۳ نسبت به تأمین اعتبار برق‌دار کردن حداقل بیست درصد (۲۰٪) از چاه‌های کشاورزی اقدام نماید. وزارت نیرو و شرکت‌های توزیع برق استانی موظفند با درخواست جهاد کشاورزی شهرستان‌ها، برق چاه‌ها را تأمین نمایند.»

آقای علیزاده - مفاد ماده (۲۴) [قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی] چه بود؟ یعنی این ماده پول نمی‌خواهد؟
آقای مؤمن - چرا، وزارت نفت باید منابع ماده (۲۴) را برای این کار مصرف بکند.

آقای کدخدائی - ماده (۲۴) در مورد چاه‌های کشاورزی است. در این جزء الحاقی گفته شده است که امسال حداقل بیست درصد (۲۰٪) از چاه‌های کشاورزی برای برق‌دار کردن تأمین اعتبار شود.

آقای مؤمن - هزینه‌ی برق‌دار کردن چاه‌های کشاورزی را وزارت نفت باید بدهد.

آقای کدخدائی - وزارت نفت هزینه‌ی برق‌دار کردن چاه‌های کشاورزی را بدهد.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، وزارت نفت باید اعتبار برق‌دار کردن چاه‌های کشاورزی را تأمین کند.

آقای علیزاده - اعتبارش را باید وزارت نفت تأمین کند.

آقای کدخدائی - اگر تا الآن به کشاورز گازوئیل می‌دادند، از این به بعد به جای گازوئیل، پولش را به مردم بدهند.

آقای علیزاده - الآن به کشاورزان گازوئیل ارزان می‌دهند. در

قراردادهای بیع متقابل با بخش‌های غیردولتی نسبت به کاهش تلفات توزیع برق، آب و حامل‌های انرژی اقدام و هزینه‌های سرمایه‌گذاری و سود متعلقه را از محل صرفه‌جویی‌های انجام‌شده پرداخت نمایند.

۱۸-۳ - آیین‌نامه اجرایی این بند شامل سازوکار تسویه حساب خزانه‌داری کل کشور با وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط و همچنین قراردادی که وزارت نفت به نمایندگی از طرف دولت با شرکت مزبور در چهارچوب مفاد این بند برای عملیات نفت، گاز، پالایش و پخش منعقد می‌نماید، تا پایان تیرماه به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های نفت و امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. دستورالعمل‌های حسابداری لازم به نحوی که آثار تولید و فروش نفت خام و میعانات گازی، در دفاتر قانونی و حساب سود و زیان شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط وزارت نفت انعکاس داشته باشد به پیشنهاد وزارت نفت و تأیید وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و تا پایان مردادماه ابلاغ می‌شود.»

آقای اسماعیلی - چه کسی آن [دستورالعمل‌های حسابداری] را ابلاغ می‌کند؟

آقای مؤمن - هیئت دولت ابلاغ می‌کند؛ چون آیین‌نامه است. مگر چه کسی آیین‌نامه‌هایی را که آنها [هیئت دولت] تصویب کرده‌اند، ابلاغ می‌کند؟

آقای اسماعیلی - دستورالعمل است.

آقای مؤمن - دستورالعمل باشد، فرقی نمی‌کند؛ اول این بند در مورد تصویب آیین‌نامه بود و بعد در قسمت آخر آن، دستورالعمل آمده است.

آقای علیزاده - همان کسی که تعیین و تصویب می‌کند، ابلاغ هم می‌کند.

آقای امیری - قبلاً در مصوبه‌ی مربوط به برنامه‌ی پنجم توسعه، به خاطر اینکه بعضی موارد [آیین‌نامه‌ها] را از نظارت مجلس خارج بکنند، اسم آن آیین‌نامه را دستورالعمل می‌گذاشتند؛^۱ این مورد از آن جنس نیست؟

۱. نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۹۶۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی: «الف) ... - علاوه بر ایراد قبلی شورا در ماده (۹۷)، اطلاق موکول کردن تصویب دستورالعمل در موارد متعدد در این مصوبه به تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، در اموری که انجام آن از وظایف یا اختیارات وزیر یا هیئت وزیران باشد، منوط نمودن آن به تأیید اشخاص دیگر مغایر اصول متعدد از جمله اصل (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۲۴) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۳: «ماده ۲۴ - وزارت نفت مکلف است همه ساله مبالغ ریالی صرفه‌جویی سوخت ناشی از برقی کردن چاه‌های آب کشاورزی را به حسابی که در خزانه‌داری کل افتتاح می‌گردد، واریز نماید تا جهت برقی کردن چاه‌های کشاورزی اختصاص یابد و به مصرف برسد. وزارت نیرو و شرکت‌های توزیع برق استانی موظفند با درخواست جهاد کشاورزی شهرستان‌ها، برق چاه‌ها را تأمین نمایند.»

واقع، این هزینه از محل تفاوت قیمت گازوئیل ارزان و با قیمت واقعی است.

منشی جلسه - «۴-» از معادل ریالی مازاد ارز حاصله نسبت به مبلغ پیش‌بینی شده در بند (۳) این قانون و پس از اجرای جزء (۱-۳) این بند و قبل از واریز به حساب ذخیره ارزی پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار برای تقویت بنیه دفاعی، شامل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نیروهای نظامی، انتظامی و بسیج، معادل ریالی چهارصد میلیون (۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار برای مدیریت و اجرای طرح‌های تحقیقاتی کلان ملی - شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و معادل ریالی یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار برای ارتباط صنعت و دانشگاه، تقویت و توسعه شبکه آزمایشگاهی علمی ایران و حمایت از فناوری - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اختصاص می‌یابد. نحوه وصول و واریز به حساب خزانه و نحوه مبادله موافقتنامه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

آقای جنتی - هزینه‌های این بند را مجلس اضافه کرده است و باعث بالا رفتن هزینه‌ها شده است. البته این هزینه‌ها لازم است، ولی مبالغ هزینه‌ها را بالا می‌برد. آن اصل کلی [در بودجه‌نویسی] که باید تا جای ممکن از هزینه‌ها کاست و درآمدها را افزایش داد، [در این بند، رعایت نشده است]. الان این بند (۴)، هزینه‌ها را بالا می‌برد.

آقای علیزاده - نه، این هزینه‌ها را مجلس اضافه نکرده است.

آقای جنتی - این بند، الحاقی است دیگر.

آقای علیزاده - نخیر.

آقای جنتی - چرا؟

آقای علیزاده - جزء الحاقی قبل از بند (۴) بود. این بند (۴) در لایحه‌ی دولت بوده است.

آقای جنتی - مطمئنید که این بند (۴)، در لایحه‌ی دولت بوده است؟
آقای امیری - حاج‌آقای علیزاده، روزی که ما به مجلس رفته بودیم، نمایندگان دولت به این بند (۴) مصوبه اعتراض داشتند و می‌گفتند که این بند در لایحه‌ی دولت نبوده است و مجلس آمده این سقف هزینه‌ها را بالا برده است.

آقای مؤمن - چرا این بند گفته است که از معادل ریالی مازاد ارز حاصله، قبل از واریز به حساب ذخیره‌ی ارزی این کار را بکنند؟
آقای مدرسی‌یزدی - در این بند گفته شده که اگر نسبت به منابع پیش‌بینی شده، مبلغی اضافه‌تر حاصل شد، این کارها را بکنند. این که اشکالی ندارد.

آقای کدخدائی - بند (۴) گفته است: «از معادل ریالی مازاد ارز

حاصله نسبت به مبالغ پیش‌بینی شده در بند (۳) این قانون و پس از اجرای جزء (۱-۳) این بند و قبل از واریز به حساب ذخیره ارزی، معادل ریالی پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار برای تقویت بنیه دفاعی، شامل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نیروهای نظامی، انتظامی و بسیج، معادل ریالی چهار صد میلیون (۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار برای مدیریت و اجرای طرح‌های تحقیقاتی ...»، لذا جا و محل تأمین منابع را مشخص کرده است.

آقای علیزاده - این متن لایحه‌ی دولت است؟

آقای مؤمن - بله، بند (۴) لایحه‌ی دولت را الان خواندند.

آقای امیری - نه آقای دکتر، اینها پیشنهادهای نمایندگان است.

آقای مدرسی‌یزدی - ظاهراً بند (۴) لایحه‌ی دولت، این نبوده است.

آقای مؤمن - حاج‌آقا، این بند (۴)، در لایحه‌ی دولت هست.

صفحه (۸) لایحه‌ی دولت را بیاورید، این بند آنجا است.

آقای مدرسی‌یزدی - بند (۴) لایحه در صفحه‌ی (۸) هست، ولی با آن چیزی که خوانده شد، متفاوت است.

آقای مؤمن - خیلی خوب، متفاوت است؛ مجلس تغییراتی در آن اعمال کرده است، ولی مفادش همان است.

آقای علیزاده - بند (۴) لایحه‌ی دولت این است: «از معادل ریالی مازاد ارز حاصله نسبت به مبالغ پیش‌بینی شده موضوع بند (۳) این قانون به نسبت بیست و پنج درصد (۲۵٪) بابت جبران عدم تحقق درآمدهای دولت و هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) بابت طرح‌ها و پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در پیوست شماره (۱) این قانون به مصرف می‌رسد.»

آقای مؤمن - بله، مجلس بند (۴) لایحه‌ی دولت را تغییر داده است.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، بند (۴) لایحه‌ی دولت تغییر کرده است.

آقای علیزاده - در مجلس مصارف بند (۴) لایحه‌ی دولت را عوض کرده‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - [در تغییراتی که در مجلس داده شده] به ریز مصارف تصریح کرده‌اند و مثلاً گفته‌اند که فلان مبلغ از مازاد ارز حاصله برای تقویت بنیه دفاعی به مصرف برسد و...

آقای مؤمن - دولت در لایحه‌اش گفته است که مازاد ارز حاصله را بابت جبران عدم تحقق درآمدهای دولت به دولت بدهند و مجلس هم می‌گوید که نه، این مازاد ارز حاصله را به جای دیگری بدهند.

آقای امیری - اصلاً آن روزی که با حاج‌آقای علیزاده به مجلس

موضوع صندوق توسعه ملی در سال ۱۳۹۲ با اصلاحات زیر اجرا می‌شود:

۱-۵- ده درصد (۱۰٪) از منابع ناشی از اجرای قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور جهت پرداخت تسهیلات به بخش‌های غیردولتی به طرح‌های دارای توجیه فنی، اقتصادی، مالی و اهلیت متقاضی به صورت پرداخت و بازپرداخت ریالی در بخش آب و کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست تخصیص می‌یابد.»

در ابتدای این بند، منظور از عبارت «موضوع صندوق توسعه ملی»، اساسنامه‌ی صندوق توسعه‌ی ملی است؟

آقای علیزاده - بله. در بند (۱-۵) هم یک کمی مطلب را شفاف‌تر کرده‌اند و گرنه، قصدشان همان ده درصد (۱۰٪) بوده است.

منشی جلسه - «۲-۵- ده درصد (۱۰٪) از منابع ناشی از اجرای قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور صندوق به صورت ریالی برای بخش غیردولتی صنعت و معدن به استثنای بخش ساخت مسکن اختصاص می‌یابد.»

آقای علیزاده - دولت در این بند از لایحه‌اش، از پانزده درصد (۱۵٪) منابع صندوق توسعه‌ی ملی، پنج درصد (۵٪) را برای مسکن و ده درصد (۱۰٪) را برای صنعت گذاشته بود که مجلس آن ۱۵ درصد را به ۱۰ درصد کاهش داده است و ضمن اینکه گفته است که به بخش مسکن هم پولی ندهند.

آقای رهپیک - [در لایحه‌ی دولت،] سهم ده درصدی از محل منابع صندوق توسعه‌ی ملی بود.

آقای مدرس‌یزدی - برای امسال.

آقای رهپیک - بله، [بند (۲-۵) مصوبه] فقط در مورد منابع ناشی از اجرای قانون بودجه در امسال است.

آقای مؤمن - تمامی مفاد بند (۵) مصوبه مربوط به منابع صندوق

→

۴- سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی

۵- اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی به منظور جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری در ایران با رعایت اصل هشتادم (۸۰) قانون اساسی می‌باشد.

۶- تأمین هزینه‌های صندوق

تبصره ۱- استفاده از منابع صندوق برای اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و بازپرداخت بدهی‌های دولت به هر شکل ممنوع است.

تبصره ۲- اعطای تسهیلات موضوع این ماده فقط به صورت ارزی است و سرمایه‌گذاران استفاده‌کننده از این تسهیلات اجازه تبدیل ارز به ریال در بازار داخلی را ندارند.

تبصره ۳- اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود.

ی- ...

رفتیم، نمایندگان دولت مشخصاً به تغییراتی که مجلس در بند (۴) داده است، اعتراض داشتند. دولتی‌ها می‌گفتند که ما چنین حکمی در لایحه نیاورده‌ایم.

آقای مؤمن - خب، نیاورده باشند.

آقای مدرس‌یزدی - بله، اینجا هم اعتراض خود را گفتند. [نمایندگان دولت] می‌گفتند که ما در لایحه، این مازاد ارز حاصله را به وزارت دفاع و... اختصاص نداده‌ایم.

آقای مؤمن - مگر مجلس فقط قلم امضا است [و باید هر چه در لایحه‌ی دولت باشد، تصویب کند]؟!!

آقای مدرس‌یزدی - ولی تغییرات مجلس در بند (۴) لایحه‌ی دولت، اصلاً مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ چون بند (۴) مصوبه می‌گوید که «معادل ریالی مازاد ارز حاصله» را چنین تقسیم کنید و به مصرف برسانید.

آقای علیزاده - دولت می‌گوید معادل ریالی مازاد ارز حاصله بابت جبران عدم تحقق درآمدهای دولت و طرح‌ها و پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای اختصاص یابد و مجلس می‌گوید برای تقویت بنیه دفاعی و... هزینه شود.

آقای امیری - ما نمی‌توانیم به این بند ایراد بگیریم.

آقای مدرس‌یزدی - نه، مگر چه اشکالی دارد؟

منشی جلسه - «صندوق توسعه ملی

۵- ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱

۱. ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ با اصلاحات بعدی آن: «ماده ۸۴- صندوق توسعه ملی که در این ماده صندوق نامیده می‌شود با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود. صندوق در تهران مستقر است و در تهران و سایر نقاط کشور شعبه‌ای نخواهد داشت. اموال و دارایی‌های این صندوق متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

...

ط- مصارف صندوق:

۱- اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی برای تولید و توسعه سرمایه‌گذاری‌های دارای توجیه فنی، مالی و اقتصادی

۲- اعطای تسهیلات صادرات خدمات فنی و مهندسی به شرکت‌های خصوصی و تعاونی ایرانی که در مناقصه‌های خارجی برنده می‌شوند از طریق منابع خود یا تسهیلات سندیکایی

۳- اعطای تسهیلات خرید به طرف‌های خریدار کالا و خدمات ایرانی در بازارهای هدف صادراتی کشور

←

آقای مؤمن - این تبصره را هم مجلس به لایحه اضافه کرده است.

منشی جلسه - «۳-۵- حدافل مبلغ دو میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار به صورت تسهیلات ارزی برای قطارهای شهری کلان‌شهرها و حمل و نقل عمومی شهری تخصیص می‌یابد.»

آقای علیزاده - دولت در لایحه‌اش گفته بود که ده درصد از منابع صندوق به صورت ریالی به‌طور کلی برای بخش‌های حمل و نقل، ارتباطات و فناوری اطلاعات، گردشگری، محیط زیست، دفاع و خدمات تخصیص می‌یابد، ولی مجلس این بند را به این صورت تغییر داده است که دو میلیارد دلار از منابع صندوق برای قطارهای شهری کلان‌شهرها و حمل و نقل عمومی شهری تخصیص داده شود.

منشی جلسه - «۴-۵- هجده درصد (۱۸٪) از منابع ناشی از اجرای قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور به صورت تسهیلات ارزی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی یا تعاونی برای طرح‌های توسعه‌ای بالادستی نفت و گاز با اولویت میادین مشترک با تضمین وزارت نفت بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و تولیدی تخصیص می‌یابد.»

آقای علیزاده - این بند از مصوبه‌ی مجلس تقریباً عین لایحه‌ی دولت است، فقط کمی درصد آن را تغییر داده‌اند و از (۱۰٪) لایحه به (۱۸٪) تغییر داده‌اند.

منشی جلسه - «۵-۵- پنج درصد (۵٪) از منابع ناشی از اجرای قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور به صورت تسهیلات ارزی برای خرید هواپیما با اقساط حداقل ده‌ساله برای شرکت‌های هواپیمایی غیردولتی ایرانی مطابق با اساسنامه صندوق تخصیص می‌یابد.»

آقای علیزاده - در واقع، مجلس بخشی از آن ده درصدی را که در بند (۳-۵) لایحه‌ی دولت آمده بوده، برای این بند (۵-۵) منظور کرده است.

آقای اسماعیلی - (۱۵٪) بوده است.

آقای علیزاده - نه آقای دکتر، [بند (۳-۵) لایحه‌ی دولت،] همان ده درصد است.

آقای مؤمن - بند (۲-۵) [لایحه‌ی دولت]، (۱۵٪) بود.

آقای علیزاده - در خود بند (۳-۵) لایحه‌ی دولت هم ده درصد به حمل و نقل عمومی اختصاص یافته بود که با تغییراتی که مجلس اعمال کرده است، دو میلیارد دلار برای مترو و پنج درصد هم برای خرید هواپیما اختصاص داده شده است.

منشی جلسه - «۶-۵- جزء (۲) بند (ط) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

توسعه‌ی ملی ناشی از اجرای قانون بودجه در سال ۱۳۹۲ است.
آقای ره‌پیک - [اما در لایحه‌ی دولت] ده درصد از کل منابع صندوق مطرح است.

آقای مؤمن - نه، ابتدای این بند (۵) گفته شده است که «در سال ۱۳۹۲ با اصلاحات زیر اجرا می‌شود».

آقای علیزاده - در لایحه‌ی دولت هم «در سال ۱۳۹۲» گفته شده است.

آقای ره‌پیک - بله، حکم این بند [در خصوص منابع صندوق توسعه‌ی ملی ناشی از اجرای قانون بودجه] در سال ۱۳۹۲ است.

آقای مؤمن - بند (۵) گفته است که «در سال ۱۳۹۲ با اصلاحات زیر».

آقای ره‌پیک - ولی به نظرم در قانون برنامه پنجم توسعه، منظور از ده درصد، ده درصد از بودجه‌ی کل صندوق توسعه‌ی ملی است.

آقای علیزاده - خب، اگر این‌طور باشد، این بند نخواستی که از منابع صندوق برای این کار استفاده شود و این، اشکالی ندارد. فقط تنها چیزی که در مصوبه‌ی مجلس نسبت به لایحه فرق کرده است، این است که آن (۱۵٪) را به (۱۰٪) تبدیل کرده‌اند. دولت در لایحه گفته بود که (۱۰٪) [از این (۱۵٪)] به صنعت اختصاص می‌یابد [و (۵٪) به بخش مسکن]، اما نمایندگان مجلس در این مصوبه گفته‌اند که دیگر از این (۱۰٪) به بخش مسکن ندهید.

آقای اسماعیلی - چون این بند، اصلاح قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه است، تصویب آن رأی دو سوم نمایندگان را می‌خواهد.^۱

آقای علیزاده - مگر قانون برنامه چه گفته است؟

آقای اسماعیلی - این بند، اصلاح قانون برنامه است دیگر.

آقای علیزاده - بله، مجلس گفته است که همه‌ی بندهای بودجه‌ی مصوب را با دو سوم رأی گرفته‌ایم. البته قانون اساسی نگفته است که اصلاح قانون برنامه، دو سوم رأی می‌خواهد [و خود مجلس در قانون مصوب خود یعنی قانون آیین‌نامه داخلی مجلس چنین چیزی را گفته است].

منشی جلسه - «تبصره - دو درصد (۲٪) از منابع این دو جزء با معرفی کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی و همچنین ده درصد (۱۰٪) از اجزای فوق به ایثارگران اختصاص می‌یابد.»

۱. ماده (۱۸۵) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن.

همراه لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ ارائه نماید. هیئت عامل موظف است گزارش عملکرد صندوق توسعه ملی را به صورت سه‌ماهه در پایان هر فصل به کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

آقای علیزاده - خود مجلس هم پیش‌بینی کرده است که دولت لایحه بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ را بعد از اسفندماه به مجلس می‌دهد؛ وگرنه چطور دولت در آذرماه می‌تواند به همراه لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ گزارش جدول موجودی و گردش وجوه صندوق توسعه ملی سال ۱۳۹۲ را بدهد؟!

منشی جلسه - «۶-» به منظور سرمایه‌گذاری در مناطق محروم کشور، به سازمان‌های گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو)، سازمان توسعه صنعتی و معدنی ایران (ایمیدرو) و شرکت‌های شهرک‌های صنعتی و صنایع کوچک ایران اجازه داده می‌شود با بخش خصوصی و تعاونی تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) در قالب شخص حقوقی مشارکت نمایند.

۷- حذف شد.»

بند (۷) لایحه‌ی دولت این بود: «طرح‌های نیمه‌تمامی که از محل حساب ذخیره ارزی تسهیلات دریافت نمودند، در صورتی که دارای بدهی معوق نبوده و توجیه فنی، اقتصادی و مالی داشته و اهلیت متقاضیان آنها مجدداً به تأیید بانک عامل برسد، برای تکمیل می‌توانند از تسهیلات صندوق توسعه ملی استفاده نمایند.» مجلس این بند را حذف کرده است.

منشی جلسه - «حمایت از تولید

۸- در راستای حمایت از تولید و سرمایه و کار ایرانی:

۸-۱- به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود، معادل مبلغ سه میلیارد و پانصد میلیون (۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار نزد بانک‌های کشاورزی، صنعت و معدن و توسعه صادرات ایران، سپرده‌گذاری نماید تا مبلغ مذکور با رعایت قوانین و مقررات از سوی بانک‌های عامل و با معرفی وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و علوم، تحقیقات و فناوری در قالب تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی بخش غیردولتی و شرکت‌های دانش‌پنیان اعطاء شود.»

آقای علیزاده - دولت در لایحه‌اش گفته است «بانک‌های تخصصی» که مجلس بدون تغییر در مبالغ یا هر چیز دیگر فقط آمده به جای عبارت «بانک‌های تخصصی» که در لایحه بوده است، بانک‌ها را با عنوان نام برده است؛ یعنی مجلس این بانک‌های تخصصی را اسم برده است؛ تغییر دیگری در لایحه نداده است.

۲- اعطای تسهیلات به شرکت‌های خصوصی و تعاونی ایرانی صادرکننده کالاها و خدمات فنی و مهندسی»

آقای مؤمن - مفاد این جزء (۲) بند (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه چه بوده است؟

آقای مدرس‌یزدی - جزء (۲) بند (ط) این است: «اعطای تسهیلات صادرات خدمات فنی و مهندسی به شرکت‌های خصوصی و تعاونی ایرانی که در مناقصه‌های خارجی برنده می‌شوند از طریق منابع خود یا تسهیلات سندیکایی.»

آقای علیزاده - خب، این بند، قانون دائمی را دارد اصلاح می‌کند که اشکال دارد. ما از این جهت به این بند، ایراد داریم.

آقای مدرس‌یزدی - چه ایرادی دارد؟

آقای مؤمن - در این بند (۵-۶)، جزء (۲) بند (ط) قانون برنامه را در سال ۱۳۹۲ اصلاح کرده‌اند. قبلاً هم این جزء را اصلاح کرده بودند و شورای نگهبان هم به آن [بند (۵-۶)] قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ کل کشور^۱ ایراد نگرفت. در این بند آمده‌اند آن حکم قانون بودجه‌ی سال قبل را برای امسال عوض کرده‌اند.

آقای علیزاده - خب، حاج آقای مؤمن جواب ایراد من را فرمودند.

منشی جلسه - «۷-۵-» تأمین منابع ریالی طرح‌های ارزی - ریالی تصویب شده در بانک‌ها بر عهده سرمایه‌گذار و بانک عامل است.

۸-۵- مدیران عامل بانک‌های دولتی و غیردولتی موظفند حداکثر طی یک هفته پس از تاریخ درخواست تسهیلات، کلیه مدارک مورد نیاز را به صورت کتبی به اطلاع متقاضی برسانند و پس از تحویل کلیه مدارک موظفند حداکثر طی دو ماه نسبت به بررسی توجیه فنی، اقتصادی و مالی طرح و اهلیت متقاضی اقدام و در صورت تأیید به صندوق توسعه ملی ارسال نمایند. رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی حداکثر ظرف پانزده روز نسبت به اعلام نظر در رابطه با پرداخت تسهیلات در قالب قرارداد عاملیت با بانک ذی‌ربط اقدام می‌کند. بانک عامل حداکثر طی یک ماه نسبت به عقد قرارداد تسهیلات به متقاضی اقدام و ظرف دو هفته آن را پرداخت می‌کند.»

آقای علیزاده - این بندها اشکالی ندارد.

منشی جلسه - «تبصره الحاقی - دولت موظف است گزارش جدول موجودی و گردش وجوه صندوق توسعه ملی سال ۱۳۹۲ را

۱. بند (۵-۶) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «۶-»

۵- جزء (۲) بند (ط) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۲- اعطای تسهیلات به صادرکنندگان کالاها و خدمات فنی و مهندسی به شرکت‌های خصوصی و تعاونی ایرانی.»

تقویت دفاتر موجود و ایجاد دفاتر جدید ارتباطات و فناوری اطلاعات روستایی (ICT روستایی) به صورت جمعی - خرجی و با استفاده از مشارکت اپراتورها به مصرف برسانند.»

آقای مؤمن - این بند ایرادی ندارد؟

آقای علیزاده - این بند نسبت به لایحه‌ی دولت، هیچ تغییری ندارد.

آقای مؤمن - نه، این بند عیب ندارد؟ مفاد این بند چیست؟ اینکه این بند گفته است که «به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می‌شود با تصویب دولت، درآمد حاصل از تکالیف مقرر در ...»، این درآمد نباید به خزانه واریز شود؟ من در مورد این بند نوشته‌ام که آیا خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی نیست؟ «درآمد حاصل ... به مصرف برساند» یعنی این درآمد را به خزانه نریزد؟

آقای علیزاده - [درآمد این بند] باید به خزانه برود.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا این درآمد باید به خزانه برود؟

آقای علیزاده - همین‌طور که نمی‌شود، باید ما را قانع کنند که این درآمد نباید به خزانه برود.

آقای مؤمن - بله، یعنی هم باید درآمد حاصل به خزانه برود و هم باید مقدار آن مشخص باشد.

آقای علیزاده - بله، این بند خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی است.

آقای مؤمن - خلاف صدر و ذیل اصل (۵۳).

آقای کدخدائی - قبلاً به اعتبارات به صورت جمعی - خرجی هم ایراد می‌گرفتیم؟

آقای امیری - حاج‌آقا، این بند، در مورد درآمد دولت است، [نه در مورد هزینه و مصارف دولت].

آقای علیزاده - بالاخره باید [در قانون بودجه] درآمد و هزینه، هر دو را معلوم کنند.

آقای مؤمن - باید مشخص باشد که میزان درآمد جمعی این بند چقدر می‌شود که وزارت ارتباطات آن را خرج می‌کند.

آقای علیزاده - [این خرج] چقدر است؟ باید این جوری بگوییم که درآمدهای این بند به خزانه واریز شود و معادل مبلغ واریزی را به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بدهند.

آقای مؤمن - بله.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که این بند را خلاف صدر و ذیل اصل ۵۳ قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند. الحمدلله این ایراد، فعلاً هشت تا رأی آورد.^۱

آقای مؤمن - عبارت «شرکت‌های دانش‌بنیان» هم در لایحه‌ی دولت نیست.

آقای علیزاده - «شرکت‌های دانش‌بنیان» را هم مجلس اضافه کرده است؟

آقای مؤمن - بله، مجلس اضافه کرده است.

آقای علیزاده - بله، مجلس اضافه کرده است.

آقای مؤمن - تبصره را هم مجلس اضافه کرده است.

منشی جلسه - «تبصره - مبلغ یک میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون (۱,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از منابع مذکور در قالب تسهیلات سرمایه در گردش به شکل ارزی با معرفی وزارت جهاد کشاورزی در اختیار واحدهای تولیدی بخش غیردولتی قرار می‌گیرد تا در جهت استمرار و افزایش تولید پروتئین دامی هزینه شود.

تبصره الحاقی - آیین‌نامه اجرایی این جزء حداکثر ظرف دو ماه توسط وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی با هماهنگی و همکاری معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور و رئیس سازمان استاندارد ایران تهیه، تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران ابلاغ می‌گردد.

۸-۲ - حذف شد.»

آقای جنتی - این بند (۸-۲) لایحه‌ی دولت را هم که حذف شده است، بخوانید.

آقای مؤمن - در این بند، دولت یک تخفیفی داده بوده که مجلس آن تخفیف را برداشته است.

آقای علیزاده - بند (۸-۲) لایحه‌ی دولت این است: «به منظور حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و کنترل قیمت‌ها دولت مکلف است در سال ۱۳۹۲ قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ را به گونه‌ای اجرا کند که با اعمال تخفیف‌های در نظر گرفته شده برای خوراک واحدهای تولیدی در قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی در آن قانون نهایتاً تخفیف‌های مذکور از طریق زنجیره قیمت محصولات تولیدی به مصرف‌کنندگان منتقل شود.»

منشی جلسه - «۹- به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می‌شود از طریق شرکت ارتباطات زیرساخت نسبت به مشارکت و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های فیبرنوری و بین‌المللی و کسب سهم مناسب از بازار پهنای باند منطقه اقدام نماید.»

آقای علیزاده - بند (۹) هیچ تغییری نسبت به لایحه نکرده است. **منشی جلسه -** «۱۰- به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می‌شود با تصویب دولت، درآمد حاصل از تکالیف مقرر در پروانه اپراتورها را جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خدمات عمومی اجباری و پایه با اولویت روستایی و کمک به

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در

منشی جلسه - «کشاورزی و آب

۱۱- به منظور تشویق و جلب سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی بخش غیردولتی و تعاونی‌های تولیدی و تشکل‌های آب‌بران و شرکت‌های سهامی زراعی در امر احداث آب‌بندان‌ها، تسریع در احداث، تکمیل و تجهیز طرح‌های شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی، اجرای عملیات آب و خاک کشاورزی و روش‌های نوین آبیاری و بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی، دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی از محل اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مربوط ذیل برنامه‌های ۴۰۱۵۲ و یا ۴۰۲۰۱ اعتبارات مورد نیاز احداث و تکمیل طرح‌های موصوف را به میزان هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) به عنوان سهم دولت به صورت بلاعوض و پانزده درصد (۱۵٪) به عنوان سهم بهره‌برداران (به صورت نقدی یا تأمین کارگر یا تهاتر زمین یا کالای مورد نیاز در اجرای طرح) پرداخت نمایند. تبصره- مناطق محروم و بهره‌بردارانی که در احداث شبکه‌های اصلی آبیاری و زهکشی مشارکت نموده باشند از پرداخت سهم مشارکت در احداث شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی معافند. آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و نیرو و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

آقای علیزاده - خیلی خوب، تا اینجا که مصوبه نسبت به لایحه تغییری نکرده است.

منشی جلسه - «۱۲- در اجرای ماده (۳۳) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی^۱، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از طریق بانک‌های عامل مکلف است با معرفی دستگاه اجرایی ذی‌ربط تسهیلات لازم را برای خرید گندم تولید داخلی تا

→

خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۵- بندهای (۱۰)، (۳-۲۴) و همچنین بندهای الحاقی سوم و هشتم مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.»

۱. ماده (۳۳) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۳: «ماده ۳۳- از تاریخ تصویب این قانون، علاوه بر اجرای قانون خرید تضمینی محصولات کشاورزی، در قالب بودجه‌های سنواری و اعتبار مصوب، سیاست قیمت تضمینی نیز برقرار می‌شود. تولیدکنندگان محصولات کشاورزی می‌توانند محصولات خود را در بازار بورس تخصصی کالای کشاورزی عرضه نمایند. در صورت کاهش قیمت بورس نسبت به قیمت تضمینی اعلام‌شده از سوی دولت، مابه‌التفاوت آن توسط دولت به تولیدکنندگان پرداخت می‌گردد.

وزارت جهاد کشاورزی مکلف است هر ساله متناسب با شرایط تولید و بازار محصولات تحت سیاست خرید و قیمت تضمینی را انتخاب و اعلام نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده حداکثر شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

سقف هفتاد هزار میلیارد (۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل منابع داخلی بانک‌ها قبل از شروع فصل برداشت در اختیار کارخانه‌های آرد و سیلوداران بخش خصوصی و شرکت‌های تعاونی روستایی قرار دهد. کارخانه‌ها و شرکت‌های مذکور موظفند تسهیلات دریافتی را برای خرید گندم به مصرف رسانده و در موعد مقرر بازپرداخت نمایند.

منابع مورد نیاز برای خرید گندم از محل اعتبارات یارانه نقدی نان موضوع ردیف ۱-۵۲۰۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون به عنوان تنخواه‌گردان از طریق سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها در اختیار دستگاه اجرایی ذی‌ربط قرار می‌گیرد. دستگاه‌های مزبور موظفند در پایان هر ماه وجوه تنخواه دریافت‌شده را از محل فروش گندم خریداری‌شده به خزانه‌داری کل کشور مسترد نمایند.»

آقای علیزاده - تنها چیزی که در این بند مصوبه [نسبت به لایحه‌ی دولت] تغییر کرده، یکی این است که در لایحه آمده بود «با معرفی وزارت صنعت، معدن و تجارت»، ولی در مصوبه‌ی مجلس گفته شده «با معرفی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط». همچنین در لایحه، مبلغ ۵۵ هزار میلیارد ریال بوده است که مجلس آن را ۷۰ هزار میلیارد ریال کرده است.

آقای مؤمن - قیمت را هم بالا برده است. مجلس قیمت خرید گندم را بالا برده است؟

آقای علیزاده - بله، دولت امسال قیمت خرید گندم را بالا برده است.

آقای مؤمن - خیلی خوب.

منشی جلسه - «واگذاری

۱۳-

۱-۱۳- حذف شد.

۱-۱-۱۳- حذف شد.

۲-۱-۱۳- حذف شد.

۲-۱۳- حذف شد.»

آقای علیزاده - بند (۱-۱۳) لایحه که حذف شده است، این بود:

«در اجرای بندهای (۱) و (۳) ماده (۲۸) قانون اجرای سیاست‌های

کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵

۱-۱-۱۳- به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به منظور افزایش سهم تسهیلات ارزی بخش غیردولتی مبلغ پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار در بانک‌های عامل و یا بانک‌های خارجی سپرده‌گذاری نمایند.

۲-۱-۱۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجازند حداقل تا مبلغ ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار یا بیشتر خط اعتباری از خارج از کشور جهت تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی فراهم نمایند.»

آقای کدخدائی - قانون اصلاح قانون برنامه‌ی چهارم است! **منشی جلسه** - نه آقای دکتر، عنوان اولیه‌ی این قانون، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی بوده است.^۱

آقای مدرسی یزدی - [در حال حاضر عنوان این قانون، اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی است.

آقای علیزاده - «با توجه به بند (د) سیاست‌های کلی، وجوه حاصل از واگذاری ...» را در ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی گفته است.^۲

موضوع این قانون از جمله شرکت‌های مادر تخصصی و عملیاتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در موارد زیر مصرف می‌شود: ...» اگر ماده (۲۹) قانون، بند (د) سیاست‌های کلی را گفته باشد، اینها [دولت و یا مجلس] می‌توانند بگویند که آن سیاست کلی رعایت نشود؟! ادامه‌ی ماده (۲۹) می‌گوید: «۱- ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی؛ ۲- اختصاص سی درصد (۳۰٪) از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی، شامل تخفیف‌های موضوع ماده (۳۴) این قانون؛ ۳- ایجاد زیربناهای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته؛ ۴- اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و بهسازی بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاه‌های واگذار شده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته و تقویت منابع بانک توسعه تعاون؛ ۵- مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته؛ ۶- تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام شرکت‌های دولتی با رعایت فصل پنجم این قانون؛ ۷- ایفای وظایف حاکمیتی دولت در حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته و پرخطر؛ ۸- بازسازی ساختاری، تعدیل نیروی انسانی و آماده‌سازی بنگاه‌ها جهت واگذاری.

تبصره ۱- اعتبارات بندهای فوق در قوانین بودجه سالانه در جدولی واحد درج خواهد شد.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت تعاون تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

→

۱-۲- ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت

تأمین اجتماعی

۲-۲- اختصاص ۳۰٪ از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی

۲-۳- ایجاد زیربناهای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته

۲-۴- اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و بهسازی بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاه‌های واگذار شده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته

۲-۵- مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف ۴۹٪ به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته

۲-۶- تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام شرکت‌های دولتی با رعایت بند (الف) این سیاست‌ها.»

۱. بر اساس «قانون اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» مصوب یازدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و هشتاد و نه (۱۳۸۹/۱۲/۱۱) مجلس شورای اسلامی، عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵، به «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» تغییر یافت.

۲. بررسی این مصوبه، در جلسه‌ی صبح مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ شورای نگهبان ادامه یافته است.